

تحلیل مبادی غیر معرفتی فعل در قالب رویکرد مدل‌های مفهومی (بر مبنای آرای صدر المتألهین)*

مهران رضایی

نویسنده مسئول؛ مدرس دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری حکمت متعالیه در دانشگاه اصفهان

rezaee.mehran@gmail.com

حسین هوشنگی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام

h.hooshangi@yahoo.com

زهرا تبرایی

کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در دانشگاه مازندران

tabarraei.zm@gmail.com

چکیده

بحث از «مبادی غیر معرفتی فعل انسان» در حوزه «فلسفه فعل»، از خلال آثار ملاصدرا، می‌تواند قدمی نو و اساسی در راستای حضور فعال فلسفه اسلامی در گستره مسائل جدید باشد. مسئله خاص این پژوهش آن است که چه مبادی غیر معرفتی‌ای در افعال انسان تأثیر دارند و نقش هرکدام از این مبادی و روابط آنها با یکدیگر و با قوای ادراکی چگونه تبیین می‌گردد؟

* بخش‌هایی از این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول، در دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام گرفته شده است.

بر مبنای تحلیل آرای ملاصدرا، در این پژوهش، به تناسب حجم مقاله، هفت مورد از مبادی غیر معرفتی افعال انسان بررسی گردید: ۱. عشق؛ سبب طلب و صدور فعل است و در نتیجه فرآیند عشق ورزیدن، نفس عاشق تحول و صیوروت می‌یابد و سپس صدور فعل به دلیل اتحاد با نفس معشوق صورت می‌گیرد؛ هم‌چنین در اسلوبی دیگر صدور فعل از عاشق به دلیل مطلوب دانستن تشبه به معشوق و در نهایت، به نوعی محرک اصلی تمام افعال است؛ ۲. ملکات نفسانی؛ بین افعال و ملکات رابطه‌ای دیالکتیک وجود دارد که البته اشتدادپذیر است؛ ۳. خواطر؛ از سنخ دواعی و محرکات اراده‌اند و به تبع، از مقدمات افعال انسانی؛ ۴. گناه؛ سبب صدور با واسطه افعال مختلف به دلیل ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب، دریافت خواطر شیطانی و مانع و نقص معرفتی است؛ ۵. تعصب؛ عامل صدور افعال به دلیل شکل‌گیری تصورات و تصدیقات هم‌سنخ با خود؛ ۶. عادت؛ با ضمیمه‌شدن به تخیل با ایجاد نوعی لذت خیالی مبدای بسیاری از افعال است؛ ۷. طبیعت؛ مبتنی بر تعریف حاصله، مشتمل بر هر فعلی که ملائم با طبع باشد و فاعلش، علم مؤثر بر فعل نداشته باشد؛ همچون تنفس، ضربان قلب، افعال نباتی، مزاج و... .

کلیدواژه‌ها: فعل، مبادی، غیر معرفتی، ملاصدرا، عشق، ملکات، خواطر، تعصب، عادت.

مقدمه

«فعل» در زندگی انسان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. انسان در راستای رفع نیازهای طبیعی و غیرطبیعی، تحقق نیت و تحصیل مطلوبات خویش، ناگزیر از توسل‌جستن به افعال است؛ همین مطلب، مبنای حضور پررنگ «فعل» و جایگاه ویژه آن در تمام زندگی انسان است. چنین ضرورتی، ما را به سمت ایجاد مطالعات منسجمی در حوزه «فلسفه فعل» سوق می‌دهد؛ و این مهمی است که در سنت فلسفه اسلامی مغفول مانده و کمتر بدان پرداخته شده است. ۱ در فلسفه غرب نیز، بحث‌های نوپایی حول «Philosophy of Action» شکل گرفته است که البته

۱. در نوشته‌های فلاسفه و متفکران اسلامی، به صورت مستقل، اثری به بحث «فلسفه فعل» اختصاص داده نشده است؛ پیرامون مبادی افعال انسان، مطالب پراکنده‌ای (غالباً ذیل عناوین اصلی دیگری همچون شمول قدرت خدا، قضا و قدر، جبر و اختیار انسان و...) نگاشته شده است.

در ابتدای گسترش و توسعه است.^۱

بحث از «مبادی غیر معرفتی فعل انسان» به‌عنوان یکی از مسائل جدید قابل طرح در مباحث تطبیقی و حوزه «فلسفه فعل»، از خلال آثار حکیم متأله، ملاصدرا (به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه اسلامی) می‌تواند مُفتح بایی جدید در فلسفه و هم‌چنین قدمی نو و اساسی در راستای حضور فعال فلسفه اسلامی در گستره مسائل جدید باشد. نتایج حاصل از آن نیز به اقتضای نیاز، در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قابل بهره‌گیری تطبیقی خواهد بود.

مسئله مورد بررسی در پژوهش حاضر این است که بر مبنای آثار ملاصدرا، چه مبادی غیر معرفتی‌ای در فعل انسان تأثیر دارند و نقش هرکدام از این مبادی در افعال چگونه تبیین می‌گردد؟ در فرآیند صدور فعل از انسان، مبادی غیر معرفتی بسیاری (همچون، ملکات، خواطر، عشق و...) حضور دارند؛ احصای این عوامل غیر معرفتی از منظر صدرالمتألهین و تبیین مکانیسم تأثیر آن‌ها در ایجاد افعال، مسئله این پژوهش است. ذیل بحث از مکانیسم تأثیر مبادی غیر معرفتی، مهم‌ترین مسئله‌ای که باید بررسی گردد رابطه این مبادی با قوای ادراکی (مبادی معرفتی) و سایر مبادی غیر معرفتی است.

علاوه بر جدیدبودن حوزه این پژوهش (فلسفه فعل) در مطالعات اسلامی و هم‌چنین جدیدبودن مسئله خاص این پژوهش (مبادی غیر معرفتی فعل)، از دیگر نوآوری‌های این پژوهش، اتخاذ رویکردی آغازگرایانه در بهره‌گیری از «رویکرد مدل‌های مفهومی» در تبیین مطالب است؛ اشاعه چنین رویکردی در حوزه فلسفه، ابزاری نوین و مطلوب در راستای تبیین و تفهیم مطالب فلسفی خواهد بود.

به اقتضای عنوان و مسئله پژوهش، مقاله از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول: معرفی رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در فلسفه؛ بخش دوم: مبادی غیر معرفتی فعل انسان از منظر صدرالمتألهین. در بخش دوم، به بررسی تحلیلی هفت مورد از مبادی غیر معرفتی، پرداخته شده است.

۱. معرفی رویکرد مدل‌های مفهومی (در فلسفه)

تاکنون مدل‌های مفهومی در رشته‌هایی همچون اقتصاد، ریاضیات، مدیریت، علوم رایانه و... مورد توجه بوده است ولی در آثار فلسفی موارد اندکی از بهره‌گیری از این ابزار توانمند را می‌توان

۱. به‌عنوان نمونه:

* Connor & Sandis, *A Companion to the Philosophy of Action* - Blackwell Companions to Philosophy.

احصا نمود. مدعا این است که مدل‌های مفهومی همچون یک رویکرد و ابزار فراگیر و یک روش نوین تبیین مطالب در فلسفه، قابلیت مطرح‌سازی و بهره‌گیری دارد.^۱

در بخش‌هایی از این پژوهش، به اقتضای مطالب، در پی معرفی «مدل‌های مفهومی» به‌عنوان یک «رویکرد و ابزار فراگیر در حوزه فلسفه» هستیم؛ مدل‌های مفهومی با ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند در فلسفه، که عرصه مفاهیم و متون غامض است، زمینه‌ساز بهبود کیفی مطالب گردد.

مزیت‌های بهره‌گیری از این رویکرد در عرصه فلسفه را می‌توان چنین برشمرد؛

الف. شفاف‌نمودن تبیینات فلسفی (اغماض آرا و مطالب فلسفی مبین ضرورت بهره‌گیری از هر ابزاری در راستای رفع این مشکل است).

ب. آسان و روان‌نمودن مکانیسم انتقال مطالب به سایر پژوهشگران (در راستای انتقال دستاوردهای پژوهشی) و متعلمان (در راستای آموزش).

ج. امکان ارائه تصویر جامع و کلی از نظریه‌ها و نظام‌های فلسفی (با توجه به اینکه آشنفتگی فکری مخاطب و نگارنده از معضلات بنیادین پیش روی اندیشه‌هاست، ارائه تصویر جامع و اجمالی از کل نظریه با بهره‌گیری از مدل‌های مفهومی، بسیار مفید می‌نماید).

د. نمودارنمودن خطاها و خلأهای ناآشکار (با کنارهم نهادن پازل‌های یک نظریه و مشاهده آن به‌صورت جامع، خطاها و خلأهایی که به‌صورت معمول و در بررسی تفصیلی ناآشکار است، ظاهر می‌گردد).

تحقق فراگیری و توسعه این امر مهم، نیازمند معرفی، عمومی‌سازی، استانداردسازی و ایجاد زبان واحد است. پژوهش حاضر، گامی مقدماتی در راستای معرفی و عمومی‌سازی «رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در عرصه فلسفه» است.

۲. مبادی غیر معرفتی فعل انسان از منظر صدرالمتألهین

در این پژوهش، مراد از مبادی، هرگونه عاملی است که به‌نحوی، در ایجاد و صدور افعال از انسان تأثیر دارد. «غیر معرفتی»، در مقابل «معرفتی» مطرح گردیده است؛ مبادی معرفتی، بر مبادی‌ای اطلاق می‌شود که معرفت، بی‌واسطه از آن‌هاست که شامل قوای معرفتی انسان (حواس ظاهری، حواس باطنی و قوه عاقله) است.

۱. پیرامون «رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در فلسفه» در مقاله «فلسفه فعل انسان از منظر ملاصدرا بر مبنای رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی» که در حال چاپ در مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی - اسلامی (با درجه علمی - پژوهشی) است، با تفصیل بیشتری بحث شده است؛ در این مقاله به اختصار به آن اشاراتی می‌شود.

بر این اساس، غرض از مبادی غیر معرفتی در این پژوهش، آن علل و عواملی است که تأثیرگذاری آن‌ها در صدور افعال، به‌گونه‌ای نیست که از آن‌ها، مستقیماً معرفت (علم، ادراک، صورت حاصل نزد نفس و...) برای نفس حاصل گردد؛ گرچه محتمل است که از نتیجه تأثیر آن‌ها، صورت علمی حاصل شود و این صورت علمی منشأ صدور فعل گردد.

بر مبنای توضیحات پیشین و در تلاش برای پاسخ به مسئله پژوهش، با جست‌وجو در آثار ملاصدرا، به احصای مواردی از مبادی غیر معرفتی افعال انسان نائل گردیدیم که در این پژوهش، به تناسب حجم ممکن برای مقاله، بررسی هفت مورد از آن‌ها، به صورت مجزا و تحلیلی ارائه می‌گردد. در طول بحث، به فراخور، روابط و تأثیرات متقابل این مبادی نیز بررسی شده است.

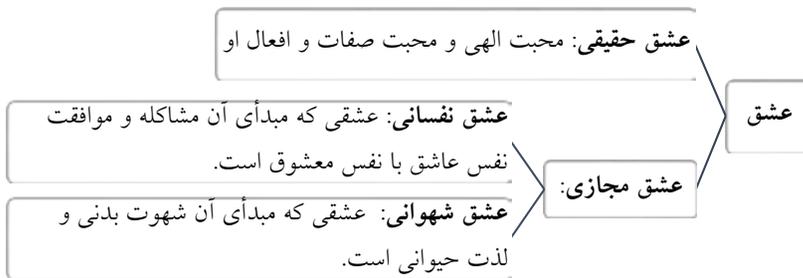
۱-۲. عشق

«عشق» از جمله مبادی غیر معرفتی‌ای است که می‌توان برای افعال انسان برشمرد. پیرامون عشق و ماهیت آن نظرات، مشتت است و ملاصدرا در اسفار اربعه در تکاپوست تا اقوال مختلف را بررسی نماید. ایشان یکی از این اقوال را نیکو (گرچه مجمل) می‌داند: «إن العشق هو إفراط الشوق إلی الاتحاد» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۷، ص ۱۷۷)، صدر المتألهین در ادامه، همین قول را تفصیل داده و بحث خود را بر آن بنا کرده است.

کلیدواژه «شوق» در این تعریف (و هم‌چنین تعابیر قریب به آنچه در عبارات دیگر در بحث عشق به کار رفته است) بیانگر نحوه حضور «عشق» در افعال انسان است. ملاصدرا در بیان مراحل صدور فعل از انسان، همواره از شوق به‌عنوان یکی از مبادی نام برده است؛ بدین مضمون که افعال اختیاری ما، مسبوق به مبادی مختلفی است که شوق یکی از این مبادی است (ملاصدرا، بی‌تا: ص ۲۳۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/الف: ج ۵، ص ۲۲۰-۱۱۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص ۱۸۹) حلقه ارتباط بدین تقریر است: هر چه از سنخ شوق (یا مبدایی برای ایجاد آن) در انسان باشد، چنانچه در فرآیند صدور فعل قرار گیرد، با تأکید آن شوق و تعلق اراده، قوه فاعله در انسان وارد عمل شده و فعل از انسان - منتسب به آن امر ابتدایی - صادر می‌گردد.

ملاصدرا در مفاتیح‌الغیب، مکانیسم تأثیر عشق را چنین تبیین می‌نماید: «تصور الجمال سبب العشق والعشق سبب الطلب أى الإرادة والطلب سبب الحركة؛ تصور جمال، سبب عشق و عشق سبب طلب (به معنای اراده) و طلب سبب حرکت (فعل) می‌گردد.» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۳۷۷؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۱۸۴). تصور جمال (که عملی ادراکی است و می‌توان آن را اعم از تصور خیالی، وهمی یا عقلی دانست) سبب عشق (افراط شوق به اتحاد) می‌شود، که ادامه این شوق

مفرط، منجر به اراده و در نهایت صدور فعل می‌گردد. آنچه تاکنون تقریر شد یک بیان از مکانیسم تأثیر عشق بوده است؛ با جست‌وجو در آثار ملاصدرا، به مدل‌های دیگری از تبیین مکانیسم تأثیر عشق در افعال انسان نائل می‌گردیم. ایشان اقسامی را برای عشق برمی‌شمارد که لازمه هر یک از آنها، حالات و افعالی است که عبارت‌اند از: عشق حقیقی و عشق مجازی (نفسانی و شهوانی).



نمودار ۱: اقسام عشق

منشأیت عشق حقیقی برای افعال مؤمنانه و الهی وضوح دارد؛ همین‌گونه که نتیجه عشق شهوانی، صدور افعال شهوی و لذت‌جویانه (همچون افعال جنسی و...) است. از اطاله کلام پیرامون این دو قسم می‌پرهیزیم، اما ملاصدرا در باب عشق نفسانی بیانی دارد که ما را به تقریری دیگر از مکانیسم تأثیر عشق رهنمون می‌شود.

ایشان نتیجه عشق نفسانی را اتحاد نفس عاشق با صورت معشوق می‌داند و در تشبیه آن به بحث اتحاد عاقل و معقول، بیان می‌دارد که اتحادی بین عاشق و معشوق حاصل می‌گردد که این اتحاد، «صبرورت و گردیدن نفس عاشق است به شخصی که با صورت معشوقش اتحاد دارد» و این پس از تکرار مشاهدات و نظرافکندن‌های بسیار و فکر زیاد و یادآوردن شکل و شمایل معشوق است، تا آنکه صورتش متمثل و حاضر شده است و ذات عاشق را درنوردیده و نقش‌پذیر می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۷، ص ۱۷۷).

این بیان مشیر و تبیین‌کننده مکانیسم تأثیر این پدیده شگرف (عشق نفسانی) است که چگونه شخص عاشق، افعال و سکناش همچون معشوق می‌گردد؛ شاید در این مورد بتوان به تعبیری عرفی تمسک جست که نفس فرد عاشق، در نتیجه فرآیند عشق‌ورزیدن، همچون «روگرفت (کپی) برابر اصل معشوق خود» می‌شود؛ در نتیجه با «صبرورت و گردیدن نفس عاشق به شخصی که

با صورت معشوقش اتحاد دارد» (یکی شدن صورت‌ها)، همان احوال و افعالی که در معشوق مشاهده می‌گردد، از عاشق نیز صادر می‌گردد.

باید مطمئن نظر داشت که این بیان از عشق، فراتر از تقریری است که عموماً در مباحث فلسفی از عشق در بحث حرکت افلاک (که البته قابل تسری به دیگر موجودات نیز هست) صورت می‌گیرد. در مبحث توجیه حرکت دوری افلاک، عشق، سبب مطلوب دانستن تشبیه به معشوق است و نتیجه این «مطلوبیت تشبیه»، صدور افعالی همچون افعال معشوق خواهد بود (البته چنین صدور فعلی از عاشق بر مبنای «مطلوبیت تشبیه به معشوق»، به نوبه خود قابلیت آن را دارد که به مثابه یکی از مجاری تأثیر عشق در افعال بعضی عشاق برشمرده شود).

در این شکل از تأثیر پذیری، در واقع، عاشق، افعال خود را کپی افعال معشوق می‌نماید (از باب مطلوبیت تشبیه به ظاهر و افعال معشوق) و البته این در حالی است که در نوع پیشین (صیورورت نفس عاشق)، نفس عاشق نوعی تحول جوهری می‌یابد و خود «نفس عاشق» کپی «نفس معشوق» می‌گردد که نتیجه چنین تحول جوهری‌ای، صدور افعالی یکسان است. تأمل در این تفاوت، روشنگر اختلاف اساسی سطح این دو مطلب خواهد بود که تفصیل سخن در این مجال نمی‌گنجد. ملاصدرا در اختلاف مردمان در محبوبات (معشوقات) بر مبنای رتبه وجودی و خصلت‌هایی که واجد آن هستند، به نحوی دیگر، به تبیین حضور عشق در افعال انسان اشاره دارد. او نفوس آدمیان را در چهار رتبه دسته‌بندی می‌کند: بهائم (با نفس شهوی)، درندگان (با نفس غضبی)، شیاطین و فرشتگان. بر مبنای این قاعده کلی که «محبوب هر یک، چیزی است که همانند و مشابه او باشد»، به بیان حالات و افعال این نفوس می‌پردازد؛ این حالات عبارت‌اند از: نفس شهوانی؛ پیوسته به دنبال شهوات و لذات بودن، عاشق خوردن و نزدیکی کردن است. نفس غضبی؛ ریاست بر غیر خودش و انتقام گرفتن از کسی که به او آزاری رسانده است و عاشق قهر و غلبه و انتقام نفس شیطانی؛ مکر، خدعه‌گری، تظاهر به زهد و پنهان کردن حقایق است، لذا پیوسته عاشق مکر، وسوسه، نویدهای دروغ و آرزوهای باطل است. نفس ملکی؛ شناختن حقایق آن‌گونه که هستند، ایمان به خداوند و فرشتگان و کتب و رُسُلش، زهد در دنیا و...؛ لذا ایشان عاشق معارف الهی و بودن با خدا، مسرور و خوشحال به یاد خدا هستند. این صفات جز در مردان خاص خدا که به منزله فرشتگانی مقرب و رسولان مکرم‌اند یافت نمی‌شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷: ص ۱۸۴-۱۸۵). در این موارد به وضوح می‌بینیم که عشق در هر یک از این نفوس، منشأ صدور افعالی مشابه آن می‌گردد. بر مبنای توضیحات پیشین، افعال بسیاری از افراد مختلف انسانی قابل تبیین است. جدول زیر یاری‌رسان تبیین افعال خواهد بود.

دسته	نفس مربوطه	حالت و ویژگی این دسته	عشق متناسب با این دسته	افعال متناسب
بهائم	نفس شهوی	پیوسته به دنبال شهوات و لذات	عاشق خوردن و نزدیکی کردن	***
درندگان	نفس غضبی	ریاست بر غیر خود و انتقام گرفتن	عاشق قهر، غلبه و انتقام	***
شیاطین	نفس شیطانی	مکر، تظاهر به زهد و پنهان کردن حقایق	عاشق مکر، وسوسه، نویدهای دروغ و آرزوهای باطل	***
فرشتگان	نفس ملکی	شناختن حقایق آن گونه که هستند، ایمان به خداوند ... و	عاشق معارف الهی	***

البته در این دسته‌بندی، این نکته باید لحاظ گردد که این شکل دسته‌بندی، متناسب با حال انسان‌هایی است که به دلایل مختلف، یک نفس بر این‌ها سیطره می‌یابد؛ در این بین، بسیاری از انسان‌ها، منحصر در یک دسته نیستند بلکه در چند دسته از این موارد جای می‌گیرند؛ به همین دلیل است که افعال متناسب با دسته‌های مختلفی از این‌ها مشاهده می‌شود، که به نوعی تعارض درونی این افراد اشاره دارد.

مدل ۱: مدل مفهومی تبیین نحوه منشأیت عشق برای افعال (بر اساس یکی از تقریرات)

a:	فرد انسانی (فاعل)
m:	دسته‌ای که a به آن تعلق دارد (بهائم، درندگان، شیاطین و فرشتگان)
k:	عشق متناسب با دسته m (متناسب با هر کدام از دسته‌های چهارگانه)
g:	افعال متناسب با این دسته و عشق آن



در پایان این بخش، می‌توان نگاهی حداکثری به جایگاه عشق در افعال انسان داشت. با در نظر گرفتن اینکه هر چه وجود دارد بهره‌ای از عشق برده است و تمام افعال خود را مبتنی بر عشقی که دارد انجام می‌دهد، و این نکته که در انسان، تمام افعال، منتسب به نفوس نباتی، حیوانی و ناطقه است، به این نتیجه رهنمون می‌شویم که در تبیین حداکثری، در گستره وجودی انسان، محرک اصلی تمام افعال، «عشق» است.

توضیح آنکه، به‌عنوان نمونه ملاصدرا در باب نفس نباتی بیان می‌دارد که قوای نباتی سه رئیس دارد: قوه تغذیه، قوه تمییه و قوه تولید؛ لذا عشقی که خاص قوای نباتی است سه می‌باشد، یکی از این سه عشق، اختصاص به قوه مغذیه دارد و آن [آن عشق] مبدای شوق قوه مغذیه به حضور غذا، هنگام نیاز بدان است. ایشان بر همین اسلوب حضور عشق را در قوای دیگر نفس نباتی و همین‌گونه، قوای نفس حیوانی و ناطقه و افعال منتسب بدان‌ها تشریح می‌نماید (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۷، ص ۱۶۶-۱۶۵).

۲-۲. ملکات نفسانی

صدرالمتألهین در بحث از مقوله کیف، در برشمردن انواع کیفیات، چهار قسم را برمی‌شمارد که یکی از اقسام آن، «کیفیات نفسانی» است. کیفیات نفسانی، به نوبه خود به دو قسم «ملکات» و «حالات» تقسیم می‌شوند؛ «کیفیات نفسانی» اگر راسخ و نافذ نباشند، «حال» نامیده می‌شوند و اگر راسخ و نافذ باشند «ملکه»^۱. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۴، ص ۱۱۰).

با بررسی آثار ملاصدرا می‌توان به نوعی «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» انسان نائل گردید؛ بدین‌گونه که افعال، عامل ایجاد ملکات نفسانی‌اند و در ادامه، همین ملکات، منشأ صدور افعال نوپیدیدی از انسان می‌گردد.

در تبیین بخش ابتدایی این مدعا (افعال عامل ایجاد ملکات هستند) بیان می‌گردد که هنگامی که شخص کاری را انجام دهد یا سخنی بگوید، اثری از آن در نفس مدتی باقی می‌ماند؛ در این میان، چنانچه افعال و گفتار تکرار پذیرند، پی‌درپی در نفس اثر می‌گذارند و (به تدریج) آثار آن‌ها در نفس مستحکم می‌گردد و احوال، به صورت ملکات درمی‌آید (ملاصدرا، ۱۳۶۰/الف: ص ۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص ۲۴۶).

۱. تعاریف مشابه و توضیحات تفصیلی‌تر، در آثار فلاسفه متقدم موجود است: رازی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابوالبرکات، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۱۸.

به دیگر سخن، «ملکه» صفت راسخ در نفس است؛ به واسطهٔ افعالی که انسان انجام می‌دهد، برای نفس، هیئت حاصل می‌گردد؛ به این هیئت حاصله، کیفیت نفسانی گفته می‌شود. چنانچه نفس آن را تکرار نماید، تا بدان حد که این هیئت در نفس، راسخ و بطی‌الزوال گردد، ملکه می‌شود (جرجانی، ۱۳۷۰: ص ۱۰۱). ملاصدرا می‌گوید «إن تکرار الأفعال یوجب حدوث الملکات؛ تکرار افعال، سبب وجوب حدوث ملکات است» (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ص ۲۶۰)؛ یعنی، ملکات نتیجه تکرار افعال است.

تا این مقام از بحث، در پی تشریح بخش اول «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» بوده‌ایم؛ اما طرف دیگر این رابطه (که ملکات، منشأ صدور افعال نوپدید از انسان می‌گردد) این‌گونه تبیین می‌شود که ملاصدرا ملکات (کیفیات نفسانی‌ای که به تدریج شدت یافته و راسخ و استوار گشته‌اند) را صورت نفسانی می‌داند که مبدأی آثار مختص به خود است؛ لذا به سبب آن، افعال متناسب با آن‌ها، به سهولت و بدون فکر و تأمل، صادر می‌شود. به عبارت دیگر، اشتداد در کیفیت، منتهی به حصول صورت جوهری می‌گردد که خود مبدأی برای افعال و آثار می‌شود؛ مانند حرارت ضعیف در ذغال که چنانچه اشتداد بیابد، صورت آتشی می‌شود که می‌سوزاند (ملاصدرا، ۱۳۶۰/ الف: ص ۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص ۲۴۶).

در بیان ویژگی «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» ۳ نکتهٔ حائز اهمیت وجود دارد: اول: مراد از تکرار افعال، صرفاً تکرار «یک فعل خاص» نیست و غلبه چنین تصویری در بحث حاضر خطاست، بلکه مراد، تکرار افعالی (یا فعلی) است که به دلیل ویژگی‌ای مشترک، تأثیر مشترکی را بر نفس دارد و در نتیجه هیئت واحدی را در نفس ایجاد می‌نمایند؛ با تحقق و تکرار «افعال مشترک در یک ویژگی واحد»، یک هیئت نفسانی شدت می‌یابد و به تدریج با استحکام آن، ملکه‌ای نفسانی، متناسب با آن‌ها، حاصل می‌گردد. به عنوان مثال، فردی را در نظر بگیرید که در پنج موقعیت، خشم خود را کنترل نکرده یا زود عصبانی شده است؛ در سه موقعیت دیگر، وارد درگیری لفظی شده است؛ در دو موقعیت دیگر به دلیل عصبانیت، وسایل منزل را شکسته است و در هشت موقعیت دیگر، به شکل‌های مختلف، با والدین خود ناسازگاری داشته است و...؛ این افعال مختلف، در ویژگی «تندخوبی» مشترک بوده‌اند؛ نتیجهٔ تکرار این افعال، تشکیل ملکه «تندخوبی» در این فرد است.

دوم: این رابطه دیالکتیک، فوق‌العاده اشتدادپذیر است؛ یعنی به سهولت قابلیت این را دارد که بر اساس تکرار زیاد «افعالی با ویژگی مشترک»، یک ملکه، رسوخ و نفوذ بیشتری بیابد و از سوی دیگر با راسخ‌تر شدن یک ملکه، افعال نوپدید شدیدتری (با شدت و حدت بیشتری نسبت به قبل)

ملاصدرا بیانی دارد که منشأییت ملکات برای افعال انسان را مستحکم‌تر می‌نماید؛ ایشان مجرای ایجاد ملکه صنایع و مکاسب علمی و عملی را بر اساس «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» تعریف می‌کند؛ وی مفاسد نبود ملکات را چنین برمی‌شمارد که چنانچه انسان‌ها ملکات نداشتند، دیگر برای هیچ انسانی، اکتساب هیچ صنعت و حرفه‌ای (و هیچ صفت علمی و عملی‌ای) ممکن نبود؛ هم‌چنین تأدیب و تعلّم برای کسی سودمند نبود و البته دیگر تمرین دادن کودکان برای اعمال، هیچ فایده‌ای نداشت (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/الف: ص ۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص ۲۴۶). روان‌شناس روسی، لُوسمنویچ و یگوتسکی، ملکه شدن فعل را با عنوان «درونی شدن» مطالعه کرده است و آن را فرآیند تبدیل تدریجی تجربه‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی بیرونی، به فرایندهای عالی ذهنی تعریف کرده است (سیف، ۱۳۹۴: ص ۱۰۳). وی معتقد بود که کودکان بعد از درونی کردن، می‌توانند برای هدایت کردن فکر و اعمال خودشان و فراگیری مهارت‌های جدید از زبان درونی‌شان استفاده کنند (برک، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۰). از مباحث دیگری که مبین «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» است، مواردی است که ملاصدرا (در آثار مختلف)، به بررسی مثال‌های گوناگونی از ملکات و جوانب آن‌ها می‌پردازد؛ می‌توان یکایک آن‌ها و نحوه مبدأییت آن‌ها برای افعال انسان را بررسی نمود که البته در این مجال نمی‌گنجد؛^۱ اما به‌عنوان نمونه، به بررسی اجمالی بعضی از آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از اقسام ملکات، خلیقات است که خود اقسامی دارد: فضیلت و رذیلت. هرکدام از این اقسام، به‌نوبه خود، اقسامی دارند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۴، ص ۱۱۴-۱۱۵). منشأ این خلیقات (که جزء ملکات هستند)، تکرار افعال است؛ در ادامه فضائل نفسانی و اخلاق انسانی «مبادی افعال حسنه» هستند؛ صدرالمتألهین در برشماری فضائل انسانی، سه صفت را به‌عنوان رئوس فضائل انسانی برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

ملکه (خلق و خو)	مربوط به قوه	توضیح
شجاعت	غضبیه	از آن، افعال متوسط بین افعال تهور و جبن (ترس) صادر می‌گردد.
عفت	شهوویه	از آن، افعال متوسط بین افعال فجور (تبهکاری) و خمود (خاموشی و بی‌تفاوتی) صادر می‌گردد.

۱. ملاصدرا بیان می‌دارد که تحت ملکه و حال، انواع نامحصور بسیاری مندرج است اما آنچه در کتاب‌های این فن آمده، اندک است؛ در کتاب‌های صوفیان، حدود ۷۰۰ نوع برشمرده شده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۴، ص ۱۱۱).

حکمت ^۱	مدبره	از آن، افعال متوسط بین افعال جریزه و غباوت (بلاغت، کودنی) صادر می‌گردد.
-------------------	-------	---

مجموع این صفات «عدالت» است. هر یک از این ۳ صفت، ۲ طرف افراط و تفریط دارند که رذیلت است؛ هر کدام از این رذائل نیز منشأ یک سری از افعال متناسب با خود هستند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۴، ص ۱۱۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۶۹۱).

تدقیق در «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی بسیاری با روان‌شناسی جدید بشود.

۲-۳. خواطر

«خطور» عبارت است از حرکت نفس برای تحصیل دلیل و در حقیقت عبارت است از «خطور به قلب» و «حضور نزد نفس» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۳، ص ۵۱۷؛ سجادی، ۱۳۷۹: ص ۲۲۵)؛ «خاطر» آن ادراکاتی است که بر نفس عارض می‌گردد، چه متجددالوصول باشد و چه یادآوری یا بازگرداندن (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۱۵۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج ۱، ص ۲۴۵).

صدرالمتألهین، وجه تسمیه این نوع افکار و یادآوری‌ها به خواطر را این می‌داند که این ادراکات، پس از آنکه قلب از آن‌ها غافل و بی‌خبر بوده است، به خاطر گذر می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۱۵۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج ۱: ص ۲۴۵).

برای خواطر انواع مختلفی برشمرده شده است؛ مناط و نتیجه تقسیم‌بندی، برای خواطر متفاوت است؛ رایج‌ترین آن‌ها تقسیم خواطر به «الهام‌ها» و «وسواس‌ها» است.^۱ در این شکل تقسیم، الهام (خاطر محمود) داعی بر خیر و نیکی است و وسواس (خاطر مذموم)، داعی بر شر و بدی (ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج ۱: ص ۲۴۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۱۵۴).

ملاصدرا با یادآوری اینکه هر پدیده تازه‌ای به علت و سببی نیاز دارد، وارد بحث از مبدای الهام و وسواس می‌گردد. ایشان مبدای الهام را غیر از مبدای وسواس می‌داند؛ «فرشته» (ملک) مبدای خاطری است که داعی به سوی خیر و نیکی است و «شیطان» مبدای خاطری که داعی به سوی شر و بدی است (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/الف: ج ۵، ص ۲۲۷).^۲

۱. این حکمت از نوع اخلاق و اوصاف است نه از نوع علوم و معارفی که به حکمت عملی و حکمت نظری منقسم می‌گردند؛ این ۲ قسم از حکمت به خصوص قسم اخیر (حکمت نظری) هر اندازه زیادتر گردد، فضیلتش بیشتر است (ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص ۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۵۱۵؛ مصلح، ۱۳۸۹: ص ۳۰).

۲. ملاصدرا در طول بحث، به حدیث نبوی اشاره داشته است که: «فی القلب لمتان: لمة من الملك إيعاد بالخیر

با این تقریر، «الهام» داعی انسان برای انجام افعال خیر و «وسواس» داعی به سمت انجام افعال شر است. نکته اساسی تبیین‌گر حضور و تأثیر خواطر در افعال انسان، همین مسئله است که خواطر از سنخ دواعی است؛ زیرا اراده در ما شوق مؤکدی است که در ادامه داعی حاصل می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۱۳۵).

صدرالمتألهین خواطر را جزء محرکات اراده و به تبع مقدمات افعال انسانی برمی‌شمارد؛ به این تبیین که نیت، عزم و اراده بعد از آن است که منوی (آنچه مقصود و مطلوب است) در قلب آمده باشد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۲۰۰)؛ این منوی، همان خاطر است. در تقریری تفصیلی این‌گونه می‌توان بیان داشت که خواطر با چند واسطه سبب صدور افعال می‌گردند؛ خاطر رغبت را تحریک می‌کند و رغبت محرک عزم است، عزم، نیت را تحریک می‌کند و نیت محرک قدرت است و در نهایت، قدرت، اعضا را برای حرکت تحریک می‌نماید (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج ۱، ص ۲۴۵).

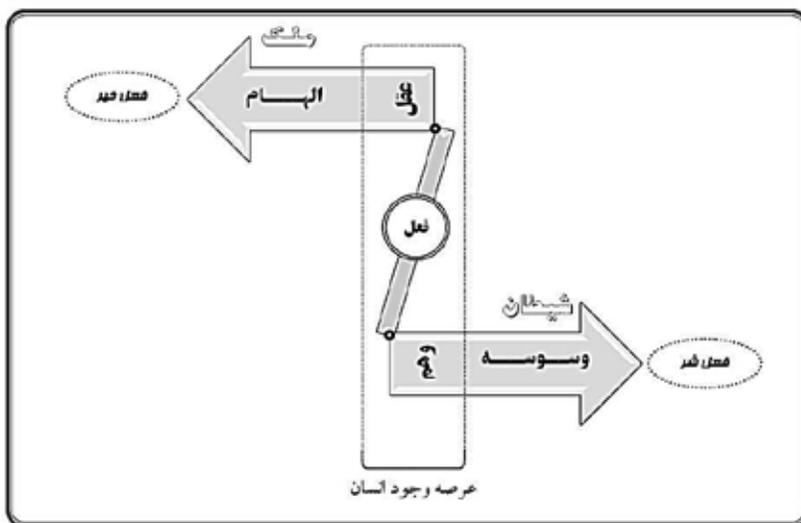
در تشریح نحوه حضور الهام‌ها و وسواس‌ها در افعال انسان، ملاصدرا مجرای اصلی تأثیر الهام و وسواس را هنگامی می‌داند که شخص در جزم و قطع علمی و تصمیم‌گیری برای ترجیح انجام فعل یا ترک آن، دچار جهل و نادانی یا شک و دودلی می‌گردد. در این صورت، نسبتش به دو طرف، برابر و یکسان باقی می‌ماند و توانایی انجام فعل یا ترک آن را ندارد و همین‌گونه مردد و در میان آن دو (عمل یا ترک) در کشاکش می‌ماند تا آنکه در نهایت، شخص یکی از دو طرف فعل (عمل یا ترک) را بر دیگری برتری می‌دهد و آن را محقق می‌نماید. این برتری لزوماً سببی نو و حادث داشته است؛ حال، چنانچه این طرف برتری یافته، از امور عقلی و نیکو (یا آنچه در آخرت سودآور) باشد سبب آن امری روحانی است که فاعل خیر و نیکویی است (و هرچه این‌گونه باشد) آن را فرشته می‌نامیم و چنانچه طرف برتری یافته، شر و زشت (یا زیان‌آور در آخرت) باشد، به نام شیطان نامیده می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۱۵۵-۱۵۶).

ملاصدرا معتقد است که به خاطر سنخیتی که شیطان با «وهم» و ملک با «عقل» دارد، انسان به واسطه قوه واهمه خود با شیطان ارتباط برقرار و خواطر شیطانی را درک می‌کند و به وسیله قوه عاقله با

و تصدیق بالحق، ولمة من العدو إیعاد بالشر و تکذیب بالحق و نهی عن الخیر» (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۲۰۲)؛ قریب به همین مضمون، احادیث دیگری نیز در کتب اسلامی موجود است؛ ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲: ص ۳۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۷۴۸.

۱. زیرا سبب امر عقلی امکان ندارد که جسم یا عرض در جسم باشد، پس ناچار امری روحانی است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۱۵۵-۱۵۶).

ملائکه مرتبط و قادر به دریافت خواطر رحمانی می‌شود (اکبری و رضاییان، ۱۳۹۰: ص ۵۶-۵۷).
بر اساس آثار ملاصدرا در تشریح نحوه حضور خواطر (الهام و وسوسه) در افعال انسان به
چنین مدلی رهنمون می‌شویم:



مدل ۳: مدل مفهومی نحوه حضور خواطر (الهام و وسوسه) در افعال انسان

در نهایت، مبتنی بر مباحث پیشین پیرامون ملکات نفسانی، به نحوی می‌توان به تأثیرگذاری ملکات و احوال نفسانی در دریافت الهام یا وسوسه‌ها نیز قائل شد (به مثابه نکته‌ای نو و قابل بحث). صدرالمتألهین، سبب مبدأییت الهام یا وسوسه در انسان را، اعمال خود انسان می‌داند؛ انسان در نخستین مراحل فطرت و سرشت، نیروی پذیرش تمام آثار را دارد و خارج شدن این آثار از قوه به فعلیت، بستگی به ممارست اعمالی دارد که آن اعمال منشأ احوال گوناگون برای قلب می‌گردند (با اعمال نیکی که برای قلب صفا و پاکی و نور می‌آورد و آن را برای پذیرش الهام فرشته آماده می‌کند یا اعمال زشتی که قلب را تیره و تاریک و آماده پذیرش وسوسه شیطان می‌کند).

بر این اساس (در افعالی که خواطر نیز در صدور آنها نقش دارند) رابطه‌ای سه‌سویه قابل فهم است؛ تکرار و ممارست افعال سبب پیدایش ملکات می‌شود، در ادامه متناسب با ملکه ایجادشده و ممارست در افعال مختلف، زمینه برای دریافت خاطر رحمانی یا خاطر شیطانی فراهم می‌گردد و به تناسب خاطر جدید حاصله، فعل جدید از فرد صادر می‌شود. در ادامه همین چرخه، تکرار فعل جدید، منشأ تقویت ملکات پیشین یا تشکیل ملکات جدید می‌گردد و...؛ این‌گونه سیر تطور و تحول ادامه خواهد داشت. بر اساس تبیین، به چنین مدلی می‌رسیم:



مدل ۴: مدل مفهومی رابطه سه‌سویه خواطر، ملکات و افعال

۲-۴. گناه

«گناه» از مبادی غیر معرفتی دیگری است که می‌توان برای افعال انسان برشمرد؛ مبتنی بر آثار ملاصدرا، برای گناه ۳ مجرای تأثیر با واسطه در افعال انسان قابل احصاست:^۱
الف. تکرر و کثرت گناهان، سبب ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب (رذائل) می‌گردد که این ملکات، مبدای صدور افعال جدید بسیاری خواهد بود.

ب. کثرت گناهان، زمینه را برای دریافت خواطر شیطانی فراهم می‌نماید و خواطر منشأ صدور افعال است (پیش از این، نقش ملکات و خواطر در افعال تشریح شد).

ج. گناه (علاوه بر اینکه بنفسه فعل یا افعالی نامطلوب است)، به‌مثابه یک مانع در مقابل ادراک درست است و سبب ایجاد نقص معرفتی و به‌خطاقتادن انسان می‌شود و بر همین اساس، منشأ صدور افعالی نامطلوب می‌گردد. توضیح اینکه، از منظر ملاصدرا، ادراک توسط نفس، منوط به اتصال نفس با عقل فعال و دریافت صور از آن عقل است که گناه در این دریافت اختلال ایجاد می‌کند.

ملاصدرا در مبحث موانع سعادت، بیانی دارد که مدعا را شفاف می‌نماید. ایشان ارتکاب گناهان و پیروی از امیال قوای غضبیه و شهویه را یکی از موانع تحصیل سعادت حقیقی برمی‌شمارد. بدین

۱. بر این مبنا که غالب گناهان خود نیز از افعال هستند می‌توان در پژوهشی مستقل مبادی معرفتی و غیر معرفتی صدور گناهان را بررسی نمود که انتظار می‌رود نکات بدیعی از آن حاصل گردد؛ در این پژوهش، ذیل مصادیق مختلف، بعضی از مبادی غیر معرفتی (که در مورد گناه نیز صادق‌اند) برشمرده شده است.

بیان که نفس بعضی از مردم به سبب گناهان (و پیروی از قوه شهویه یا غضبیه و دچار شدن به آفات باطنی همچون مکر و خدعه) دچار تیرگی و کدورت می‌شود؛ همین تیرگی و کدورت نفس، مانع دریافت صور می‌گردد.

در این میان، با ازدیاد این تیرگی، نفس فاسد می‌شود و از دریافت صور به کلی ناتوان خواهد بود. در مقام تشبیه، ملاصدرا این مانع را همچون غبار و کدورت روی آینه می‌داند که هرچه این غبارها افزایش یابند، مانعیت بیشتری را ایجاد می‌کنند تا جایی که اگر زنگار بر آینه زیاد شود آن آینه زنگ‌زده و از اصل آینه‌بودن می‌افتد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۳۶۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص ۲۵۴). هم‌چنین، از باب مشابَهت، ملاصدرا در بیان شرایط فهم قرآن، یکی از شرایط را، تطهیر قلب از معاصی می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص ۵۹) و اشاره به آیه قرآن می‌نماید که «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۸).

در نهایت، گناه با توجه به تأثیری که در ادراک انسان دارد و در آن نقص ایجاد می‌کند، در افعال تأثیر با واسطه دارد. به عبارت دیگر، با وجود مانع گناه، برای انسان در ادراک اشکال ایجاد می‌گردد و نتیجه این نقص معرفتی و خطای ادراکی پس از آن، تغییر اراده و نقص در صدور افعال است؛ افعالی که می‌توانست در راستای سعادت انسان باشند در نتیجه این نقص معرفتی به شکل دیگری صادر می‌گردند.

۲-۵. تعصب

منشأ بسیاری از افعالی که از انسان صادر می‌گردد تعصبات است (با اقسام مختلف خود نظیر تعصبات قومی، فرقه‌ای و...). ملاصدرا مراحل صدور افعال را این‌گونه تبیین می‌نماید که ما در افعالمان، نخست آن را تصور می‌کنیم و به فایده‌اش که به ما باز می‌گردد تصدیق ظنی یا جهلی خیالی یا عملی می‌کنیم (به اینکه در آن یک نوع منفعتی یا خیری از خیرات حقیقی یا ظنی باشد)؛ از این علم تصویری و این حکم تصدیقی، در ما شوقی به سوی آن برانگیخته می‌شود، و هنگامی که شوق نفسانی شدت پیدا کرد، اراده نموده و فعل را انجام می‌دهیم (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۶، ص ۳۵۴-۳۵۵). در این میان، تعصبات در انسان، عامل شکل‌گیری تصورات و تصدیقات گوناگونی (که هم‌سنخ با آن تعصب‌اند) می‌شود، که برخی از این تصورات و تصدیقات، ایجاد شوق به انجام (یا ترک) فعلی را در پی خواهد داشت؛ در ادامه نیز، چنانچه این شوق مؤکد گردد، اراده و سپس صدور فعل را در پی خواهد داشت.

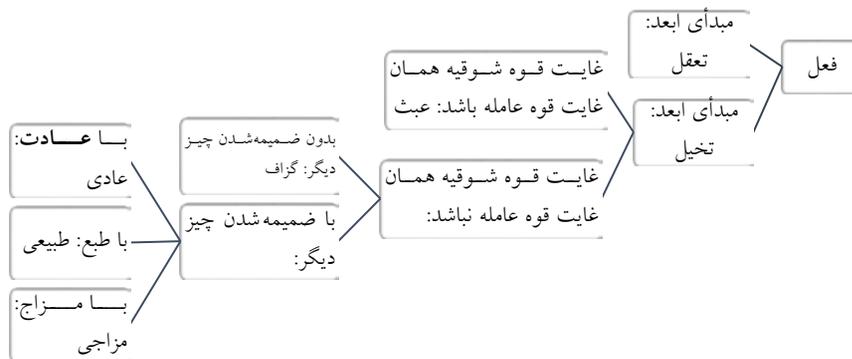
ملاصدرا تعصب را از سنخ «حجاب» برمی‌شمارد، حجابی از جنس عقاید باطلی که از آغاز

تولد فرد، از طریق تقلید، در وی ایجاد شده است و مانع قبول حق می‌شود. ایشان این حجاب را حجابی عظیم می‌داند که بیشتر متکلمان و متعصبان از مذاهب و حتی بیشتر صالحان (که در ملکوت سماوات و ارض تفکر می‌نمایند) گرفتار در تعصبی از جنس تقلید هستند که مانع کشف حقایق می‌شود. ملاصدرا، شخص متعصب را مصداق این آیه شریفه می‌داند: «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (یس: ۹)؛ تعصب همچون دیواری است که بین آینه و صورت حائل شده است و مانع دیدن تصویر می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص ۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص ۲۵۴). تعصب نوعی طرد و برنتابیدن بازنمایی (واکاوی) یک مدعا (مدعای مورد قبول فرد) است (Cola, 1997: 16 preface).

علاوه بر این، تعصب مانند گناه در افعال انسان، تأثیری از سنخ ایجاد نقص معرفتی دارد. تعصب به دلیل مانعیت در ادراک و تحصیل علم مطابق با واقع، سبب به خطا افتادن انسان و انجام افعالی است که مطابق سعادت حقیقی او نیست؛ سعادت که مبتنی بر انسان‌شناسی ملاصدرا طی مسیر عقلی و علمی، انسان را بدان نائل می‌گرداند.

۲-۶. عادت

«عادت» یکی دیگر از مبادی غیر معرفتی افعال انسان است. ملاصدرا تقسیمات مختلفی از افعال انسان ارائه می‌دهد؛ بر اساس یکی از این تقسیمات (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۹، ص ۲۵۱-۲۵۲) به چنین شقوقی می‌رسیم:



نمودار ۲: اقسام افعال

در شقی که به «فعل عادی» می‌رسیم، اگر تخیل مبدأی ابعاد حرکت باشد (تفکر و تعقل نباشد)، این تخیل گاهی با ضمیمه و گاهی بدون ضمیمه چیز دیگری است. در شقی که آن امر دیگری که

ضمیمه تخیل می‌گردد عادت، خلق و خوی و ملکه نفسانی باشد آن را فعل عادی می‌گویند؛ مثل بازی با ریش یا تسیح (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۲، ص ۲۵۲). قریب به این مضمون در نظر دانشمندان غربی حاضر نیز مشاهده می‌گردد: «عادت‌ها، رفتارهای معمول خودکاری هستند که بدون تفکر (without thinking)، به صورت منظم تکرار می‌شوند» (Butler & Hope, 2007, 389). هم‌چنین: «زمانی که عادت‌ها ظاهر می‌گردد، مغز مشارکت کامل در فرآیند تصمیم‌گیری را متوقف می‌نماید؛ مغز کار سخت (پیرامون آن عادت) را متوقف نموده یا تمرکزش را متوجه وظایف دیگری می‌کند. بنابراین، در غیر از مواردی که فرد به عمد به مبارزه با عادت می‌پردازد، این الگو (الگوی عادت) به صورت خودکار آشکار می‌گردد.» (Duhigg, 2012: 20).

در بیان ملاصدرا، ضمیمه شدن عادت به تخیل (بدون تفکر و تعقل)، مبین وجود نوعی لذت خیالی در این سنخ افعال است که منشأ تحریک شوق در انسان برای ایجاد چنین افعالی است. بر همین اساس، مکانیسم مبدأیت خیال در افعال انسان با ایجاد نوعی لذت خیالی (هرچند اجمالی و جزئی) تبیین می‌گردد، که همین لذت خیالی می‌تواند منشأ ایجاد شوق و اراده و در نتیجه صدور فعل از انسان باشد؛ به عبارتی عادت، مبدأیی برای ایجاد ادراک خیالی می‌گردد، که این ادراک خیالی، منشأ ایجاد شوق و سپس اراده و در نهایت صدور فعل خواهد بود.

طبق این تقسیم افعال و مطالب پیشین در باب ملکات نفسانی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در این تقسیم، ملاصدرا تمام افعالی را که در نتیجه خلق و خو و ملکات از انسان صادر می‌گردد از نوع افعال عادی می‌داند. این در حالی است که ایشان در بعضی از آثارش، عادت را در کنار ملکات (به عنوان قسیم آن و نه به عنوان قسمی از آن) نام برده است؛^۱ نهایتاً چنین می‌نماید که در این تقسیم از افعال، نام‌گذاری خاصی صورت گرفته است که افعال ناشی از خلق و خو و ملکات، از باب مشابهتی که وجود دارد، ذیل افعال عادی تعریف شده است؛ چنانچه بخواهیم تدقیق نماییم، می‌توان این قسم را نیز به شقوق جزئی‌تری تشقیق نمود.

بسیاری از دانشمندان، همواره تأکید داشته‌اند که در حوزه‌های مختلف تربیتی، از عادت به عنوان یک ابزار مطلوب و کارا، بهره برده شود؛ همین تأکید و تبیین آن، از مهم‌ترین مجاری‌ای است که جایگاه عادت را در افعال انسان، نمایان‌تر می‌گرداند.

از نظر علمای تربیتی بخشی از اخلاقیات و فضایل را باید از مجرای عادت در انسان ایجاد

۱. به عنوان نمونه: «الفاعل قد یكون ناقص الفاعلية تحتاج فی فاعليته إلى ملكة أو عادة أو آلة؛ فاعل ممکن است از نوع فاعل‌های ناقص باشد که در فاعلیت خود احتیاج به ملکه یا عادت یا آلت دارند.» (ملاصدرا، بی تا: ص ۱۶۲).

نمود. بر این اساس است که اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت بگیرد و گفته می‌شود: «تربیت فن تشکیل عادت است» (بیابانگرد، ۱۳۷۵: ص ۶).
از منظر فارابی کسب اخلاق نیک و فضیلت مند (به‌رغم کشش طبیعی) جز در پرتوی «عادت» حاصل نمی‌گردد؛ اخلاق اساساً با «عادت و تمرین» شکل می‌گیرد. وی حالات نفسانی را تا وقتی که به‌وسیله عادت، به شکل خصلت ثابتی در جان آدمی درنیاید، «فضیلت» نمی‌داند (ایمانی و بابایی، ۱۳۸۷: ص ۹۶).^۱

۲-۷. طبیعت

از خلال آرای صدرالمآلهین، «طبیعت» از دیگر مبادی غیر معرفتی افعال انسان است. «طبع» (با سکون عین الفعل) در لغت به معنای «ختم» است. دو کلمه طبیعت و مشتقات آن در فلسفه بسیار به کار برده شده و معانی متعددی بر حسب موارد استعمال برای آن ذکر گردیده است؛ دو استعمالات گوناگون از واژه طبیعت در آثار ملاصدرا نیز مشاهده می‌گردد. دو تدقیق در چیستی افعال طبیعتی در انسان و مقایسه تحلیلی تعاریف گوناگون ذکر شده، ما را به نکاتی بدیع در راستای تعیین مصادیق افعال طبیعی و تبیین جایگاه حقیقی طبیعت در افعال انسان رهنمون می‌شود. در همین راستا، سه بیان، با یکدیگر مقایسه می‌گردد:

بیان ۱: طبق تقریر ملاصدرا در توضیح اقسام حرکت، حرکت طبیعی آن قسمی است که حرکت در خود شیء موجود است (بالذات باشد، نه در امر دیگری مقرون با آن)، و سبب حرکتش نیز موجود در خود آن است (از خارج نیست) و شعور ندارد (اگر شعور داشته باشد، حرکت نفسانی است) (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۳، ص ۲۱۱). بر این اساس، هر حرکتی که این سه مؤلفه در آن محقق باشد، حرکت طبیعی می‌نامیم.

بیان ۲: ملاصدرا در توضیح اقسام شش‌گانه «قادر»، در تعریف بالطبع می‌گوید: «و هو الذی یفعل بطبعه الجسمانی حین هو مخلی و طبعه من غیر عائق» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۳، ص ۱۳) فاعل بالطبع فاعلی است که به طبع جسمانی خود، هنگامی که خود با طبعش تنهاست و بازدارنده‌ای وجود ندارد، فعل انجام می‌دهد. مبدأیت طبیعت (به مثابه مبدأی غیر معرفتی)، اینجا ظهور بیشتری یافته است.

۱. نزدیک به همین نظریه، پیش از این از، در قسمت مربوط به ملکات، از ملاصدرا بیان شد، نکته قابل ملاحظه در تفکیک بین مصادیق عادت و ملکات همان است که در بندهای پیشین (ذیل همین بخش عادت) تقریر گشت.

بیان ۳: حکیم سبزواری فاعل را بر «هشت» قسم می‌داند و فاعل بالطبع را فاعلی تعریف می‌نماید که فعل او ملائم با طبعش است و به فعل خود، علم ندارد؛ مانند آتش که به مقتضای طبیعتش می‌سوزاند، بی‌آنکه شعور و علم به فعل خود داشته باشد^۱ (حکیم سبزواری، ۱۳۶۹-۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۰۶-۴۰۷). علامه طباطبایی نیز چنین تعریفی را بیان می‌نماید (شیروانی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۱۶)؛ در این بیان نیز، به طبیعت، به‌عنوان مبدأی غیر معرفتی، تصریح شده است.^۲

نکته قابل ملاحظه در تعریف صدراییان متأخر، تدقیق در مؤلفه «علم» (شعور) است که آن را مضاف به فعل کرده‌اند؛ در تعریف ابتدایی ملاصدرا در بحث اقسام حرکت (بیان ۱)، مشاهده می‌گردد که ملاصدرا صرفاً فاعل‌های بدون شعور را فاعل طبیعی می‌داند؛ این تقریر ما را به این نظر سوق می‌دهد که از انسان، به‌عنوان موجودی ذی‌شعور، افعال طبیعی صادر نمی‌گردد (طبیعت هیچ مبدأیت و جایگاهی در صدور افعال انسانی ندارد).

در حالی که طبق تعریف نوصدراییان (فاعلی که به فعل خود، علم ندارد)، از انسان در عین حال که ذی‌شعور است، افعالی به‌صورت طبیعی صادر می‌گردد، مشروط بر آنکه، انسان به فعل خود علم نداشته باشد. با این تقریر، افعال بسیاری همچون تنفس، ضربان قلب و... که انسان غالباً به آن‌ها توجه و حتی شعور (به‌خصوص در دوران کودکی) ندارد،^۳ جزء افعال طبیعی انسان به‌شمار می‌آیند زیرا ناشی از طبیعت او هستند و طبیعت مبدأ آن‌هاست.

اما همچنان می‌توان در این تعریف تدقیق نمود. بدین طریق که مؤلفه «نداشتن علم به کار» اصلاح شود و به شکل «علم مؤثر در آن فعل نداشته باشد» متکامل گردد؛ بدین تقریر، تعریف فاعل طبیعی چنین خواهد بود: «فاعل طبیعی فاعلی است که به فعل خود، علم مؤثر در آن فعل نداشته باشد و فعل او ملائم با طبیعت او باشد».^۴

۱. تعاریفی که صدراییان متأخر در باب اقسام فاعل (که قائل به فاعل‌های ثمانیه شده‌اند)، برای فاعل بالطبع ذکر نموده‌اند، با توجه به لحاظ «علم» (شعور) به‌صورت جایگزین برای «اختیار» و سپس الحاق شرط ملائمت با طبع، با تعریف ملاصدرا در باب اقسام حرکت سازگارتر می‌نماید.

۲. البته این چنین تعریفی نوآوری صدراییان متأخر نیست بلکه ملاصدرا خود نیز در بعضی آثار، فاعل بالطبع را به‌صورت ضمنی، به همین شکل تعریف می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۷: ص ۵۷).

۳. ژان ژاک روسو، نماینده پیشاهنگ طبیعت‌گرایی در آموزش و پرورش، دوران کودکی را به‌عنوان «طبیعی‌ترین دوران رشد انسان» در نظر می‌گرفت (گوتک، ۱۳۸۸: ص ۹۸).

۴. این تعریف از فاعل طبیعی، مقتبس از شرح آقای شیروانی بر نه‌ایه الحکمه است (شیروانی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۱۶).

بر این اساس، افعالی همچون ضربان قلب و تنفس و...، چه نفس انسان به آن علم و توجه داشته باشد و چه نداشته باشد، در هر صورت، فعل طبیعی محسوب می‌شوند (طبیعت مبدأ آن است) زیرا به‌عنوان مثال نفس کشیدن در ما غالباً بدون هیچ‌گونه توجهی است، «گاهی» به آن توجه می‌نماییم و هرگونه بخواهیم و به‌صورت ارادی دم و بازدم را کوتاه و بلند می‌کنیم، اما اجازه می‌دهیم که بدن خود عمل تنفس را مدیریت نماید و ما در آهنگ تنفس دخل و تصرف نمی‌کنیم (صرفاً به آهنگ آن... توجه می‌کنیم بدون تأثیر در آن فعل)؛ این در حالی است که تعریف پیشین (بیان ۳؛ فاعل بالطبع فاعلی است که به فعل خود، علم ندارد) موهم این است که چنانچه، انسان در هنگام ضربان قلب، متوجه آن باشد، صرف این توجه موجب می‌گردد که آن فعل دیگر طبیعی نباشد و طبیعت جزء مبادی آن نباشد.

ابوالبرکات به این نکته به خوبی توجه داشته و آن را تفصیل داده است. افعال بسیاری از انسان سر می‌زند که انسان به آن‌ها علم دارد اما این علم سببی برای این افعال نیست؛ پس مبدأ صدور این افعال، علم نیست بلکه چیزی است که طبیعت انسان نامیده می‌شود؛ نتیجه آنکه رابطه افعال طبیعی با «علم داشتن به فعل» به نحو لابشرط است و در صدور آن‌ها صرف «علم داشتن» هیچ اهمیتی ندارد؛ بلکه در تشخیص آن «علم مؤثر در فعل» حائز اهمیت است (ابوالبرکات، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۱۰۳)؛ پس در نهایت، در گستره وجودی انسان، در تمام افعالی که ملائم با طبع او باشد و به فعل خود، علم مؤثر در آن فعل نداشته باشد، طبیعت نقش مبدأ را ایفا می‌نماید.

بر مبنای آنچه تشریح شد، در این پژوهش نفس نباتی با قوای آن (غذاییه، نامیه و مولده) یکی از مبادی غیر معرفتی افعال در انسان است که با توجه به سنخیت بین آن و افعال طبیعی (بر این وجه که بدون شعور و علم مؤثر در فعل انجام می‌پذیرند)، از مبادی طبیعی محسوب می‌گردد. بر همین نحو می‌توان مزاج را از دیگر مبادی غیر معرفتی فعل انسان محسوب نمود و آنچه منتسب به مزاج انسان می‌شود (افعال مزاجی) را هم‌سنخ با افعال طبیعی حساب کرد.

علاوه بر موارد هفت‌گانه بیان‌شده، مبادی غیر معرفتی دیگری را نیز می‌توان نام برد که زمینه‌ساز توسعه مطالب در این حوزه و پژوهش‌های آینده باشد؛ همچون: ایمان، فیض، تقوی، خوف و رجا، عقل‌گریزی، اجتماع، محیط زندگی، عرف، مشهورات و... .

نتیجه‌گیری

بر مبنای تحلیل آرای ملاصدرا، در این پژوهش، به تناسب حجم مقاله، هفت مورد از مبادی غیر معرفتی افعال انسان بررسی گردید که ذیل چند مورد از این‌ها، مدل مفهومی مربوطه ارائه شده است.

*** عشق:** تصور جمال، سبب عشق و عشق، سبب طلب و طلب، سبب فعل می‌گردد. در مدلی دیگر از منظر ملاصدرا، نتیجه عشق، اتحاد نفس عاشق (پس از تحول جوهری و سیوروت) با صورت معشوق است که نفس فرد عاشق در نتیجه فرآیند عشق ورزیدن «همچون روگرفت برابر اصل معشوق خود» می‌گردد؛ در نتیجه همان احوال و افعالی که در معشوق مشاهده می‌گردد، از عاشق نیز صادر می‌گردد (نفس عاشق روگرفت از نفس معشوق). در اسلوبی دیگر، عشق، سبب مطلوب دانستن تشبیه به معشوق است و نتیجه این «مطلوبیت تشبیه»، صدور افعالی همچون افعال معشوق خواهد بود (افعال عاشق روگرفت از افعال معشوق).

*** ملکات نفسانی:** بین افعال و ملکات رابطه‌ای دیالکتیک وجود دارد؛ با تحقق و تکرار «افعال مشترک در یک ویژگی واحد»، یک هیئت نفسانی شدت می‌یابد و به تدریج با استحکام آن، ملکه‌ای نفسانی متناسب با آن‌ها حاصل می‌گردد. در ادامه، همین ملکات، منشأ صدور افعال نوپدیدی از انسان می‌گردد و افعال نوپدید، سبب تشدید و تقویت ملکه پیشین و...؛ این رابطه دیالکتیک، فوق‌العاده اشتدادپذیر است. نکته دیگر اینکه بعد از تشکیل یک ملکه، افعال بدون فکر و اندیشه صادر می‌گردند.

*** خواطر:** صدرالمتألهین خواطر را جزء محرکات اراده و به تبع مقدمات افعال انسانی برمی‌شمارد؛ زیرا خواطر از سنخ دواعی هستند (الهام داعی انسان برای انجام افعال خیر، و وسواس داعی به سمت انجام افعال شر است). بین خواطر، ملکات و افعال، رابطه‌ای سه‌سویه جاری است. *** گناه:** تکرر و کثرت گناهان، سبب صدور با واسطه افعال مختلف می‌گردد، به دلیل: ۱. ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب؛ ۲. دریافت خواطر شیطانی؛ ۳. ایجاد مانع در ادراک درست و در نتیجه ایجاد نقص معرفتی و به‌خطافتادن انسان در صدور افعال درست.

*** تعصب:** تعصبات در انسان، عامل شکل‌گیری تصورات و تصدیقات مختلف (هم‌سنخ با آن تعصب) می‌شود؛ در این بین، برخی از این تصورات و تصدیقات، ایجاد شوق به انجام (یا ترک) فعل و در نهایت صدور یا عدم صدور آن را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، تعصب در افعال انسان، تأثیری از سنخ نقص معرفتی دارد.

*** عادت:** عادت با ضمیمه‌شدن به تخیل با ایجاد نوعی لذت خیالی، مبدأی بسیاری از افعال

انسان (بدون تفکر و تعقل) است. حضور عادت در افعال، در حوزه «تربیت» نمود بیشتری می‌یابد.
* طبیعت: ضمن بررسی تعاریف مختلف از فاعل و فعل طبیعی، در نهایت، فاعل طبیعی
فاعلی است که به فعل خود، علم مؤثر در آن فعل نداشته باشد و فعل او ملائم با طبیعت او باشد؛
بر این اساس، افعالی همچون ضربان قلب و تنفس چه انسان به آن علم و توجه داشته باشد و چه
نداشته باشد، فعل طبیعی محسوب می‌شوند؛ هم‌چنین است تأثیر فعال نفس نباتی و مزاج در افعال
انسان.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابوالبرکات. ۱۳۷۳. **المعتبر فی الحکمة**. اصفهان. دانشگاه اصفهان. چاپ دوم.
۲. اکبری، رضا؛ رضاییان، سید هادی. ۱۳۹۰. «خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا». **مطالعات اسلامی - فلسفه و کلام**. سال چهل و سوم. شماره پیاپی ۸۶/۲ (بهار و تابستان). ص ۶۴-۴۷.
۳. ایمانی، محسن؛ بابایی، محمد اسماعیل. ۱۳۸۷. «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی (با تأکید بر اهداف، اصول و روش‌ها)». **مجله تربیت اسلامی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)**. شماره ۷ (پاییز و زمستان). ص ۱۰۴-۸۱.
۴. برک، لورا ای. ۱۳۸۳. **روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)**. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. تهران. نشر ارسباران. چاپ سوم.
۵. بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۷۵. «بررسی نظریات دانشمندان مختلف در مورد عادت به‌عنوان یک شیوه تربیتی». **مجله تربیت**. شماره ۱۰۷ (فروردین). ص ۱۱-۶.
۶. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. **نهج الفصاحه**. تهران. دنیای دانش. چاپ چهارم.
۷. الجرجانی، علی‌بن‌محمد. ۱۳۷۰. **کتاب التعریفات**. تهران. ناصر خسرو. چاپ چهارم.
۸. حکیم سبزواری. ۱۳۷۹-۱۳۶۹. **شرح المنظومة**. تهران. نشر ناب.
۹. الرازی، فخرالدین. ۱۴۱۱ هـ. ق. **المباحث المشرقية فی علم الالهيات و الطبيعيات**. قم. انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. ۱۴۱۲ هـ. ق. **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق بیروت. دارالعلم الدارالشامیة.
۱۱. رضایی، مه‌رسان؛ بیدهندی، محمد. ۱۳۹۱. «فلسفه فعل انسان از منظر ملاصدرا بر مبنای رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی». **مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی**. مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی. (در دست چاپ).
۱۲. سجادی، سیدجعفر. ۱۳۷۳. **فرهنگ معارف اسلامی**. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.
۱۳. _____ . ۱۳۷۹. **فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا**. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. سیف، علی‌اکبر. ۱۳۹۴. **روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)**. تهران. نشر دوران. ویرایش هفتم.
۱۵. شیروانی، علی. ۱۳۸۸. **ترجمه و شرح نهایی الحکمه**. قم. بوستان کتاب قم. چاپ نهم.
۱۶. ملاصدرا، محمدابراهیم. ۱۳۵۴. **المبدأ و المعاد**. تصحیح: سیدجلال‌الدین آشتیانی. تهران. انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۷. _____ . ۱۳۶۰/الف. **اسرار الآیات**. مقدمه و تصحیح: محمد خواجه‌جوی. تهران. انجمن حکمت و فلسفه.
۱۸. _____ . ۱۳۶۰/ب. **الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية**. تصحیح و تعلیق: سیدجلال‌الدین آشتیانی. مشهد. مرکز الجامعی للنشر. چاپ دوم.
۱۹. _____ . ۱۳۶۱. **العشرية**. تصحیح غلامحسین آهنی. تهران. انتشارات مولی.
۲۰. _____ . ۱۳۶۳. **مفاتیح الغیب**. مقدمه و تصحیح: محمد خواجه‌جوی. تهران. مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۲۱. _____ . ۱۳۶۶/الف. **تفسیر القرآن الکریم (صدرا)**. تحقیق: محمد خواجه‌جوی. قم. انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۲۲. _____ . ۱۳۶۶/ب. **شرح اصول الکافی لصدور المتألهین**. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. _____ . ۱۳۷۵. **مجموعه رسائل فلسفی صدور المتألهین**، تهران. انتشارات حکمت.
۲۴. _____ . ۱۳۸۱. **کسر الاصنام الجاهلیة**. مقدمه، تصحیح و تعلیق: دکتر جهانگیری. تهران. بنیاد حکمت صدرا.
۲۵. _____ . ۱۳۸۷. **المظاهر الالهية فی اسرار العلوم الکمالية**. مقدمه، تصحیح و تعلیق: سیدمحمد

خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۶. _____ . ۱۹۸۱م. *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. بیروت. دار احیاء التراث. چاپ

سوم.

۲۷. _____ . بی‌تا. *الحاشیه علی الهیات الشفاء*. قم. انتشارات بیدار.

۲۸. طریحی، فخرالدین. ۱۴۱۶ه.ق. *مجمع البحرین*. تهران. مرتضوی. چاپ سوم.

۲۹. گوئک، جرالدال، ۱۳۸۸. *مکاتب فلسفی و آرا تربیتی*. ترجمه: محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران. انتشارات سمت، چاپ نهم.

۳۰. مصلح، جواد. ۱۳۸۹. *ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیة*. تهران. انتشارات سروش. چاپ پنجم.

31. Butler, Gillian & Hope, Tony (2007), *Managing your mind: The mental fitness guide*, Oxford University Press, second edition.
32. Colas, Dominique (1997), *Civil Society and Fanaticism: Conjoined Histories*, Stanford University Press.
33. Connor, Timothy & Sandis, Constantine (2011), *A Companion to the Philosophy of Action - Blackwell Companions to Philosophy*, a John & Sons Ltd Publication.
34. Duhigg, Charles (2012), *The Power of Habit: Why We Do What We Do in Life and Business*, Random House Publishing Group.

ساختار شخصیت بر اساس منابع اسلامی در چارچوب رویکرد صفات (گزارش مطالعه کیفی)

محمدصادق شجاعی

استادیار جامعه المصطفی العالمیه و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

s_shojaei@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف گردآوری صفات و کشف ساختار شخصیت از منابع اسلامی، انجام شده است. برای تحقق این هدف، از بررسی منابع اسلامی (قرآن کریم، روایات و کتاب‌های اخلاق اسلامی) حدود ۲۵۰۰۰ واژه گردآوری و پس از حذف موارد تکراری، مبهم و ناظر به جنبه‌های زیستی، تکالیف عبادی و حالت‌های زودگذر یک فهرست ۱۰۳ واژه‌ای از صفات، بر پایه نظر متخصصان در منابع اسلامی تهیه شد. در مرحله بعد، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی، هم‌معنایی و تقابل معنایی با استفاده از دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا بررسی شد و در نتیجه واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی، همگرا و واگرا و تک‌کانونی و چندکانونی از هم متمایز شد. نتایج این مرحله از بررسی نشان داد برخی صفات هم‌معنی و برخی تقابل معنایی دارند؛ هم‌چنین، دو صفت متقابل به لحاظ اینکه روی یک پیوستار قرار می‌گیرند، مربوط به یک حوزه معنایی هستند. سرانجام با قراردادن واژه‌های هم‌حوزه همه ۱۰۳ واژه گردآوری شده در مرحله قبل در ۱۵ حوزه واژگانی طبقه‌بندی شد. هم‌چنین،

سعی شد خصیصه‌های کانونی و پایه، از خصیصه‌های پیرامونی و روساختی در هر حوزه متمایز شود. سرانجام نتایج حاصل از مطالعه کیفی با استفاده از روش معناشناسی زبانی و همبستگی مفهومی واژه‌ها منجر به تعیین ۱۵ خصیصه یا صفت بزرگ به‌عنوان عامل‌های اصلی شخصیت در بخش مطالعه کیفی شد: طمأنینه، اعتدال، بزرگی نفس، خوش‌خُلقی، مناعت طبع، انعطاف‌پذیری، تعهد، شادکامی، فعال‌بودن، عفت، ثبات، زیرکی، فروتنی، پیوندجویی و تکلیف‌پذیری. **کلیدواژه‌ها:** شخصیت، ساختار شخصیت، صفت، رویکرد صفات، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

بررسی ساختار شخصیت یکی از حوزه‌های مهم و مورد علاقه روان‌شناسان است. ساختار شخصیت به واحدهای بنیادی یا اجزای تشکیل‌دهنده شخصیت اشاره دارد (میرویلده^۱ و همکاران، ۲۰۰۸؛ میرویلده و دی فرویت، ۲۰۰۲). از نظر فروید^۲ این واحدهای بنیادی، بُن، من و فرامن، از نظر موری^۳ نیازها، از نظر راجرز^۴ خود و خودپنداره و از نظر آلپورت،^۵ کتل^۶ و آیزنک^۷ صفات هستند (متیوز^۸ و همکاران، ۲۰۰۹).

با وجود رویکردهای متفاوت، نظریه صفات یکی از عمده‌ترین موضع‌گیری‌های پژوهشی در

1. Mervielde.
2. De Fruyt.
3. Freud.
4. Murray.
5. Rogers.
6. Allport.
7. Cattell.
8. Eysenck.
9. Matthews.

زمینه ساختار شخصیت محسوب می‌شود (متیوز و همکاران، ۲۰۰۹؛ فریدمن^۱ و اسکوستاک^۲، ۲۰۰۹). در رویکرد صفات، فرض بر این است که صفات شخصیت به بهترین وجه در زبان طبیعی منعکس شده است و با تحلیل و بررسی این صفات می‌توان به ساختار شخصیت پی برد (گلدبرگ^۳، ۱۹۹۲؛ جان، ۱۹۹۰؛ پی بادی^۴ و دی راد، ۲۰۰۲). علاقه و تمایل به بررسی شخصیت از طریق صفات به دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ برمی‌گردد. نقطه شروع برای گردآوری صفات، کلمات زبان معمولی در توصیف شخصیت بود. آلپورت و اودبرت (۱۹۳۶) تقریباً ۱۸۰۰۰ (دقیقاً ۱۷۹۵۳) کلمه توصیفی را از «فرهنگ بین‌المللی وبستر» استخراج کردند و با کنار گذاشتن واژه‌هایی که کمتر با شخصیت ارتباط داشتند، این فهرست را به ۴۵۰۰ صفت کاهش دادند (فیست^۵ و فیست، ۱۳۸۶). بعدها کتل (۱۹۹۳) با اجرای چند تحلیل عاملی روی این صفات، ۱۲ عامل شخصیتی را به دست آورد که در نهایت، بخشی از «پرسش‌نامه ۱۶ عاملی کتل» را تشکیل دادند. به اعتقاد آیزنک (۱۹۹۱) و ۱۹۸۶؛ نقل از کارور^۶ و شی‌یر، ۱۳۷۵) تنها ۳ عامل برون‌گرایی (E)، روان‌آزرده‌خویی (N) و روان‌گسستگی (P) را می‌توان عوامل اصلی شخصیت در نظر گرفت.

تحقیقات بعدی (مک‌کری^۷ و کاستا^۸، ۱۹۸۵ c، ۱۹۸۵ b، ۱۹۸۵؛ کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۹؛ گلدبرگ، ۱۹۸۱) نشان داد که شخصیت از ۵ عامل اصلی روان‌آزرده‌خویی (N)، برون‌گرایی (E)، پذیرا بودن (O)، مقبولیت (A) و باوجدان‌بودن (C) تشکیل شده است؛ در حالی که تیلیجن^۹ و والر^{۱۰} (۱۹۸۷)،

1. Friedman.
2. Schustack.
3. Goldberg.
4. Peabody.
5. De Raad.
6. Feist.
7. Carver.
8. McCurry.
9. Costa.
10. Tellegen.
11. Waller.

نقل از سیمس^۱، (۲۰۰۷) با افزودن دو عامل ظرفیت مثبت (PV) و ظرفیت منفی (NV) آن‌ها را به ۷ عامل افزایش دادند. اشتون^۲ و لی^۳ (۲۰۰۲) با اضافه کردن بُعد صداقت-فروتنی و هوگان^۴ (۱۹۸۶) با تقسیم بُعد درون‌گرایی به جاه‌طلبی و مردم‌آمیزی، مدل ۶ عاملی را پیشنهاد کرده‌اند. افزون بر این، برخی دیگر از محققان (ایلیوت^۵ و تراش^۶، ۲۰۰۲؛ کارور و همکاران، ۲۰۰۰؛ بیکر^۷، ۱۹۹۹؛ دیگمن^۸، ۱۹۹۷؛ بلاک برن و همکاران، ۲۰۰۴؛ دی یونگ^۹ و همکاران، ۲۰۰۱؛ امیگو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۰) صفات شخصیتی را به دو عامل و اخیراً به یک عامل کلی شخصیت (امیگو و همکاران، ۲۰۱۰؛ روشتون^{۱۱} و ایروینگ^{۱۲}، ۲۰۰۸) کاهش داده‌اند.

تلاش‌هایی که به منظور تعیین ساختار عاملی صفات انجام‌شده نیز بیانگر تنوع و اختلاف نظر پژوهشگران در این زمینه است. برای نمونه، فیسکه^{۱۳} (۱۹۴۹) ساختار شخصیت را با خودبیانگری مطمئن، کنترل هیجانی، هم‌نوایی، سازگاری اجتماعی و کنج‌کاوای عقلانی، بورگاتا (۱۹۴۶) با جرئت‌ورزی، هیجان‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، دلپذیر بودن و هوش، نورمن^{۱۴} (۱۹۶۹) با برون‌گرایی، پایداری هیجانی، باوجدان بودن، مقبولیت و فرهنگ و سمیس (۱۹۶۷) با برون‌گرایی،

1. Simms.
2. Ashton.
3. Lee.
4. Hogan.
5. Eliot.
6. Thrash.
7. Baker.
8. Digman.
9. Jung.
10. Amigo.
11. Rushton.
12. Irving.
13. Fiske.
14. Norman.

هیجان‌پذیری، پایداری منش، مقبولیت و فرهیختگی مشخص کرده‌اند. دیگمن و همکاران (۱۹۸۱) بر پایه یافته‌های خود از برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، نیروی خود در برابر بی‌نظمی هیجانی، تمایل به پیشرفت، همراهی دوستانه در برابر همراهی خصمانه و عقل در ساختار عاملی صفات شخصیت نام برده‌اند. گلدبرگ (۱۹۹۰) پنج بُعد شادخویی، پایداری هیجانی، باوجدان بودن، مقبولیت و عقل را برجسته ساخته است. ساسیر^۱ و استندورف^۲ (۱۹۹۹) برون‌گرایی، مقبولیت، باوجدان بودن، پایداری هیجانی، عقل-قدرت تخیل و مک‌کری و کاستا (۱۹۸۵) برون‌گرایی، مقبولیت، باوجدان بودن، روان‌آزوده‌خویی و پذیرا بودن را در تعیین ساختار عاملی شخصیت گفته‌اند.

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که از نظر محتوای عامل‌ها نیز اختلاف نظر قابل ملاحظه‌ای بین پژوهشگران وجود دارد. برای نمونه، در مدل کاستا و مک‌کری (b ۱۹۹۲) گرمی، صفتی از برون‌گرایی و در مدل نورمن (۱۹۶۳) صفتی از مقبولیت است. افزون بر این، بنا بر نظر مک‌کری و کاستا (۱۹۹۲) صمیمیت در عامل برون‌گرایی جای دارد. در حالی که گلدبرگ (۱۹۹۲) و جان (۱۹۹۰) آن را با عامل شادخویی همبسته می‌دانند. علاوه بر این، تعداد صفات و ویژگی‌هایی که برای هر یک از عامل‌های اصلی شخصیت تعیین شده، یکی دیگر از دلایل ناهم‌خوانی در محتوای عامل‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران است. برای نمونه، در مدل مک‌کری و کاستا (۱۹۹۲) برای هر یک از عامل‌ها ۶ ویژگی، در مدل گلدبرگ (۱۹۹۰) برای سه عامل شادخویی، مقبولیت و باوجدان بودن ۵ ویژگی در دو قطب مثبت و منفی و برای عامل‌های پایداری هیجانی و عقل به ترتیب ۷ و ۹ ویژگی، و در مدل ساسیر و استندورف (۱۹۹۹) برای هر یک از سه عامل برون‌گرایی، مقبولیت و باوجدان بودن چهار ویژگی و برای عامل‌های پایداری هیجانی و عقل نیز سه ویژگی در نظر گرفته شده است.

مشکل عمده دیگر در نظریه‌های صفتی شخصیت، مربوط به همبستگی و ارتباط درونی این عامل‌هاست. برای نمونه، به‌رغم تفاوت در تعداد عامل‌های شخصیتی، دو عامل برون‌گرایی و نوروزگرایی (یا پایداری هیجانی، در صورت نمره‌گذاری معکوس) تقریباً در همه مدل‌ها به‌عنوان عوامل اصلی شناسایی شده است. اما روابط درونی آن‌ها در مدل‌های مختلف بر پایه نظریه‌های شخصیتی گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد. به اعتقاد آیزنگ عامل‌های برون‌گرایی و نوروزگرایی باید

1. Saucier.
2. Ostendorf.

مستقل از یکدیگر یا دارای همبستگی بسیار ضعیفی باشد. اما در پژوهش‌هایی که بر اساس مدل ۵ عامل بزرگ انجام شده بین این دو عامل همبستگی‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آمده است (عسگری و ازخوش، ۱۳۹۰).

بدون تردید، ناهماهنگی و اختلاف در محتوا، ساختار عاملی، همبستگی درونی بین عامل‌ها و تعداد صفات شخصیتی تا حدود زیادی ناشی از این است که تعیین عامل‌ها بر اساس فهرست جامعی از صفات تهیه نشده‌اند؛ برای نمونه، گلدبرگ (۱۹۹۰) (نقل از: جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹) تأیید می‌کند با اینکه فهرست وی نسبت به سایر فهرست‌های قبلی جامع‌تر است ولی کامل نیست. یافته‌های پانونن و جکسون^۲ (۲۰۰۰) (نقل از: بویلی^۳، ۲۰۰۸) در مورد تحلیل صفات در زبان انگلیسی نشان می‌دهد علاوه بر ۵ عاملی که ساسیر و گلدبرگ (۱۹۹۸) به دست آوردند، ده عامل دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد که شامل دین‌داری، فریب‌کاری، صداقت، تمایل جنسی، قناعت، سنتی بودن، مردانگی/ زنانگی، خودپسندی، شوخ‌طبعی و خطرکردن است.

به‌رغم اختلاف نظرهایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد به نظر می‌رسد عمده‌ترین مشکل در تعیین، تعریف و شناسایی صفات، ناشی از نادیده‌گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و نیز مبنا قرار ندادن منابعی است که بر اساس آن‌ها بتوان ساختار جامع‌تر و کلی‌تری از صفات‌های شخصیتی ارائه داد. برخی از صاحب‌نظران (جان، گلدبرگ و انجلیتتر، ۱۹۸۴؛ کوپر^۴ و دینر^۵، ۱۹۹۸) سعی کرده‌اند فرضیه جهانی بودن پنج عامل بزرگ شخصیت و صفات مربوط به آن‌ها را از طریق مطالعات بین‌فرهنگی اثبات کنند ولی شواهد رضایت‌بخشی به دست نیامده است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در این زمینه، مربوط به ترجمه صفات است. در اکثر زبان‌ها، ترجمه کلمه به کلمه امکان‌پذیر نیست و حتی لغات هم‌ریشه نیز ضرورتاً به یک معنا به کار نمی‌رود (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹). از این‌رو، در یکی - دو دهه اخیر تردیدهای زیادی در مورد جهانی بودن و عمومیت داشتن نظریه‌های شخصیتی در بین نظریه‌پردازان به وجود آمده و در عین حال توجه بیشتری

1. Srivastava.
2. Jackson.
3. Boyle.
4. Cooper.
5. Denner.

به بررسی نقش فرهنگ در شکل‌گیری و تحول شخصیت شده است (پدرسن،^۱ ۱۹۹۰؛ رابرتس^۲ و هیلسون،^۳ ۱۹۹۷؛ دویری،^۴ ۲۰۰۶؛ مارکوس^۵ و کیتایاما،^۶ ۱۹۹۸؛ ویشی،^۷ ۲۰۰۴؛ تریاندیس^۸ و سوه،^۹ ۲۰۰۲). در واقع، آنچه تحقیقات جدید شخصیت را به‌عنوان یک رویکرد متمایز برجسته می‌کند، فرایند تبدیل الگوهای فرافرهنگی به الگوی بررسی شخصیت در چارچوب فرهنگی است. به دلیل رشد فزاینده پژوهش‌ها در چارچوب فرهنگی و اثبات ناکارآمدی نظریه‌های عام و جهانی در شخصیت (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۸؛ چیونگ و همکاران، ۲۰۱۱) می‌توان یکی از علل جاذبه‌ای را که روان‌شناسی اسلامی به‌طور کلی و نظریه شخصیت در فرهنگ اسلامی برای جمع‌گیری از روان‌شناسان مسلمان دارد، حدس زد. برای مثال، مشاهده می‌شود که هنگام مطالعه و داوری درباره نظریه‌های شخصیت، به‌ویژه برای کسانی که بر اساس دیدگاه اسلامی به مباحث روان‌شناسی می‌پردازند، همواره این سؤال‌ها مطرح است که آیا می‌توان با استفاده از مفاهیم و سازه‌های دینی به مطالعه شخصیت پرداخت؟ آیا این مفاهیم و سازه‌ها به‌گونه تجربی و با معیارهای پذیرفته‌شده علمی قابل اندازه‌گیری هستند؟ و آیا چارچوبی برای سامان‌دهی اطلاعات موجود در منابع دینی (مفاهیم، واژه‌ها و کلمات ناظر به ویژگی‌های انسان) به منظور تعیین ساختار شخصیت و یافتن وجوه اشتراک و افتراق آن با نظریه‌های روان‌شناختی وجود دارد؟

این مطالعه بخشی از پژوهش اصلی درباره توسعه یک آزمون شخصیتی بر پایه منابع اسلامی بوده است و با هدف دستیابی به الگوی مفهومی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی انجام شده است.

1. Pedersen.
2. Roberts.
3. Hilson.
4. Dwairy.
5. Marcus.
6. Kitayama.
7. Oishi.
8. Triandis.
9. Suh.

روش پژوهش

گردآوری توصیف‌گرها؛ برای دستیابی به یک فهرست جامع از صفات شخصیت، واژه‌ها و مفاهیم توصیف‌کننده انسان از متون و منابع اسلامی گردآوری شد که عبارت‌اند از: ۱. قرآن کریم؛ ۲. کتاب‌های معتبر روایی شیعه از جمله اصول کافی (کلینی، ۱۳۸۵)، بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق)، مستدرک الوسائل (طبرسی، ۱۳۶۳)، تحف العقول (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق)، میزان‌الحکمه (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹)؛ ۳. مهم‌ترین کتاب‌های روایی اهل سنت شامل صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۱ ق)، مسند ابن حنبل (ابن حنبل، ۱۴۱۲ ق)؛ ۴. کتاب‌های اخلاقی شامل جامع السعادات (نراقی، ۱۳۸۳)، معراج السعاده (نراقی، ۱۳۸۱)، اخلاق ناصری (طوسی، ۱۳۶۹)، احیاء علوم‌الدین (غزالی، ۱۴۱۴ ق)، الحقائق فی محاسن الاخلاق (فیض کاشانی، ۱۳۸۳).

گردآوری با استفاده از روش‌های زیر صورت گرفت:

۱. بررسی ساختار صفتی کلمات؛ یکی از روش‌های اصلی استفاده‌شده، توجه به ساختار صفتی کلمات بود. در زبان عربی (مظفر، ۱۴۲۸ ق) ساختار اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّه، افعال تفضیل و صیغه مبالغه تا حدود زیادی ویژگی‌های ناظر به صفات شخصیتی را نشان می‌دهد؛ برای مثال، صابر، قنوع، کذاب و بخیل ساختارهایی هستند که صفت صبر، قناعت، بُخل و کذب از آن‌ها استنباط می‌شود. بخش عمده صفات از همین طریق به دست آمد. اما برای حصول اطمینان بیشتر درباره جامعیت مفاهیم گردآوری‌شده از روش‌های دیگری نیز استفاده شد.

۲. بررسی حوزه معنایی کلمات؛ گاهی در خود متن (آیه، روایت، متن) هیچ واژه‌ای با ساختار صفتی وجود ندارد ولی با توجه به حوزه معنایی کلمات، صفات شخصیتی از آن‌ها فهمیده می‌شود. برای مثال، در عبارت «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»؛ به یقین انسان طغیان می‌کند» (علق: ۶). هیچ واژه‌ای با ساختار صفتی وجود ندارد ولی کلمه «لیربیه» این قابلیت را دارد که صفت طغیانگری از آن استنباط شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۵۰؛ نجفی، ۱۳۹۸ ق: ج ۷، ص ۹۴).

۳. در نظر گرفتن بافت و پیوستگی جملات؛ بافت و پیوستگی جملات یک سازوکار زبانی است که به واسطه آن اجزای یک ساختار نحوی یا یک متن مفروض می‌تواند به یکدیگر متصل شده و روی هم‌رفته یک صفت از آن فهمیده شود (ایزوتسو،^۱ ۱۳۷۸). برای مثال، علی^(ع) (نقل از: ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ص ۱۶۰) در توصیف متّقین این تعابیر را به کار برده است: «غَضُوا ابصارهم

1. Izutsu.

عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ از آنچه خداوند حرام کرده، چشم پوشیدند»؛ «عظم الخالق فی انفسهم فصغر ما دونه فی اعینهم؛ خداوند در نظر آن‌ها بزرگ گردیده و غیر او در نظر آنان کوچک آمده است»؛ «قلوبهم محزونه و شرورهم مأمونه؛ دل‌هایشان اندوهگین و مردم از دست آن‌ها ایمن هستند». هر یک از این جملات به ترتیب می‌تواند ناظر به صفت‌های خویشتن‌داری، خدامحوری، آزارنرساندن به دیگران باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸). علی^(ع) (نقل از: فاضلی، ۱۳۸۶) در خطبه متقین به ۱۱۰ صفت شخصیتی اشاره کرده که بیشتر با همین ساختار بیان شده است.

۴. توجه به مضمون و محتوای عبارت‌ها؛ گاهی حتی بدون آنکه ریشه کلمه‌ای در خود عبارت به کار رفته باشد، از مضمون و محتوای یک یا چند آیه و روایت می‌توان به یک صفت دست یافت. مانند این آیه: «وَلَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»؛ (اسراء: ۳۷) که اشاره به صفت غرور و تکبر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ص ۵۴). البته استنباط صفات برحسب مضمون و محتوای عبارت‌ها، در عین حالی که می‌تواند مفید باشد، تا اندازه‌ای پیچیده و وابسته به فهم شخصی پژوهشگر است.

حذف موارد تکراری و نامربوط؛ در این مرحله به منظور خالص و یکپارچه‌سازی و طبقه‌بندی داده‌های گردآوری‌شده، ابتدا واژه‌ها و توصیف‌گرهایی که عیناً تکرار شده بود یا کمتر با جنبه‌های شخصیتی ارتباط داشت از فهرست حذف گردید؛ مانند: واژه‌های ناظر به ویژگی‌های زیستی - فیزیکی (صحیح، سقیم، قوی، ضعیف، طویل، قصیر)، حالت‌ها و ویژگی‌های زودگذر (وحشت، سهو، ضحک، عطش)، اعمال و تکالیف عبادی (صائم، مفطر، مصلی)، رفتارهای عینی و مشاهده‌پذیر (اکل، شرب، جلوس، قیام، قعود، تکلم، بیع، اشتراء). ملاک حذف و گزینش واژه‌ها تعریف نظری از صفت با توجه به سه ویژگی «دوام و پایداری نسبی»، «ایفای نقش علی برای رفتار» و «خصوصیت درون‌فردی» بود.

بررسی روایی محتوایی؛ به منظور بررسی روایی محتوا، واژه‌های گردآوری‌شده در اختیار سه متخصص حوزوی آشنا با علم روان‌شناسی قرار گرفت تا «میزان معرف‌بودن» و «توصیف‌کنندگی» اصطلاحات و واژه‌های گردآوری‌شده برای شخصیت را داوری کنند. انتخاب واژه‌ها بر اساس توافق نظر داوران (سه نفر) و تأیید اینکه بیشترین ارتباط را با صفات شخصیتی دارند، صورت گرفته است. تعریف کاربردی مفاهیم؛ در این مرحله، نخست برای هرکدام از واژه‌های عربی گردآوری‌شده، معادل‌های فارسی از فرهنگ‌های لغت استخراج و در قالب یک کلمه توصیفی در کنار آن‌ها نوشته شد. سپس شرح کوتاهی به‌عنوان تعریف کاربردی برای هر واژه ارائه شد و در اختیار سه متخصص حوزوی قرار گرفت تا درباره مطابقت برابرنهادهای فارسی و تعریف واژه‌ها

داوری کنند. در ضمن، از آن‌ها خواسته شد در مورد واژه‌هایی که معانی مختلف و کاربردهای متفاوت دارند، معنایی را ملاک قرار دهند که بیشتر با جنبه‌های شخصیت مرتبط هستند. پس از اعمال نظر داوران، واژه‌های گردآوری و تعریف شده مجدداً در اختیار هفت نفر از کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا در مورد میزان ارتباط هر واژه با صفات شخصیتی در یک مقیاس مرتب‌شده از صفر تا پنج دوری کنند. پس از گردآوری و تحلیل نظر داوران، صفت‌هایی که میانه آن‌ها پنج بود، به‌عنوان صفات شخصیتی انتخاب شدند.

تحلیل کیفی واژه‌ها؛ در این مرحله، فهرست به‌دست‌آمده از مرحله قبل با استفاده از روش معناشناسی زبانی و در چارچوب آموزه‌ها و متون دینی تحلیل و بررسی شد. دورا هر برد اصلی در این مرحله استفاده از «تحلیل مؤلفه‌ای» و «معنی‌شناسی ساخت‌گرا» بود. در تحلیل مؤلفه‌ای، واژه‌ها برحسب مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها بررسی شدند. سپس با استفاده از معنی‌شناسی ساخت‌گرا، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی،^۱ هم‌معنایی،^۲ و تقابلی معنایی^۳ بررسی شد. به کمک این سه راهبرد، واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی و همگرا و واگرا از هم متمایز شدند.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش دستیابی به یک فهرست جامع از صفات شخصیت و تعیین ساختار نظری آن‌ها بود، ابتدا واژه‌ها و مفاهیم توصیف‌کننده انسان از منابع معتبر اسلامی (قرآن، روایات و اخلاق اسلامی) گردآوری شد که نتیجه آن بالغ بر حدود ۲۵۰۰۰ واژه بود. سپس به منظور یکپارچه‌سازی و طبقه‌بندی داده‌های گردآوری شده واژه‌هایی که تکراری و با جنبه‌های شخصیت ارتباط کمتری داشتند از مجموعه کنار گذاشته شد و در نتیجه، حدود ۸۰۰۰ واژه توصیفی باقی ماند. در واریسی‌های بعدی صفات و واژه‌هایی که از نظر محتوایی تکراری بودند نیز کنار گذاشته شد. زیرا هنگام استخراج صفات علاوه بر بررسی ساختار صفتی کلمات، از سه روش دیگر (بررسی حوزه معنایی کلمات، در نظر گرفتن بافت و پیوستگی جملات و توجه به مضمون و محتوای عبارات) نیز برای گردآوری صفات استفاده شده بود تا اطمینان بیشتری برای گردآوری حاصل شود. برای مثال، عبارت‌های «غَضُّوا ابصارهم عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» و «انَّ الْإِنْسَانَ لِرِيطْعَى»

1. Hyponymy.
2. synonymy.
3. semantic opposition.

به ترتیب برای استخراج صفت‌های خویشتن‌داری و طغیانگری در نظر گرفته شده بود، ولی با وجود کلمه تقوا و طغی در فهرست، دیگر نیازی به آن‌ها نبود.

در مرحله بعد، موارد تکراریِ واژه‌هایی که از نظر ریشه واژگانی یکی بودند مانند کبر، استکبار، مستکبر، تقوا و متقی، کنار گذاشته شد. با حذف این موارد و واری‌های بیشتر در محورهای قبلی، حدود ۸۷۹ واژه به‌عنوان توصیف‌کننده‌های شخصیت باقی ماند. پس از آن واژه‌های گردآوری شده در اختیار سه نفر از متخصصان حوزوی آگاه در زمینه روان‌شناسی قرار گرفت تا درباره میزان معرف‌بودن و توصیف‌کنندگی واژه‌ها برای شخصیت‌دوری کنند. نتایج نشان داد که ۳۸۰ واژه به‌عنوان توصیف‌کننده (صفت شخصیتی) قابل بررسی است.

سپس معادل فارسی واژه‌های تأییدشده در مرحله قبل، از فرهنگ‌های لغت استخراج شد و با شرح کوتاهی به‌عنوان تعریف کاربردی هر واژه در اختیار سه متخصص حوزوی قرار گرفت تا درباره مطابقت برابر نهاده‌های فارسی و تعریف واژه‌ها اظهار نظر کنند. پس از اِعمال نظر داوران، واژه‌های گردآوری شده در اختیار سه متخصص علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت تا میزان معرف‌بودن هر واژه را به‌عنوان صفت در یک مقیاس شش درجه‌ای از صفر تا پنج، درجه‌بندی کنند. نتایج حاصل از درجه‌بندی داوران در این مرحله، ۱۰۳ واژه توصیفی را به دست داد.

در مرحله بعد، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی، هم‌معنایی و تقابلی معنایی با استفاده از دوشیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا بررسی شد و در نتیجه واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی، هم‌گرا و واگرا و تک‌کانونی و چندکانونی از هم متمایز شد. پس از مشخص شدن حوزه‌های واژگانی و قلمروی کارکرد صفات، سعی شد تا خصیصه‌های کانونی و پایه از خصیصه‌های پیرامونی و روساختی در هر حوزه متمایز شود. خصیصه کانونی به صفتی گفته می‌شود که تحمّل بار معنایی دیگر واژه‌های مربوط به آن حوزه را داشته باشد؛ برای مثال، از بین واژه‌های متهوّر، ذکی، ظریف، عاقل، فطن، فهیم، کیس، متعمّق، معتوّر و ورع که در یک حوزه واژگانی قرار می‌گیرند، عاقل و ریشه آن عقل، جامعیت و محوریت خاصی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰).

برای دستیابی به ساختار معنایی و عاملی صفت‌ها و نیز تعیین الگوی نظری برای آن‌ها از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این مرحله و بر پایه روش‌های به‌کاررفته در مطالعه کیفی، ساختار مفهومی صفت‌های گردآوری شده بررسی شد و در نتیجه ۱۵ حوزه معنایی از هم متمایز شد. شایان ذکر است که هر حوزه معنایی با دو قطب مثبت و منفی در نظر گرفته شده است و هر کدام از قطب‌ها چهار جنبه یا رویه دارد. هم‌چنین، با در نظر گرفتن

صفت‌های کانونی در هر حوزه معنایی، سرانجام ۱۵ خصیصه یا صفت بزرگ (عامل شخصیتی) که به نظر می‌رسد ساختار شخصیت را تشکیل می‌دهد، در این پژوهش به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکردهای روان‌تحلیلگری، رفتارگرایی، انسان‌گرایی و صفات، الگوهای نظری متفاوتی درباره ساختار شخصیت ارائه کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، توجه زیادی به رویکرد صفات به‌عنوان یک حوزه مهم در مطالعه شخصیت معطوف شده است (متیوز و همکاران، ۲۰۰۹؛ مک کری و کاستا، ۲۰۰۳). با وجود این، به دلیل مشکلات ناشی از جامعیت و جهان‌شمولی عامل‌های شخصیت در رویکرد صفات، برخی پژوهشگران (بویلی، ۲۰۰۸؛ تریان‌دیس و سوه، ۲۰۰۲) به ضرورت اصلاح و بازنگری رویکرد صفت و استفاده از منابع دینی (عبدالعال، ۲۰۰۷؛ بستانی، ۱۹۹۸؛ عمار، ۲۰۰۹؛ ع شماوی، ۲۰۰۴) در این زمینه تأکید کرده‌اند. این پژوهش در چارچوب رویکرد صفات و با هدف بررسی ساختار شخصیت در منابع اسلامی انجام شده است. نام‌گذاری عامل‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش و صفات مربوطه به حوزه‌های معنایی عامل‌ها بسیار مهم است. از این‌رو، در ادامه به بحث درباره عامل‌های به‌دست‌آمده و صفات مربوطه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

عامل اول: طمأنینه

حوزه معنایی اول به «آرامش روانی» مربوط می‌شود که در آیات و روایات با واژه «طمأنینه» بیان شده است. طمأنینه در قرآن (یوسف: ۱۱؛ فجر: ۸؛ رعد: ۲۸) و روایات (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲۴، ص ۲۸۶؛ ج ۵۲، ص ۱۴۰؛ ج ۶۴، ص ۳۰۳؛ ج ۶۶، ص ۲؛ ج ۶۸، ص ۱۹۰، ۳۴۰ و ۳۴۲) برای اشاره به حالت کلی احساس خوب داشتن و فقدان نگرانی، دلواپسی، اضطراب و آشفتگی ذهنی در فرد به کار رفته است. علاوه بر طمأنینه واژه‌های دیگری نیز مانند سکینه، سکون، امان، امن، ایمان، دعه، رجاء (در جنبه مثبت)، خوف، خشیت، احتراس، فرع، قلیق، رعب، رهبه، رجفه، وحل و اضطراب (در جنبه منفی) با آرامش در ارتباط است. بر اساس یافته‌های این پژوهش طمأنینه در قطب مثبت شامل ایمنی، خوش‌بینی، آرمیدگی، فلسفه و معنای زندگی و در قطب منفی شامل تهدید، بدبینی، اضطراب، پوچی و سرگشتگی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی طمانینه

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
احساس ایمنی، وجود افراد دیگر و به‌طور کلی جهان را تهدیدی برای خود نمی‌داند، اعتقاد به نظام عادلانه جهان، دل‌بستگی ایمن به خدا؛	ایمنی
امیدوار، مایل به پذیرش جنبه‌های مثبت امور، خوش‌بین به آینده، امیدوار به رحمت الهی؛	خوش‌بینی
دارای آرامش درونی پایدار، در حالت ریلکس بودن، احساس راحتی و آسایش، فقدان ترس، نداشتن اضطراب و نگرانی، مسئله یا موضوع نگران‌کننده‌ای در زندگی خود احساس نمی‌کند؛	آرمیدگی
درک هویت خویشتن، آگاهی درباره فلسفه زندگی، اطمینان به اینکه راه و مسیر درستی را در زندگی خود انتخاب کرده است، اعتقاد به اینکه زندگی با مرگ به پایان نمی‌رسد، اطمینان خاطر و نترسیدن و نگران‌نشدن از مرگ (یقین).	فلسفه و معنای زندگی
قطب منفی	
احساس ناامنی، احساس می‌کند هر لحظه ممکن است اتفاق بدی بیفتد، خود را در معرض تهدید می‌داند؛	تهدید
م‌ایوس، ناامید، همیشه جنبه‌های منفی قضایا را در نظر می‌گیرد، با بدگمانی و سوءظن به مسائل و امور زندگی نگاه می‌کند، بدبین به آینده، ناامید از رحمت الهی؛	بدبینی
نگران، دل‌واپس، بی‌قرار، تنیده، مضطرب، احساس سردرگمی، آثار اضطراب در رفتار به‌صورت بی‌نظمی، بی‌خوابی، بی‌قراری و در ذهن به‌صورت درگیری ذهنی، ابهام، شک و تردید، ناتوانی در تمرکز ظاهر می‌شود، انتظار رویداد ناخوشایند در آینده که معمولاً علت آن برای فرد ناشناخته است، ترس از مرگ به خاطر جدایی از مال دنیا و دوستان (اضطراب جدایی)؛	اضطراب
احساس اینکه زندگی پوچ و بی‌معنی است، ناتوان در یافتن پاسخ به سؤال‌های اساسی زندگی مانند اینکه از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت، از خودبیگانگی، بحران هویت، دچار شک و تردید درباره موضوعات اساسی زندگی، فکر آشفته و پریشان، سرگشته، متحیر، سردرگم، گمراه.	پوچی و سرگشتگی

عامل دوم: اعتدال

حوزه معنایی دوم به «اعتدال و میانه‌روی» مربوط می‌شود. این محور عمدتاً بر پایه تحلیل و بررسی واژه‌های قصد، اقتصاد، عدل، وسط و انصاف که به نحوی همه بر حالت میانه دلالت دارند،

مفهوم‌سازی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد واژه کلیدی در این محور قصد و اقتصاد است. راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص ۶۴۰) قصد را به اعتدال و میانه‌روی تعریف کرده است. در قرآن (نساء: ۴۳) نیز قصد به همین معنی به کار رفته است. این ویژگی وقتی به‌عنوان صفت شخصیتی به کار می‌رود یعنی صرفه‌جویی، دوری از افراط و تفریط در کارها و تعادل از نظر روحی و روانی مورد نظر است. نقطه مقابل این ویژگی، خروج از حد میانه است؛ به گونه‌ای که هرگاه این خروج در جهت پیشی [اقدام] و بیش از اندازه باشد، افراط و اگر در جانب کاستی و کوتاهی باشد تفریط گفته می‌شود (جرجانی، ۱۴۲۴ ق: ص ۳۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص ۵۹۸). در مقابل، بخل، خست، ظلم، اجحاف، جور، بغی، تعدی، تجاوز، اسراف، تبذیر، غلو، افراط، تفریط، طغیان، عتو، افتراء و عصبیت برخی واژه‌هایی هستند که برای اشاره به خروج از حالت میانه به کار می‌روند. بر اساس یافته‌های این پژوهش اعتدال در قطب مثبت شامل صرفه‌جویی (حُسن تقدیر)، میانه‌روی، عدالت‌گرایی، تعادل روانی و در قطب منفی شامل ولخرجی (اسراف و تبذیر)، افراط و تفریط، بخل‌ورزی و آشفتگی روانی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی اعتدال

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
صرفه‌جویی، استفاده بهینه از امکانات (آب، برق، گاز، تلفن و...)، تناسب هزینه‌ها با سطح درآمد و وضعیت زندگی؛ اندازه‌نگه‌داشتن، پرهیز از هزینه‌های بی‌مورد و بیش از اندازه، اهل حساب و کتاب‌بودن و داشتن کنترل بر مسائل و موضوعات مالی؛	حُسن تقدیر
پرهیز از افراط و تفریط، میانه‌روی در ابعاد مختلف زندگی (عبادت، گرایش‌های دنیا و آخرت، انفاق، ارضای نیازها، دخل و خرج، غم و شادی، خوف و رجاء)، ساده‌زیستی، مشی اجتماعی همگرا با دیگران؛	میانه‌روی
حقوق خود و دیگران را به یک اندازه در نظر گرفتن، چیزی را که برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بپسندد، اخذ و اعطاء در معاملات بر وجه اعتدال (حسن شرکت)، داشتن نوعی نگرش اجتماعی که از حقوق و مزایای برابر برای افراد و اقلیت‌های مختلف طرفداری می‌کند؛	عدالت اجتماعی

تعادل روانی	تعادل حالات خلقی، هماهنگی ظاهر و باطن و گفتار و رفتار، توحید یافتگی و رشد شخصیت.
قطب منفی	
ولخرجی	اسراف، زیاده‌روی در مصارف و هزینه‌های زندگی (خرید اسباب و اثاثیه، آب، برق، گاز، تلفن و...)، نداشتن کنترل بر روی موضوعات مربوط به امور مالی، گرایش به هزینه‌های بی‌مورد یا بیش از اندازه، اهل بریز و پاش بودن، دست‌ودل بازی افراطی (تبذیر)
افراط و تفریط	گرایش به افراط یا تفریط مانند دنیاگرایی افراطی یا ترک دنیا، رعایت نکردن حد میانه در ابعاد مختلف زندگی (عبادت، دخل و خرج، روابط اجتماعی)، زیر پا گذاشتن حقوق خود، دیگران و خدا که اصطلاحاً به آن ظلم گفته می‌شود، غلو؛
بخل و ورزی	گرایش افراطی به احتکار و پس‌انداز کردن پول و امکانات، تعصب و ورزی، سخت‌گیری در مصارف و هزینه‌های زندگی (خود، خانواده و زیردستان)، اجتناب از رفتارهای یاری‌گرانه در مقابل دیگران، خسیس بودن، گذشت نداشتن در مسائل و امور مالی؛
آشفته‌گی روانی	نداشتن تعادل روانی، ناهماهنگی گفتار و رفتار، ذهن به هم ریخته، نداشتن نظم فکری.

عامل سوم: بزرگی نفس

یکی دیگر از حوزه‌های معنایی «بزرگی نفس» [کِبَرِ نَفْس] است. از نظر طوسی (۱۳۶۹: ص ۱۱۳)، قمی (۱۳۸۹: ص ۷۴) و نراقی (۱۳۸۱: ج ۱، ص ۲۹۶) بزرگی نفس ویژگی‌ای است که باعث می‌شود افراد امور ناخوشایند را تحمل کنند. طباطبایی (۱۳۸۹: ص ۱۴۶) بزرگی نفس را به جرئت‌ورزی، شهامت، شجاعت، استواری دل و توانایی تحمل سختی‌ها و مشکلات تعریف کرده است. برخی مؤلفان (غزالی، ۱۳۷۶؛ حسینی شیرازی، ۱۳۸۹) شجاعت را مفهوم محوری در نظر گرفته و بزرگی نفس را یکی از صفات مربوط به آن برشمرده‌اند. در عین حال، ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که بزرگی نفس نسبت به شجاعت، مفهوم محوری است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۰۷). بلندهمت، نجدت، غیرت، حمیت (در جنبه مثبت)، صِغَرِ نَفْس، ذلت، مهانت، کیول، فاتک، جبان، خائف، هائب و متوانی (در جنبه منفی) نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش بزرگی نفس در قطب مثبت شامل شهامت، شجاعت، بلندهمت، غیرتمندی و در قطب منفی شامل ضعف و رخوت، ترسوئی، پست‌همتی و بی‌غیرتی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳
نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی بزرگی نفس

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
باشهامت، جسور، باجرتت، بدون ترس و دودلی به کاری که احتمال خطر در آن هست اقدام می‌کند، زک، دارای صراحت لهجه، کسی که با قاطعیت نظرش را می‌گوید یا کاری را انجام می‌دهد، دوری از مسامحه‌کاری؛	شهامت
دلیری، برخورد و اقدام سنجیده (مطابق حکم عقل و شرع رفتارکردن)، از خودگذشتگی، تن‌ندان به ذلت، حق خود را می‌گیرد بدون اینکه به حقوق دیگران تجاوز کند، سخاوتمندی، بردباری، خردمندی، خودکنترلی و غلبه بر هوای نفس؛	شجاعت
داشتن هدف عالی در زندگی و تلاش برای رسیدن به آن، پشتکار قوی در راه رسیدن به خواسته‌ها و اهداف؛ بلندنظری، سعه صدر، آینده‌نگری، سعی می‌کند هر روز بهتر از روز قبل باشد؛	بلندهمتی
تعصب مثبت، حساسیت‌داشتن به ناموس، دین، کشور، آبرو و حمایت‌کردن از آن‌ها، (حساسیت هیجانی بالا).	غیرتمندی
قطب منفی	
عاجز، ناتوان، ضعیف (ضعف نفس)، دارای قدرت روحی و روانی پایین، نداشتن توانایی انجام کارها، ناتوانی در مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات، کودنی، گندذهنی (بلادت و غباوت)، ضعف تجزیه و تحلیل و قدرت استدلال، ناتوانی در تصمیم‌گیری؛	ضعف و رخوت
بی‌جرتی، بزدلی، بیم‌داشتن، فرارکردن از دشمن، تن‌دادن به ذلت و خواری، ناپردباری، ناتوانی در کنترل تکانه، نداشتن روحیه ایثار و فداکاری؛	ترسویی
دل‌مشغولی به کارها و موضوعات معمولی، اهداف سطح پایین، مشغول‌شدن به کارهای بی‌ارزش، فقدان عزت‌نفس، پذیرش ذلت و خواری، سطحی‌نگری، مبتلاشدن به روزمرگی، پایین‌بودن انگیزه پیشرفت؛	پست‌همتی

بی غیرتی	بی تفاوتی نسبت به دین، ناموس، کشور و آبروی خود و خانواده (دیوث، بی غیرت)، بی تفاوتی به ارزش‌های اخلاقی، نداشتن درک و احساس دینی و مذهبی (حساسیت هیجانی پایین)
----------	---

عامل چهارم: خوش خلقی

حوزه معنایی چهارم به صفات بین فردی مربوط می‌شود. عنوان جامعی که معمولاً در آموزه‌های دینی (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۲، ص ۱۴۸) در این زمینه به کار رفته، «حُسن خلق» (خوش خلقی) است.

بر حسب یک تعریف، حُسن خلق عبارت است از ویژگی‌ها و خصوصیتی که افراد را به حسن معاشرت با مردم توأم با گشاده‌رویی، خوش رفتاری و مدارا وامی‌دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۲۷۱). روایتی از امام صادق^(ع) (به نقل از: کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ص ۱۰۳) نیز بر این تعریف دلالت دارد. حضرت در پاسخ به این سؤال که حسن خلق چیست؟ فرمود: «تَلین جناحک و تطیب کلامک و تلقی اخاک بشیر حسن؛ حسن خلق این است که نرم خو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی».

گاهی حسن خلق به معنای گسترده‌تری به کار رفته است و همه صفات‌های پسندیده چه فردی و چه بین فردی را شامل می‌شود. در این کاربرد، حسن خلق مترادف و هم‌معنی با مکارم اخلاق در نظر گرفته شده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶). آنچه در اینجا مورد نظر است، معنای اول حسن خلق است. طبق این معنی، حسن خلق در قطب مثبت شامل روابط دوستانه، خیرخواهی، نرم‌خویی و گشودگی، و در قطب منفی شامل روابط خصمانه، گزند و آسیب، تندخویی و گرفتگی روانی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی خوش خلقی

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
روابط صمیمانه، عشق و محبت، مهرورزی، همدردی، عطفوت، اخوت؛	روابط دوستانه
احسان، نیکوکاری، مفیدبودن از نظر اجتماعی، خیرخواهی (نصح)، خدمت‌رسانی به دیگران، رفع مشکلات و گرفتاری مردم، اصلاح و امر به معروف، نوع‌دوستی، همکاری و یاری‌رسانی، حمایت از نیازمندان و اطعام و اکرام آن‌ها؛	خیرخواهی

نرم خوئی	مدارا، برخورد نرم و ملاحظت آمیز (دماثت)، با گرمی برخورد کردن؛
گشودگی	گشاده رویی، خوش خلقی، اهل خوش و بش، خوش برخورد بودن، شوخ طبعی، خنده رویی، مزاح، خودمانی برخورد کردن، گشاده دستی، شرح صدر، انتقاد پذیری.
قطب منفی	
روابط خصمانه	ستیزه جویی، نزاع، دشمنی و عداوت، کینه توزی، حسادت، عیب جویی از دیگران، بدخواهی فحش و ناسزاگویی، غیبت، سخن چینی، شماتت و توهین و تحقیر دیگران؛
گزند و آسیب	بدخواهی در مورد دیگران، افکار پلید، ویرانگری، شرارت، قتل نفس محترمه، به هم زدن نظم اجتماعی، ستمگری، غضب، تعدی و تجاوز، آزار و اذیت دیگران و ضرر وارد کردن به آن‌ها؛
تندخویی	تندخویی، خشونت، نداشتن انعطاف و ترحم (غلیظ القلب)، برخورد سخت گیرانه (عنف)، درشتی (فظ)، سرد بودن، سنگدلی؛
گرفتگی روانی	گرفته، اخمو (عبوس)، غمگین، بدخلق (شکس)، ترشرو، مقرراتی، خشک، اهل تکلف بودن در روابط میان فردی (کزازه)، بخیل، خسیس، خوددار، خودداری از سلام کردن به دیگران.

عامل پنجم: مناعت طبع

این حوزه به «مناعت طبع» مربوط می‌شود. مناعت در لغت به قوت و استواری، استحکام، بلند نظری، طبع عالی داشتن، بزرگ منشی (معین، ۱۳۸۷: ص ۱۰۳۹) و در اخلاق اسلامی احساس بی‌نیازی (ورام، ۱۳۶۹) و عزت نفس (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲) تعریف شده است. هم چنین، کرامت، قناعت، شرافت، نجابت، عزت، حریت (در جنبه مثبت)، حقارت، ذلت، طمع، لثامت و غرور (در جنبه منفی) نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

با توجه به تحلیل و بررسی این گروه از واژه‌ها مناعت طبع در قطب مثبت شامل کرامت نفس، احساس بی‌نیازی، نجابت و شایستگی و آزادگی، و در قطب منفی شامل حقارت نفس، وابستگی به دیگران، فرومایگی و فریفتگی نفس می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی مناعت طبع

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
احساس خودارزشمندی، احترام به خود، احساس خودکارآمدی و مفیدبودن، کرامت نفس، غلبه بر هوای نفسانی، نفوذناپذیری و سر تسلیم فرودنیاوردن در برابر غیر خدا؛	کرامت نفس
احساس بی‌نیازی از دیگران غیر از خدا، وابسته نبودن به دیگران، قناعت، متکی بودن به خویشتن، راضی، کم‌توقع، به آنچه در اختیار دارد اکتفا می‌کند ولی از کسی طلب نمی‌کند؛	احساس بی‌نیازی
شریف، ارجمند، مورداحترام، بلندمرتبه، لایق، جوانمرد، نجیب، با اصل و نسب، دارای خصلت‌های برجسته، اخلاقی بودن و به آن معروف شدن؛	نجابت و شایستگی
از تعلقات دنیوی آزادبودن و دل بستگی نداشتن به پول، مقام، ثروت و دیگر مظاهر دنیوی (حریت)، رها بودن از بند شهوات؛ داشتن روحیه استقلال، مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری و تن‌ندادن به ذلت و خواری.	آزادگی
قطب منفی	
احساس منفی به خود داشتن، خودتحقیرگری، نارزنده‌سازی، عزت‌نفس پایین، خودکم‌بینی، نارضایتی از ویژگی‌های جسمی و توانایی‌ها و مهارت‌ها، تحت تأثیر دیگران قرارگرفتن، فرهنگ‌پذیری، سلطه‌پذیری؛	حقارت نفس
اعتمادبه‌نفس پایین، دست‌نیاز به این و آن دراز کردن، بار دوش دیگران بودن، بی‌لیاقتی، طمع‌ورزی، چشم‌دوختن به مال و اموال دیگران، اهمیت‌دادن به نظرات و قضاوت‌های دیگران؛	وابستگی به دیگران
پست، فرومایه (لنامت)، کسی که برای رسیدن به خواسته‌هایش از هیچ تباهی و بدکاری کوتاهی نمی‌کند، رذالت، به هر کار غیراخلاقی تن‌دادن یا آمادگی انجام آن؛	فرومایگی
غافل، فریفته، فریب‌خوردن از نفس (الاعتزاز بالنفس)، پیروی از هوای نفس، فریب دنیا را خوردن، دل بستگی به دنیا (پول مقام، ثروت و دیگر مظاهر دنیوی)، بندگی هوای نفس (من اتخذ الهه هواه).	فریفتگی نفس

عامل ششم: انعطاف‌پذیری

این حوزه به «انعطاف‌پذیری» مربوط می‌شود که بر اساس واژه‌های توافق، ملائمت، لینت، تآلف، عفو، صفح، رضایت، متابعت، تصدیق (در جنبه مثبت)، تعارض، مخالفت، تضاد، عداوت، معاندت، فظ، لجاجت، طرد، انکار، انتقام و مجادله (در جنبه منفی) مفهوم‌سازی شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل و بررسی این گروه از واژه‌ها، انعطاف‌پذیری در آموزه‌های اسلامی به توانایی سازگاری و هماهنگی با افراد، محیط و شرایط زندگی به‌طور کلی اشاره دارد. بر پایه این تعریف، انعطاف‌پذیری در قطب مثبت شامل آسان‌گیری، گذشت، سازگاری اجتماعی، پذیرش و تسلیم، و در قطب منفی شامل سخت‌گیری، رفتارهای تلافی‌جویانه، ناسازگاری اجتماعی و طرد و انکار می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی انعطاف‌پذیری

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
اهل مدارا، با نرمی و مهربانی رفتارکردن، بردباری و تحمل آزار دیگران، در داد و ستد به طرف مقابل مهلت می‌دهد، اهل تکلف‌نبودن (سعی می‌کند خود و دیگران را به زحمت نیندازد)، زندگی را سخت نمی‌گیرد	آسان‌گیری
از خطا جرم یا گناه کسی درگذشتن، عذرپذیری، دادن فرصت جبران به کسی که مرتکب اشتباهی شده است، چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن خطای دیگران (گاهی کاستی و عیبی را در کسی می‌بیند اما به‌گونه‌ای وانمود می‌کند که گویا از آن بی‌خبر است)؛	عفو و گذشت
گرایش به همراهی و همکاری با دیگران، توافق، توانایی کنارآمدن با شرایط جدید و افراد بداخلاق، پذیرش و رأی اکثریت و پافشاری نکردن بر نظر شخصی، مسالمت‌جویی در روابط و تعامل اجتماعی، صلح و دوستی، سعی می‌کند برای حفظ مصالح خود را با دیگران سازگار کند؛	سازگاری اجتماعی
پذیرش شرایط زندگی و شکایت و اعتراض نکردن در برابر مقدرات، پذیرش حقیقت و مقاومت نکردن در برابر آن (تصدیق)، تسلیم‌بودن.	پذیرش و تسلیم
قطب منفی	

مقرراتی بودن، سخت‌گرفتن امور بر خود و دیگران، رفتار با خشونت (خرق، عنف، مکاشفه)، تکلف (خود و دیگران را به تکلف می‌اندازد)؛	سخت‌گیری
سعی می‌کند آزار، اذیت و رفتار بد دیگران را تلافی کند، کینه‌جویی، حسادت، رفتار متقابل و تلافی جویانه از خود نشان دادن، بدی را به بدی پاسخ گفتن؛	رفتارهای تلافی جویانه
رقابت‌جو، انعطاف‌ناپذیر، یک‌دنده، کله‌شق، لجباز، لجوج، سرسخت، اهل مجادله، آمادگی نداشتن برای سازگاری (جَبَّاس)، خودرأیی، واگرایی از نظر نگرش‌ها، باورها و رفتارها؛	ناسازگاری اجتماعی
خوددار بودن، از خودراندن و دورکردن دیگران، انتقادناپذیری، گوش ندادن به حرف دیگران، انکار و نپذیرفتن حقیقت، جاذبه میان‌فردی پایین.	طرد و انکار

عامل هفتم: تعهد

حوزه معنایی هفتم به «تعهد» مربوط می‌شود. تعهد در لغت (معین، ۱۳۸۷: ص ۲۹۷) برای اشاره به گردن‌گرفتن و ملتزم‌شدن امری، عهده‌دار شدن کاری یا نگهداری از چیزی به کار می‌رود. در اینجا منظور از تعهد داشتن یک‌سری صفات مثبت مانند وفاداری، قدرشناسی، صداقت، جوانمردی، وجدان اخلاقی و رعایت انصاف است. در تمامی این صفات پایبندی به شرطی یا کاری در برابر خود یا دیگران وجود دارد. از نظر راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص ۱۹۹) نزدیک‌ترین واژه به تعهد در آموزه‌های اسلامی «تحفظ» (پایبندی به عهدی که افراد بسته‌اند) است. این حوزه معنایی بر اساس واژه‌های عهد، وفا، شکر، صدق، حق، اخلاص، عدل، انصاف (قطب مثبت)، جفا، کفر، خیانت، تقلب، غدر، نفاق، خب، ختار، کذب، افک، افترا و تزویر (قطب منفی) مفهوم‌سازی شده است. تعهد در قطب مثبت شامل قدرشناسی، صداقت، انصاف، وفای به عهد و در قطب منفی شامل ناسپاسی، فریب‌کاری، توطئه‌گری، پیمان‌شکنی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی تعهد

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
قدرشناسی	ارزش کار یا محبت دیگران را درک کردن، سیاست‌گذاری از نیکی دیگران، پاسخ به خوبی دیگران با خوبی (مکافات)، شکرگزاری نعمت‌های خداوند، استفاده بهینه از امکانات و وسایل در اختیار؛
صداقت	صداقت، اخلاص، درست‌کاربودن، صفا و صمیمیت در روابط میان‌فردی، دوری از ریا و تملق‌گویی دیگران؛
انصاف	طرفداری از حقیقت، رعایت عدل و انصاف، انجام‌دادن و به‌جا آوردن آنچه صواب است، زیر پا نگذاشتن حق به خاطر منافع خود، رفتار از روی انصاف حتی در صورت بی‌توجهی دیگران، طردنکردن دیگران، خرده‌نگرفتن از دیگران؛
وفای به عهد	پایبندی به عهد، پیمان و دوستی، امانت‌داری از چیزهایی که به وی سپرده شده و بازگرداندن آن.
قطب منفی	
ناسپاسی	حق‌نشناسی، ندانستن قدر نعمت‌های الهی یا نیکی‌های دیگران، پاسخ خوبی با بدی؛
فریب‌کاری	غلّ و غش، تقلب، کلاه‌گذاشتن سر دیگران، حيله‌گری، گرایش به پنهان‌کاری، دروغ‌گویی، دورویی، تملق و چاپلوسی، صمیمیت‌نداشتن در روابط میان‌فردی، ریاکاری، خودنمایی؛
توطئه‌گری	زمینه‌سازی و تباری برای وصول به هدفی معمولاً خیانت‌کارانه، دسیسه‌گری، سخن‌چینی، بدخواهی دیگران، چیزی را که برای خود نمی‌پسندد برای دیگران می‌پسندد، تهمت‌زدن به دیگران؛
پیمان‌شکنی	مطابق تعهدات و قول‌وقرارهای خود رفتار نکردن، خیانت‌کاری در نگهداری و محافظت از چیزهایی که به فرد سپرده شده، کوتاهی‌کردن، افشاکردن اسرار دیگران.

عامل هشتم: شادکامی

حوزه معنایی هشتم به «شادکامی» (احساس خوش‌حالی، رضایت‌مندی و سعادت) مربوط می‌شود که با استفاده از واژه‌های فرح، مبهتج، مسرور، جلیل، مرح، مغتبط، سعید، نشیط، مطرب،

حبور، رضا، استبشار، بطر و اشتر برای اشاره به خُلق بالا، و کنیب، حزین، مغموم، مهموم، اُسف، اُسی، کسل، توانی، مَلل برای اشاره به خُلق پایین مفهوم‌سازی شده است. شادکامی در قطب مثبت شامل شادی، سرزندگی، رضایتمندی و حس خوشبختی، و در قطب منفی شامل غمگینی، رخوت و کسالت، بیزاری و نفرت و حس بدبختی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی شادکامی

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
شادبودن، خوشحالی و سرور، شوخ‌طبعی، احساس خوب داشتن، نبود حالت غمگینی و ناراحتی در فرد؛	شادی
نشاط، سرزندگی، حالت گشودگی و انبساط خاطر، خُلق بالا، آمادگی برای کار و فعالیت و لذت بردن از آن، توانایی مقابله با استرس؛	سرزندگی
احساس رضایت از زندگی، هماهنگی انتظارات با واقعیت‌ها، درک معنای سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، تن دادن به قضا و قدر الهی؛	رضایتمندی
احساس لذت از زندگی، سعادت‌مند، کسی که به خاطر داشتن مجموعه‌ای از امتیازات و امکانات مادی و معنوی در آرامش و رفاه زندگی می‌کند، رضایت از زندگی به دلیل داشتن ویژگی‌های روانی، خوش‌بینی، مثبت‌نگری.	حس خوشبختی
قطب منفی	
حالت حزن و اندوه، غمگین بودن، احساس ناراحتی و بدحالی؛	غمگینی
کسالت، سستی، تنبلی، خُلق پایین، تحت فشار بودن، ملول شدن از چیزی و رویگردانی از آن، اهمال‌کاری، کندی روانی، اقدام نکردن به انجام کار یا اتمام آن؛	رخوت و کسالت
ناخشنود، ناراضی، آن که از چیزی، کسی یا کاری راضی نیست، قانع نبودن به داشته‌ها، حریص و آزمندبودن، نارضایتی به مقدرات الهی و شرایط زندگی به طور کلی، شکایت و گلایه و اعتراض از جریان امور؛	بیزاری و نفرت
احساس بدبختی، بی‌بهره از زندگی یا وضع روحی مطلوب (شقاوت)، بیچارگی، تیره‌روزی و احساس درماندگی، بدبینی به زندگی به طور کلی.	حس بدبختی

عامل نهم: فعال بودن

این حوزه مربوط به «فعال بودن» است که با ویژگی‌هایی چون انگیزش بالا، پشتکار، تلاش و جدیت، نیرومندی و چالش‌پذیری مشخص می‌شود. واژه‌های مربوط به این حوزه عبارت‌اند از: جدّ، جهد، سعی، کدح، طاقت، صلابت و قدرت، و نقطهٔ مقابل آن واژه‌های توانی، تهاون، تساهل، تکاسل، ضعف، عجز، ضجر، وهن، ارتخاء و تأخیر است.

فعال بودن در قطب مثبت شامل میل به پیشرفت، مفیدبودن، پشتکار، حس انسجام، و در قطب منفی شامل تنبلی و رکود، بطالت، اهمال‌کاری و ازهم‌گسیختگی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی فعال بودن

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
انگیزه پیشرفت	اهل کار و تلاش، کوشا، جدی، مصمم، بااراده، تعالی‌جویی، پویایی، استقامت و پایداری در راه هدف، برنامه‌ریزی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و امکانات؛
مفیدبودن	سازنده، مولد، گرایش به خلاقیت و کارآفرینی، خدمت‌رسانی، تلاش برای عمران و آبادانی، مفیدبودن از نظر اجتماعی، دوست ندارد بار دوش دیگران باشد، استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود در مسیر درست؛
پشتکار	دقت در انجام درست کارها، اتقان عمل، توجه و اهمیت به کیفیت کار، سعی می‌کند کار را به بهترین نحو انجام دهد (وجدان کاری)، کار را به پایان می‌رساند و نیمه‌کاره رها نمی‌کند (تمامیت‌خواهی)، نظم و انضباط در کار؛
حس انسجام	استقامت، پایداری در راه هدف، رویارویی با سختی‌ها و مشکلات، زود از کار خسته و دل‌زده نمی‌شود، چالش‌پذیری، سرسختی، داشتن نیروی کافی برای انجام کارها و مأموریت‌های زندگی، سازمان‌دهی.
قطب منفی	
تنبلی و رکود	تنبل، کاهل، ناتوان، بی‌اراده، بی‌انگیزه، منفعل، ضعیف، مستأصل، از زیر کار دررفتن، زود دست از تلاش کشیدن، نیاز به تقویت و تأیید از سوی دیگران برای انجام کارها، گرایش به حفظ موقعیت کنونی، همت پایین؛

هدردادن و ضایع کردن امکانات، ناتوانی در استفاده بهینه از سرمایه زمان و عمر گران‌مایه، اتلاف وقت، بی‌تحرکی، درجاذدن، منفعل و بی‌خاصیت شدن، نداشتن برنامه در زندگی، در خسران بودن، بار دوش دیگران بودن؛	بطالت
کارش را به موقع انجام نمی‌دهد، احساس بی‌مسئولیتی در برابر دیگران، کار را سرسری انجام‌دادن، بی‌توجهی به کیفیت کار، معمولاً کارها را نیمه‌کاره رها می‌کند، سهل‌انگاری؛	اهمال‌کاری
عجز و ناتوانی در رویارویی با چالش‌های زندگی، احساس درماندگی و ناتوانی.	ازهم‌گسیختگی

عامل دهم: عفت

این حوزه به «عفت» مربوط می‌شود. عفت در لغت به معنای بازداری (قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۶، ص ۳۰۳) و در آموزه‌های دینی به پارسایی و پرهیزگاری، پاکدامنی، رعایت اصول اخلاقی و خودداری از گفتار و رفتار زشت و ناپسند اشاره دارد (ابن عربی، ۱۳۸۸). راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص ۵۴۱) عفت را به حصول حالت نفسانی در فرد تعریف کرده است که مانع از غلبه شهوت می‌شود. عفت در قطب مثبت شامل خودمراقبتی، وارستگی، قناعت، حیا، و در قطب منفی شامل بی‌بندوباری، دلبستگی به دنیا، زیاده‌خواهی و حرمت‌شکنی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی عفت

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
خویشتن‌داری، صیانت نفس، پرهیزگاری، پاکدامنی، تهذیب و تزکیه نفس، رعایت حلال و حرام در کسب و درآمد؛	خودمراقبتی
زهدورزی، بی‌رغبتی و بی‌علاقگی به دنیا، اکتفای به دنیا و بهره‌های آن به اندازه‌ای که کار جسم را راه می‌اندازد، پرهیز و دوری از اسراف، بسنده‌کردن به حلال، پرهیزگاری، پارسایی (تقوا)، گرایش به رعایت اصول اخلاقی مانند صبر، وقار، مسالمت‌جویی و آزادگی؛	وارستگی
راضی بودن و بسنده‌کردن به حداقل امکانات مورد نیاز در زندگی، صرفه‌جویی در مصارف و هزینه‌های زندگی؛	قناعت

حیا	خودداری از بیان چیزی، ابراز حالتی یا انجام کاری به دلیل ترس از خواری یا بی‌آبرویی، شرم‌داشتن، ملاحظه با دیگران به‌ویژه بزرگ‌ترها، بازداری هنگام مواجه‌شدن با فعل قبیح و غیراخلاقی (حیای از خود، دیگران و خدا).
قطب منفی	
بی‌بندوباری	پیروی از هوی و هوس و خواهش‌های نفسانی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی، مرتکب‌شدن اعمال خلاف شرع، اخلاق یا مقررات اجتماعی، آلودگی به فساد و فحشا، ابتذال، شهوت‌رانی، هوس‌بازی، عشوه‌گری و طنّازی، خروج از فرمان خدا و راه و رسم بندگی (فسق)، هرزگی، روابط نامشروع، انحراف جنسی (خودارضایی، روسپی‌گری و...):
دلبستگی به دنیا	علاقه و محبت بیش‌ازحد و افراطی به دنیا و مظاهر آن، مشغول‌شدن به دنیا و فراموش کردن آخرت، لذت‌گرایی، مال‌اندوزی، خوشگذرانی (اتراف):
زیاده‌خواهی	حریص، آزمند، کسی که به‌صورت افراطی و مهارگسیخته خواستار تحقق خواهش‌های نفسانی خویش است، زیاده‌خواهی، سیری‌ناپذیری، طمع‌کاری:
حرمت‌شکنی	به دیگران بد و بی‌راه گفتن، کسی که پرده‌داری می‌کند و موجب رسوایی و بی‌آبرویی خود یا دیگران می‌شود (تهتک)، درک‌نکردن حضور خدا و مرتکب گناه شدن.

عامل یازدهم: ثبات

حوزه معنایی یازدهم به «ثبات» مربوط شود. ثبات در لغت به پایداری (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۶)، استقامت، استواری، بر یک حال بودن و تغییر نکردن (هواری، ۲۰۱۰م: ص ۱۹۱) تعریف شده است. از نظر طوسی (۱۳۶۱؛ ۱۳۶۹)، غزالی (۱۳۷۶) و نراقی (۱۳۸۱: ج ۱) ثبات از مهم‌ترین صفت‌های اخلاقی است. این ویژگی در مورد کسی به کار می‌رود که: ۱. در گفتار خود پابرجاست و تصمیم و عقیده‌اش را تغییر نمی‌دهد؛ ۲. اراده‌ای قوی دارد و از خود استقامت نشان می‌دهد؛ ۳. بر یک حال باقی می‌ماند و از نظر خلقی تغییر نمی‌کند؛ ۴. در کارهای خود با تأنی و تأمل تصمیم‌گیری می‌کند.

واژه‌های مربوط به این حوزه در جنبه مثبت حلیم، وقور، صبور، حمول، رزین، رصین، متین، کتمان، صمت و در جنبه منفی جزع، فزع، هلوع، جاهل، طائش، بقباق، غبی، سفیه، احمق، اذاعه

و عجزول هستند.

ثبات در قطب مثبت شامل بردباری، وقار، شکیبایی و خودنگهداری، و در قطب منفی شامل پرخاشگری، تهییج‌پذیری، ناشکیبایی و رها بودن می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی ثبات

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
حلیم، بردبار، تحمل بدرفتاری دیگران، پرهیز از پرخاشگری و انتقام، سعه صدر داشتن، روحیه انتقادپذیری، خویشن‌داری از رفتارهای پرخاشگرانه (فحش و ناسزاگویی، ضرب و شتم، آسیب‌زدن به دیگران)، کظم غیظ، خونسردی، زود از کوره در نمی‌رود، از حرف زیاد و بیهوده پرهیز می‌کند؛	بردباری
باوقار، متین، دارای خُلق ثابت، تغییر و تحولات زندگی نمی‌تواند وضعیت روحی و روانی‌اش را به هم بزند، زود خوشحال یا ناراحت نمی‌شود (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم) خودداری از حرف زیاد و بیهوده، پرهیز از شتاب‌زدگی در کارها، تصمیم‌گیری با تأنی و تأمل در کارها؛	وقار
صبور، در مشکلات مصائب و گرفتاری‌ها صبوری از خود نشان می‌دهد، در حوادث ناگوار زندگی بی‌تابی (جنع و فزع) نمی‌کند، در راه هدف استقامت و پایداری از خود به خرج می‌دهد؛	شکیبایی
مواظبت زبان، خاموشی (صمت)، رازداری، حفظ اسرار خود و دیگران (کتمان)، کنترل زبان از ناسزاگویی بددهنی و سخنان زشت و ناروا (تصوّن)، خودپایی.	خودنگهداری
قطب منفی	
نمی‌تواند رفتارهای بد دیگران را تحمل کند، نشان‌دادن رفتارهای پرخاشگرانه به صورت فحش و ناسزاگویی، توهین، تحقیر، ضرب و شتم، اقدام به کشتن کسی یا از بین بردن چیزی، زود از کوره در می‌رود، انجام رفتارهای غیرعقلانه؛	پرخاشگری

تهییج‌پذیری	تحریک‌پذیر، بی‌ثبات، زود با دیگران قهر و زود آشتی می‌کند، ناتوان در کنترل هیجان‌های خود، زود از چیزی ناراحت و زود خوشحال می‌شود، دمدمی مزاج، ناتوانی در مقابله با استرس، به‌صورت دفاعی واکنش نشان می‌دهد، شتاب‌زدگی، رفتار عجولانه، تصمیم‌گیری سریع و نسنجیده در کار، سبک‌سری، به دیگران ناسزا می‌گوید (سفاهت)؛
ناشکیبایی	در مشکلات، مصائب و گرفتاری‌ها جزع و بی‌تابی می‌کند، سطح تحمل پایین، آمادگی برای داغ‌دیدگی؛
خودرهایی	افشاکننده اسرار، رازها و مسائل خصوصی خود و دیگران (اذاعه)، دهن‌لق، بی‌احتیاط، نداشتن کنترل بر رفتارهای خود.

عامل دوازدهم: زیرکی

این حوزه به «زیرکی» (کیاست) مربوط است. در روایات (به نقل از: جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۲۶) زیرکی با خردمندی (عقل) در ارتباط است. از این‌رو، شریف رضی (۱۴۱۴ ق: ص ۶۲۹) زیرکی را به خردمندی تعریف کرده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش هوشمندی، دوراندیشی (حزم)، بصیرت و رشد شخصی (در قطب مثبت) و ناتوانی ذهنی، سطحی‌نگری، رفتار عجولانه، خودفراموشی (در قطب منفی) مؤلفه‌های اصلی صفت زیرکی را تشکیل می‌دهند. این حوزه معنایی با توجه به واژه‌های کیس، فهیم، ذکی، عاقل، لیبب، حزم، تدبیر (در قطب مثبت)، واحمق، جاهل، غبی (در قطب منفی) مفهوم‌سازی شده است. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱۲ نشان داده شده است.

جدول ۱۲

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی زیرکی

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
فهم و درک، قدرت تجزیه و تحلیل، کل‌نگری، تیزهوشی، ژرف‌نگری، بررسی مسائل و موضوعات به‌صورت عمیق و از زوایا و ابعاد مختلف، هشیار، عاقل، باذکاوت؛	هوشمندی
حزم، آینده‌نگری، دوراندیشی، فقط زمان حال را نگاه نمی‌کند بلکه به آینده نیز توجه دارد، آخرت‌نگری، سعی می‌کند آینده‌اش بهتر از گذشته‌اش باشد، در کارها با دیگران مشورت می‌کند، استفاده از تجربه گذشته، رعایت نظم و انضباط، احتیاط، مصمم، باراده، آمادگی و توان مقابله با رویدادهای آینده؛	دوراندیشی

بدون اینکه عاقبت کاری را در نظر بگیرد به آن اقدام نمی‌کند (النظر فی العواقب)، تدبیر، واقع‌بینی، در تصمیم‌گیری همه جوانب کار را در نظر می‌گیرد، اقدام‌نکردن و انجام‌ندادن کارهای شبهه‌ناک، رعایت احتیاط، پیشگیری از رفتارهای پرخطر، برنامه‌ریزی و نظم و انضباط، تفکر منطقی؛	بصیرت
به دنبال کمال و صفا و پاکی است، برای اصلاح و پیشرفت خویش تلاش می‌کند، به جای پرداختن به دیگران و یادآوری نقص‌ها و کاستی‌های آنان به نقایص و کاستی‌های خود توجه دارد، خودارزیابی، رشدجویی، خودشکوفایی.	رشد شخصی
قطب منفی	
کندفهم، کم‌هوش، ناتوانی در تجزیه و تحلیل موضوعات و مسائل، درک و فهم پایین، ناتوانی در یادگیری؛	ناتوانی ذهنی
دارای معلومات اندک و تفکر بسته، بینش یا تفکر جدی و عمیق نداشتن، ساده‌لوح، بی‌دقت، گرفتن تصمیمی یا انجام‌دادن کاری بدون توجه به تمام جوانب آن، دنیاگرایی، تکیه بر آرزوهای خود، ظاهرین، تقلید از دیگران در موضوعاتی نباید تقلید کند؛	سطحی‌نگری
کسی که بدون استفاده از عقل و منطق و بدون توجه به جنبه‌های مختلف یک موضوع تصمیم به انجام کاری می‌گیرد، بدون اینکه عاقبت کاری را در نظر بگیرد به آن اقدام می‌کند، در زندگی خود نظم و برنامه ندارد، نسنجیده حرف می‌زند؛	رفتار عجزولانه
غافل از خود، قبل از اینکه خود را اصلاح کند به اصلاح دیگران می‌پردازد، چیزهایی را می‌گوید که خود به آن کمتر عمل می‌کند، چیزهایی را که برای دیگران عیب می‌شمارد در خود عیب نمی‌داند، در فکر اصلاح خود نیست.	خودفراموشی

عامل سیزدهم: فروتنی

این حوزه به «فروتنی» مربوط می‌شود که در اصل بر اساس تواضع مفهوم‌سازی شده است. طوسی (۱۳۶۹: ص ۲۹۱) تواضع را نقطه مقابل صلیف (خودستایی)، توصیف کردن شخص خود به صفت‌هایی که شایستگی و استحقاق آن را ندارد) و نراقی (۱۳۸۳) آن را نقطه مقابل کبر و تکبر قرار داده است. در روایات (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۵۸۹) نیز تواضع بیشتر در برابر کبر و تکبر به کار رفته است.

در آیات و روایات (به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ص ۱۳۵) تواضع گاهی در ارتباط با دیگر انسان‌ها (حالت شکسته‌نفسی و راضی شدن فرد به مرتبه کمتر از شأن و مقام خود) و گاهی در

ارتباط با خدا (خشوع، حالت تسلیم و انقیاد، احساس ذلت و خواری در برابر خدا) به کار می‌رود. واژه‌های اخبات، خضوع، خشوع، تسلیم، رضا، انکسار نفس (در قطب مثبت)، استکبار، عُجب، خیلاء، عجرفه، علو، تباهی، فخر، غرور، تجبر، تعظم و اختیال (در قطب منفی) نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

تحلیل و بررسی واژه‌های مربوط به این حوزه نشان داد که شکسته‌نفسی، آمادگی برای خدمت، حس نوع‌دوستی، پذیرش خود (در قطب مثبت)، و خودشیفتگی، خودبرتربینی، خودکامگی، سلطه‌گری (در قطب منفی) مؤلفه‌های اصلی فروتنی هستند. نشانه‌ها و کارکردهای فروتنی در جدول ۱۳ ارائه شده است.

جدول ۱۳
نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی فروتنی

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
حالت افتادگی، شکسته‌نفسی، خود را کمتر از آنچه هست نشان می‌دهد، خشوع، خضوع و تسلیم در برابر خداوند، رفتار و مشی آرام و به دور از کبر و نخوت، گرایش به گمنامی (دوست دارد ناشناخته و گمنام باقی بماند)، پرهیز از شهرت و قدرت؛	شکسته‌نفسی
داوطلب خدمت اجتماعی می‌شود، در کارها با دیگران مشارکت می‌کند، از ارتباط و همکاری با افراد پایین‌تر از خود احساس خوبی دارد، کارهایش را خودش انجام می‌دهد، دوست ندارد از دیگران سوءاستفاده کند؛	آمادگی برای خدمت
احترام به دیگران، نداشتن روحیه تبعیض و تعصب، از بودن با افراد سطح پایین‌تر از خود احساس خوبی دارد؛	حس نوع‌دوستی
خودشناسی (آگاهی شخص از ضعف‌ها و توانایی‌های خود)، خودباوری، اعتماد به نفس بالا، احساس خودکارآمدی، کرامت نفس.	پذیرش خود
قطب منفی	
خودشیفته، مغرور، خودپسند، خودستا، دوست دارد دیگران از او تعریف و تمجید کنند، دوست دارد همه چیزهای خوب از او باشد، نمی‌تواند خوبی‌های دیگران را ببیند؛	خودشیفتگی

خودبرتری بینی	متکبر، خودبرترین، خود را بهتر و برتر از دیگران می‌داند در حالی که این گونه نیست، خود را بهتر از آنچه هست می‌پندارد (خودپنداره کاذب)، گرایش به تبعیض، متعصب، در کارها با دیگران مشارکت نمی‌کند، از بودن با افراد سطح پایین تر از خودش احساس خوبی ندارد؛
خودکامگی	خودخواه، مستبد، خودرأی، خودسر، نافرمان، سرکش، متمرّد، عصیانگر (از اوامر و دستورات خداوند سرپیچی و نافرمانی می‌کند)، پُرتوقع، جاه‌طلب؛
سلطه‌گری	زورگو، متجاوز، ستم‌پیشه، استعمارگر، تا بتواند از دیگران سوءاستفاده کند، دیگران را تحت سلطه و سیطره خود قرار می‌دهد، به حریم دیگران تجاوز می‌کند.

عامل چهاردهم: پیوندجویی

این حوزه «پیوندجویی» نام دارد. پیوندجویی ویژگی شخصیتی‌ای است که با معاشرت، ارتباط و تعامل با دیگران مشخص می‌شود (حر عاملی، ۱۳۸۶). واژه‌های مربوط به این حوزه عبارت‌اند از: معاشرت، مخالفت، مصاحبت، الفت و مؤانست که همه به نحوی گرایش به نزدیکی و رو آوردن به سوی دیگران را نشان می‌دهد. در مقابل، انزوا، تفرّد، افتراق، اعتزال، انعزال و خلوت هستند که با رویگردانی از دیگران و گرایش به تنهایی در افراد ظاهر می‌شود. در این حوزه واژگانی، معاشرت و الفت در جنبه مثبت و عزلت و افتراق در جنبه منفی بیشترین کاربرد را دارند.

پیوندجویی در قطب مثبت شامل معاشرتی‌بودن، عصبیت‌گرایی، ازخودفراروندگی، احساس جمعی و در قطب منفی شامل انزواطلبی، فردگرایی، درخودماندگی، گسستگی و تفرّد می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۱۴ ارائه شده است.

جدول ۱۴

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی پیوندجویی

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
گرایش داشتن به برقراری ارتباط و انس و الفت با دیگران، اجتماعی، مردم‌آمیزی، مهرورزی و محبت به دیگران؛	معاشرتی‌بودن
عصبیت، همبستگی اجتماعی، اخوت، گرایش به هویت اجتماعی و ملی؛	گروه‌جویی
حساسیت به نیازهای دیگران، توجه به نظر دیگران، خود را جای دیگران قرار دادن؛	ازخودفراروندگی

احساس جمعی	احساس یگانگی با کل بشریت، بنی آدم را اعضای یک پیکر می‌داند، همدلی، همکاری، احساس مسئولیت در برابر همه انسان‌ها.
قطب منفی	
عزالت	تمایلی به ارتباط ندارد، کناره‌جو، منزوی، خلوت‌گزین (دوست دارد با خودش خلوت کند)
فردگرایی	مشارکت نکردن در فعالیت‌های جمعی، گرایش به فعالیت‌هایی که نیاز به حضور دیگران نیست، درون‌گرا؛
درخودماندگی	درخودمانده، در کارها و تصمیم‌گیری‌ها نظر خود را ملاک قرار می‌دهد، از تجربه و نظر دیگران استفاده نمی‌کند؛
گسستگی و تفرد	فردیت، احساس گسستگی از دیگران، خود را تافته جدا بافته از دیگران می‌داند، بی‌تفاوت در برابر دیگران، نداشتن احساس مسئولیت در برابر دیگران، کمتر با دیگران همدردی می‌کند.

عامل پانزدهم: تکلیف‌پذیری

این حوزه به «تکلیف‌پذیری» مربوط می‌شود. تکلیف در لغت از ریشه کلفت به معنای مشقت و سختی گرفته شده است و به کاری گفته می‌شود که وقتی فرد می‌خواهد آن را انجام دهد با سختی و مشقت روبه‌رو خواهد شد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص ۶۹۱). در اصطلاح شرع، تکلیف به فرمان، حکم، واجب‌شدن فرایض شرعی به سبب رسیدن شخص به سن بلوغ (طباطبایی، ۱۳۶۸ ق: ص ۳) اشاره دارد و در اصطلاح متکلمان، اراده کاری که انجام‌دادن آن برای فرد (مکلف) مشقت دارد (همدانی، بی‌تا: ص ۲۹۴)، یا اراده مولا [کسی که در مرتبه بالایی قرار دارد] از غیر خود به آنچه در آن سختی و مشقت است (طوسی، ۱۴۰۶ ق: ص ۱۰۱).

بر اساس آموزه‌های اسلامی، خداوند به‌عنوان شارع و قانون‌گذار، دو نوع تکلیف و قانون وضع [تشریح] کرده است. برخی از قوانین خداوند جنبه فردی و برخی دیگر جنبه اجتماعی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۸). در اینجا منظور از تکلیف‌پذیری ویژگی‌ای است که فرد بر اساس آن سعی می‌کند وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود را به درستی انجام دهد.

این حوزه معنایی عمدتاً بر اساس واژه‌های ایمان و اخبات (در جنبه مثبت) و بغی و ظلم (در جنبه منفی) مفهوم‌سازی شده است. قانون‌گرایی، پایبندی مذهبی، حس مسئولیت و حق آزادی و انتخاب، ۴ ویژگی اصلی تکلیف‌پذیری در قطب مثبت، و قانون‌گریزی، اعتقاد به زندگی آزاد، اباحه‌گرایی و تفکر جبرگرا، ۴ ویژگی آن در قطب منفی هستند. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱۵ ارائه شده است.

جدول ۱۵

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی تکلیف‌پذیری

مؤلفه‌ها و کارکردها	خصیصه‌ها
قطب مثبت	
قانون‌گرایی	پایبندی به قوانین و مقررات اجتماعی، آگاهی و عمل به قوانین، قانون و مقررات را در جامعه لازم و ضروری می‌داند؛
پایبندی مذهبی	احساس بندگی (متعبد)، مذهب را بخشی از برنامه زندگی خود می‌داند و به دستورالعمل‌های مذهبی عمل می‌کند (انجام تکالیف دینی)؛
حس مسئولیت	مسئول، تکلیف‌مدار، وظیفه‌شناس، احساس مسئولیت در برابر خود، دیگران و خدا، نوع‌دوستی، مسئولیت در برابر رفتارهای شخصی؛
آزادی و انتخاب	آزاد، مختار، اعتقاد به اینکه سرنوشت انسان به دست خود اوست، در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای خود آزادی عمل دارد، اعتقاد دارد به اینکه هرکسی نتیجه اعمال خود را می‌بیند، هرکسی در گرو اعمال خویش است.
قطب منفی	
قانون‌گریزی	قانون‌گریز، هنجارشکن، مفسد، کارهای خلاف قانون انجام می‌دهد و قانون را زیر پا می‌گذارد، قانون‌شکنی، به ضرورت وجود قانون در جامعه اعتقاد ندارد؛
اعتقاد به زندگی آزاد	لاابالی، بی‌بندوبار، اعتقاد داشتن به زندگی آزاد، هرکسی اختیار خودش را دارد و می‌تواند هرطور دلش خواست زندگی کند، باور به اینکه افراد می‌توانند سعادت‌مند باشند بدون اینکه از دین یا مذهب خاصی پیروی کنند؛
اباحه‌گرایی	هرکاری را مجازدانستن، زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی، اعتقاد به اینکه پایبندی به دین و ارزش‌های دینی ضرورت ندارد؛
تفکر جبرگرا	جبرگرا، نوعی تفکر که بر اساس آن همه امور عالم را خداوند مقدر کرده است و بنده در انجام کارها از خود اختیاری ندارد، اعتقاد به اینکه ویژگی‌ها و خصوصیات هر فرد از پیش تعیین شده است، بین عمل و سرنوشت و پاداشی که انسان دریافت می‌کند ارتباط وجود ندارد.

به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر در بخش مطالعه کیفی نشان داد که شخصیت بر اساس

تحلیل و طبقه‌بندی واژه‌های گردآوری‌شده از منابع اسلامی ساختار پانزده عاملی دارد. در پایان باید یادآوری کرد که به دلیل حجم گسترده یافته‌ها، در این مقاله فقط بخشی از یافته‌های کیفی، گزارش شده است. یافته‌های تجربی این پژوهش (شامل ساخت آزمون، تفسیر و تحلیل عامل‌ها، بررسی شباهت و تفاوت صفت‌ها و عامل‌های شخصیتی مبتنی بر منابع اسلامی و روان‌شناسی) در گزارش‌های بعدی در اختیار جامعه علمی قرار خواهد گرفت.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. قم. امیرالمؤمنین (ع).
- ۱. ابن بابویه، محمد. ۱۳۷۶. *الأمالی*. ترجمه: کمره‌ای. تهران. کتابچی.
- ۲. ابن حنبل، احمد. ۱۴۱۲ ق. *مسند ابن حنبل*. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
- ۳. ابن شعبه حرانی، حسن. ۱۴۰۴ ق. *تحف العقول*. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم. جامعه مدرسین.
- ۴. ابن عربی، محیی الدین. ۱۳۸۸. *تهذیب الاخلاق*. ترجمه: زاهد اویسی. تهران. انتشارات جامی.
- ۵. ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۷۸. *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*. ترجمه: پورسینا. تهران. انتشارات سروش.
- ۶. بخاری، محمد ابن اسماعیل. ۱۴۰۱ ق. *صحیح بخاری*. بیروت. دارالفکر.
- ۷. بستانی، محمود. ۱۹۸۸ م. *دراسات فی علم النفس الاسلامی*. بیروت. دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۸. جرجانی، شریف. ۱۴۲۴ ق. *التعريفات*. بیروت. دارالکتب العلمیه.
- ۹. جمال خونساری، محمد. ۱۳۶۶. *شرح آقا جمال خونساری بر غررالحکم و دررالکلم*. تصحیح: حسینی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰. حر عاملی، محمد. ۱۴۰۹ ق. *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه*. قم. مؤسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث.
- ۱۱. حسینی شیرازی، هبه الله [شاه میر]. ۱۳۸۹. *اخلاق علایی*. تصحیح و تعلیقه: یاحقی. تهران. انتشارات متن.
- ۱۲. راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۹۰. *مفردات الفاظ قرآن کریم*. ترجمه: خداپرست. قم. دفتر نشر نوید اسلام.
- ۱۳. شریف رضی، محمد. ۱۴۱۴ ق. *نهج البلاغه*. تصحیح: فیض الاسلام. قم. هجرت.
- ۱۴. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. *روابط اجتماعی در اسلام*. ترجمه: حاجتی کرمانی. قم. دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- ۱۵. طباطبایی، محمدرضا. ۱۳۸۹. *نردبان سعادت برگرفته از معراج السعاده علامه ملا احمد نراقی*. قم. بوستان کتاب قم.
- ۱۶. طبرسی، میرزاحسین. ۱۳۶۳. *مستدرک الوسائل*. تهران. منشورات المکتبه الاسلامیه.
- ۱۷. طوسی، نصیرالدین. ۱۳۶۹. *اخلاق ناصری*. تهران. انتشارات خوارزمی.
- ۱۸. عبدالعال، السید محمد عبدالمجید. ۲۰۰۷ م. *السلوک الانسانی فی الاسلام*. عمان. دارالمسیره للنشر و التوزیع.
- ۱۹. عسگری، علی؛ ازخوش، منوچهر. ۱۳۹۰. (۱). *مجله روان‌شناسی و علوم تربیت دانشگاه تهران*. ۴۰ (۲) ۲۱-۱.
- ۲۰. عمار، عبدالرزاق. ۲۰۰۹. *علم النفس فی القرآن و السنّه*. تونس. دارالجبل.
- ۲۱. غزالی، محمد. ۱۳۷۶. *میزان العمل*. ترجمه: علی اکبر کسمایی. انتشارات سروش.
- ۲۲. _____ ۱۴۱۴ ق. *احیاء علوم‌الدین*. ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۳. فاضلی، قادر. ۱۳۸۶. *اوصاف متقین ترجمه و شرح و تفسیر خطبه همام نهج البلاغه*. تهران. فضیلت علم.
- ۲۴. فیض کاشانی، ملامحمد محسن. ۱۳۸۳. *الحقائق فی محاسن الاخلاق*. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۵. فیست، جیس؛ فیست، گریگوری جی. ۱۳۸۶. *نظریه‌های شخصیت*. تهران. نشر روان.
- ۲۶. قمی، شیخ عباس. ۱۳۸۹. *اخلاق و آداب*. به کوشش: سیدمحمدرضا حسینی. قم. انتشارات نور مطاف.
- ۲۷. کارور، چارلز اس؛ شی‌یر، مایکل اف. (۱۳۷۵). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه: رضوانی. مشهد. آستان قدس رضوی.
- ۲۸. مازندرانی، محمدصالح. ۱۳۸۲. *شرح الکافی الاصول و الروضه*. تصحیح و تحقیق: ابوالحسن شعرانی. تهران. المکتبه الاسلامیه.
- ۲۹. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ ق. *بحارالانوار*. بیروت. مؤسسه الوفاء.
- ۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۷۹. *میزان‌الحکمه*. ترجمه: شیخی. قم. دارالحدیث.
- ۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۸. *نظریه حقوقی اسلام*. تحقیق و نگارش: نادری قمی و کریمی نیا. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۲. مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۳. مظفر، محمدرضا. ۱۴۲۸ ق. *اصول الفقه*. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۴. معین، محمد. ۱۳۸۷. *فرهنگ فارسی*. تهران. انتشارات سرایش.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۸. *ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه*. ترجمه و شرح: آشتیانی. قم. هدف.
۳۶. نجفی، محمدجواد. ۱۳۹۸ ق. *تفسیر آسان*. تهران. انتشارات اسلامیة.
۳۷. نراقی، احمد. ۱۳۸۱. *معراج السعاده*. قم. انتشارات هجرت.
۳۸. نراقی، محمد. ۱۳۸۳. *جامع السعادات*. نجف. مطبعه النجف الاشرف.
۳۹. وزام، مسعود. ۱۳۶۹. *آداب و اخلاق در اسلام [مجموعه ورام]*. مشهد. آستان قدس رضوی.
۴۰. همدانی، قاضی عبدالجبار. بی‌تا. *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*. بی‌جا. بی‌نا.
۴۱. هواری، صلاح‌الدین. ۲۰۱۰ م. *المعجم الوسیط المدرسی*. بیروت. دارالبحار.

42. Amigó, S; Caselles, A & Micó, J.C (2010). General Factor of Personality Questionnaire (GFPQ): Only one Factor to Understand Personality? *The Spanish Journal of Psychology*, 13, 5-17
43. Ashton, M.C & Lee, K (2002). Six independent Factors of Personality Variation: A Response to Saucier. *European Journal of Personality*. 16, 63-75.
44. Becker, P. (1999). Beyond the Big Five. *Personality and Individual Differences*, 26, 511-530.
45. Blackburn, R., Renwick, S. J. D., Donnely, J. P., & Logan, C. (2004). Big Five or Big Two? Superordinate factor in the NEO Five Factor Inventory and the Antisocial Personality Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 37, 957-970.
46. Borgatta, E. F. (1964). The structure of personality characteristics. *Behavioral Science*, 9, 8-17.
47. Boyle, G.J (2008). Critique of the five- factor model of personality. *Humanities, Social Sciences*. Paper 297.
48. Carver, C. S, Sutton, S. K., & Scheier, M. F. (2000). Action, Emotion, and Personality: Emerging Conceptual Integration. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 741-756
49. Cattell, R.B. (1973). *Personality and Mood by Questionnaire.*, Jossey-Bass, San Francisco
50. Cattell, R.B. (1973). *Personality and Mood by Questionnaire.*, Jossey-Bass, San Francisco
51. Cheung, F M, Leung, K, Zhang, J X, Sun, H F, Gan, Y G & Song, W Z (2001) Indigenous Chinese personality construct: Is the Five-Factor Model complete? *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 407-433.
52. Cooper, C.R & Denner, J (1998). Theories, linking culture an Universal and community-specific processes. *Annual Review* 49, 559-584
53. Costa, P. T. Jr. and McCrae, R. R. (1992b). 'Trait psychology comes of age'. In: Sonderregger, T.B. (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation: Psychology and Aging*, pp. 169±204, University of Nebraska Press, Lincoln, NE
54. Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1989). *NEO PI/FFI M anual Supplement*. Odessa, FL: sychological Assessment Resources.
55. DeYoung, C. G., Peterson, J. B., & Higgins, D. M. (2001). Higher-order factors of the big five predict conformity: Are there neuroses of health? *Personality and Individual Differences*, 33, 533-552.
56. Digman, J. M. (1997). Higher-order factors of the big five. *Journal of Personality*

- and Social Psychology*, 73, 1246- 1256.
57. Digman, J. M. and Takemoto-Chock, N. K. (1981). Factors in the natural language of personality: re-analysis, comparison and interpretation of six major studies. *Multivariate Behavioral Research*, 16, 149–70.
 58. Dwairy, M. (Ed.) (2006). *Psychological Research and Mental Health among Arabs in Israel. Shfa-Amer, Israel: The Arab Psychological Association in Israel and The Galilee Society for Health Research. (in Arabic)*
 59. Elliot, A. J., & Thrash, T. M. (2002). Approach-Avoidance motivation in personality: approach and avoidance temperaments and goals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 804-818
 60. Fiske, D. W. (1949). Consistency of the factorial structures of personality ratings from different sources. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 44, 329–44.
 61. Friedman, H & Schustack, M (2009). *Personality Classic Theories and Modern Research*, Allyn and Bacon.
 62. Goldberg, L. R. (1981). Language and individual differences: The search for universals in
 63. Goldberg, L. R. (1990). An alternative 'Description of personality': the Big-Five factor structure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 1216–29.
 64. Goldberg, L. R. (1992). Development of markers for the Big-Five factor structure. *Psychological Assessment*, 4, 26-42.
 65. Hogan, R. (1986). *Hogan Personality Inventory manual*. Minneapolis, MN: National Computer Systems.
 66. John, O. P. (1990). The "Big Five" factor taxonomy: Dimensions of personality in the natural language and questionnaires. In L. A. Pervin (Ed.) *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 66-100) New York: Guilford Press
 67. John, O. P. (1990). The "Big Five" factor taxonomy: Dimensions of personality in the natural language and questionnaires. In L. A. Pervin (Ed.) *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 66-100) New York: Guilford Press.
 68. John, O. P., & Srivastava, S. (1999). The Big-Five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (Vol. 2, pp. 102–138). New York: Guilford Press.
 69. John, O. P., Goldberg, L. R., & Angleitner, A. (1984). *Better than the alphabet: Taxonomies of Personality-descriptive terms in English, Dutch, and German*. In H. Bonarius, G. van Heck, and N. Smid (Eds.), *Personality psychology in Europe: Theoretical and empirical developments* (pp. 83-100). Berwyn: Swets North America Inc.
 70. Markus, H.R., Kitayama, S. (1998). the cultural psychology of personality. *Journal of Cross-Cultural psychology and Research*, 29(1), 63-87.
 71. Markus, H.R., Kitayama, S., & Heiman, R. (1997). Culture and "basic" psychological principles. In E.T. Higgins & A.W. Kruglanski (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (pp. 857–913). New York: Guilford.
 72. Matthews, G, Deary, I & Whiteman, M.C. *Friedman H&Schustack M.W (2009). Personality classic theories and modern research. Allyn and Bacon.*
 73. McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985b). Openness to experience. In R. Hogan & W. H. Jones, *Perspectives in personality* (Vol. 1, pp. 145-172). Greenwich, CT: JAI Press.
 74. McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985b). Openness to experience. In R. Hogan & W. H. Jones, *Perspectives in personality* (Vol. 1, pp. 145-172). Greenwich, CT: JAI Press.

75. McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985c). Comparison of EPI and psychoticism scales with measures of the five-factor model of personality. *Personality and Individual Differences*, 6, 587-597.
76. McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (1992). Discriminant validity of NEO-PI-R facet scales. *Educational and Psychological Measurement*, 52, 229-237.
77. McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (2003). Personality in adulthood: A Five-Factor Theory perspective (2nd. ed.). New York: Guilford Press. New York: Macmillan
78. Mervielde, I., & De Fruyt, F. (2002). Assessing children's traits with the hierarchical personality inventory for children. In B. de Raad & M. Perugini (Eds.), *Big Five assessment* (pp. 129-142). Ashland, OH: Hogrefe & Huber
79. Mervielde, I., De Pauw, S. & Van Leeuwen, K. (2008, October). The structure of temperament and personality from infancy to childhood. Paper presented at the Occasional Temperament Conference, San Rafael, CA.
80. Norman, W. T. (1969). "To see ourselves as others see us!": Relations among self-perceptions, peer-perceptions, and expected peer-perceptions of personality attributes. *Multivariate Behavioral Research*, 4, 417-443.
81. Norman, W. T. (1963). Toward an adequate taxonomy of personality attributes: replicated factor structure in peer nomination personality ratings. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 66, 574-88.
82. Oishi, S (2004). Personality in culture: A neo- Allportian view. *Journal of Research in Personality*, 38, 68-74.
83. Peabody, D., & De Raad, B. (2002). The substantive nature of psycholexical personality factors: A comparison across languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 983-997.
84. Pedersen, P.B (1990). The multicultural perspective as a fourth force in counseling. *Journal of Mental Health counseling*, 12, 93-95
85. Roberts, B. W., & Helson, R. (1997). Changes in culture, changes in personality: The influence of individualism in a longitudinal study of women. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 641-651
86. Rushton, J. P., & Irwing, P. (2008). A General Factor of Personality (GFP) from two meta-analyses of the Big Five: Digman (1997) and Mount, Barrick, Scullen, and Rounds (2005). *Personality and Individual Differences*, 45, 679-683
87. Saucier, G & Ostendorf, F. (1999). Hierarchical Subcomponents of the Big Five Personality-Language Replication. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 613-627.
88. Simms, L.J (2007). The Big Seven Model of personality and its Relevance to Personality Pathology. *Journal of Personality*, 75, 65-94.
89. Simms, L.J (2007). The Big Seven Model of personality and its Relevance to Personality Pathology. *Journal of Personality*, 75, 65-94.
90. Smith, G. M. (1967). Usefulness of peer ratings in educational research. *Educational and Psychological Measurement*, 27, 967-84.
91. Tellegen, A., & Waller, N. G. (1987). *Reexamining basic dimensions of natural language trait descriptors*. 95 annual meeting of the American Psychological Association, (abstract).
92. Triandis, H & Suh, E.M (2002). Cultural Influences on Personality. *Annu. Rev. Psychol.* 53, 133-160.

اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی

حمید مهدی‌زاده

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی‌العالمیه و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

amirmahdizeh@yahoo.com

علیرضا فاضلی مهرآبادی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی، دانشگاه شهیدبهبشتی و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

alifazeli.m@gmail.com

سیدمحمد غروی

دانشیار پژوهشکده حوزه و دانشگاه و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

mgharavi@rihu.ac.ir

مسعود آذریباجانی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

mazarbayejani@rihu.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی است تا با فراهم‌ساختن اطلاعات صحیح و کافی، گامی مؤثر در زمینه برنامه‌ریزی پژوهشی و انجام پژوهش‌های اولویت‌دار برداشته شود. روش این پژوهش کیفی، و ترکیبی از روش پیمایشی، تحلیل محتوا و تکنیک دلفی است. جامعه آماری در شناسایی نیازها کلیه منابع اسنادی، انسانی و سازمانی در زمینه روان‌شناسی اسلامی است. جامعه آماری در اولویت‌بندی شامل کلیه متخصصان در زمینه روان‌شناسی اسلامی است و نمونه آماری در بخش شناسایی نیاز، شامل ۵۰۲ منبع در مجموع منابع اسنادی، انسانی و سازمانی می‌شود. نمونه آماری در بخش اولویت‌بندی برای هر یک از ۱۴ پرسش‌نامه طراحی شده در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی، شامل ۳۵ نفر از متخصصان و کارشناسان

می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدف‌دار و با توجه به تخصصشان انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش شامل دستیابی به ۳۱۱ عنوان پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی است که ۶۰ عنوان اولویت الف (اولویت خیلی زیاد)، ۱۴۰ عنوان اولویت ب (اولویت زیاد)، ۸۳ عنوان اولویت ج (اولویت متوسط) و ۲۸ عنوان اولویت د (اولویت کم) دارند. بیشترین عنوان با اولویت الف و ب، در گرایش‌های روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی خانواده بود و کمترین عنوان با اولویت الف و ب در گرایش‌های آسیب‌شناسی روانی، روان‌سنجی و روش تحقیق بود.

کلیدواژه‌ها: نیازسنجی پژوهشی، اولویت‌یابی، روان‌شناسی دینی، روان‌شناسی دین، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش به برنامه‌ریزی در کلیه فعالیت‌ها و اقدامات بشری منابع محدود و موانع و محدودیت‌های اثرگذار و تعیین‌کننده است که آدمی را وادار به شناسایی اولویت‌های اساسی و تعیین راهبردهای اثربخشی برای تحقق همان اولویت‌ها می‌کند. اثربخشی و برنامه‌ریزی، در تمامی سازمان‌ها و مؤسسات سرلوحه کار است. با این وجود و به‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت، مدیران سازمان‌ها چندان رضایتی از اثربخشی پژوهش‌های انجام‌شده ندارند (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸). آنچه در حال حاضر در بسیاری از مراکز پژوهشی به‌وضوح قابل مشاهده است، پیچیدگی و دشواری تصمیم‌گیری در اولویت‌دادن به تحقیقات و پژوهش‌هاست. نقطه آغاز هر پژوهشی، مسئله‌یابی است و تا مسئله اساسی شناسایی نشود، صرف زمان و هزینه برای انجام پژوهش، صرفاً اتلاف منابع انسانی و مادی خواهد بود. لازمه شناسایی عناوین پژوهشی ارزشمند و موضوعات اساسی، نیازسنجی پژوهشی است. نیازسنجی پژوهشی با گردآوری اطلاعات از متخصصین و افراد ذی‌ربط و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به شناسایی نیازهای واقعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها کمک چشم‌گیری می‌کند (ارفع بلوچی، کارشکی و آهنچیان، ۱۳۹۰). اهمیت و ضرورت نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی هنگامی روشن می‌شود که به نتایج آن توجه شود. برخی از نتایج نیازسنجی پژوهشی عبارت است از:

- تقویت مدیریت جامع و استفاده از همه ظرفیت‌ها در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛
- شفافیت و پاسخگویی مراکز پژوهشی؛

- جهت‌گیری روشن برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛
 - جلوگیری از اتلاف منابع در حوزه‌های بی‌اهمیت؛
 - سازمان‌دهی طرح‌های مختلف پژوهشی؛
 - جلوگیری از موازی‌کاری و پراکنده‌کاری؛
 - آینده‌نگری در برنامه‌ریزی پژوهشی و پرهیز از تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و غیرراهبردی؛
 - تدوین برنامه‌های پژوهشی مبتنی بر مشارکت کلیه گروه‌ها و عوامل متخصص و مرتبط در شناسایی عناوین پژوهشی؛
 - تخصیص بهینه منابع و اعتبارات (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۸۷).
- پژوهش‌هایی که بدون پرداختن به نیازهای موجود انجام می‌شود نه تنها کمک زیادی به حل معضلات نمی‌کنند، خود بر معضلات موجود می‌افزایند و دست‌کم منابع مالی و انسانی موجود را تلف می‌کنند (کالسین^۱ و وینتر^۲، ۱۹۹۹). مضاف بر آنکه برخی از حوزه‌های دانشی مثل روان‌شناسی اسلامی به سبب جدید بودن، اسلامی بودن و سروکار داشتن با جامعه دینی، حساسیت و اهمیت بالایی دارند. از این‌رو، نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی به‌عنوان گام اساسی در تدوین هر راهبرد و برنامه‌ریزی پژوهشی‌ای کاملاً ضروری است (ریویر،^۳ برکوویتز،^۴ کارتر^۵ و فرگوسن،^۶ ۱۹۹۶).
- نیازسنجی پژوهشی ریشه در نیازسنجی و مدیریت پژوهش دارد، و در یک تعریف جامع عبارت است از: فرایند پیچیده شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین پروژه‌های مختلف تحقیقاتی، تا از این رهگذر مبنای قابل دفاعی برای تخصیص مؤثر منابع فراهم آید (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۸۷).
- اولویت‌یابی در نیازسنجی یکی از مراحل مهم برنامه‌ریزی پژوهشی به‌شمار می‌آید. برنامه‌ریزی پژوهشی علی‌القاعده باید پاسخگوی نیازها و فرصت‌های موجود در بخش مربوطه و

1. Calsyn RJ
2. Wineter JP
3. Reviere, R
4. Berkowitz, S
5. Carter, C
6. Ferguson

زیرمجموعه‌های آن باشد. این مرحله برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا برنامه و چارچوب پژوهشی‌ای را تعریف کنند که با سیاست‌های پژوهشی سازمان یا وزارتخانه در سطح کشور، مأموریت و رسالت سازمان پژوهشی و هدف‌های برنامه پژوهشی سازگار است. زمینه‌ای که در آن تعیین اولویت صورت می‌پذیرد، متأثر از عواملی چون محدودیت منابع، نیازهای پژوهشی متنوع، فشار و تقاضای خارجی برای هرچه بیشتر شفاف‌شدن تخصیص منابع و تمرکز بیشتر بر نیازهای مشتریان است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷).

منشأ فعالیت تعیین اولویت، برنامه یک بخش یا بخش فرعی است. این برنامه، جنبه‌های اصلی بخش یا زیربخش را تعریف می‌کند، سیاست‌ها و اصلاحات کلان اقتصادی را که بر آن اثر می‌گذارد، بررسی می‌کند و استراتژی آن بخش (بخش فرعی) را به طور خلاصه بیان می‌کند. هدف‌های این برنامه (پژوهش) به دقت بیان می‌شود و برنامه پژوهشی ملی کلی نیز به نحوی طراحی می‌شود تا به تحقق تمام این اهداف کمک نماید. اگرچه یک بخش از برنامه ممکن است تنها به تحقق یک یا چند هدف از اهداف موجود در برنامه کمک نماید.

قبل از آنکه هرگونه فعالیت اولویت‌یابی پژوهشی صورت پذیرد، دست‌یابی به پاسخ‌های روشن در خصوص موارد زیر بسیار حیاتی است:

۱. تعیین اولویت در چه سطحی باید انجام شود؟
 ۲. چه کسی باید در فرایند اولویت‌یابی مشارکت کند؟
 ۳. چه میزان پول و زمان برای این کار در دسترس است؟ (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵، ص ۴۹).
- یکی از حیطه‌های پژوهشی که هم در ماهیت عرصه کاربردی به کار می‌آید و هم بستری برای تولید علم است، روان‌شناسی دینی است که روان‌شناسی اسلامی نیز در دل همین مفهوم جای گرفته و از مصادیق آن به‌شمار می‌آید. روان‌شناسی دینی، به‌گونه‌ای از دانش روان‌شناسی اشاره دارد که در بستر فرهنگ دینی تکون و رشد پیدا کرده است (بلزن، ۲۰۱۰). این دانش، صبغه دینی را از آنجا به خود می‌گیرد که در فرهنگ دینی رشد کرده است و از مبانی و پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دینی بهره برده است؛ به عبارت دیگر اگر با در نظرگرفتن پیش‌فرض‌های دینی، به سراغ روان‌شناسی برویم و آن را تدوین کنیم، روان‌شناسی دینی به دست می‌آید. و اگر در پیش‌فرض‌هایی که گفته شد، بعد متافیزیکی یا هستی‌شناختی آن را از دین اسلام دریافت کنیم، محصول آن «روان‌شناسی اسلامی» خواهد بود. به همین ترتیب می‌توانیم

«روان‌شناسی مسیحی» و مانند آن نیز داشته باشیم (آذربایجانی، ۱۳۸۵). با توجه به آنچه بیان شد، مشروعیت بخشیدن به برنامه‌های پژوهشی مراکز علمی-پژوهشی فعال در عرصه روان‌شناسی اسلامی در گروهی شناسایی نیازها و اولویت‌یابی، بر اساس روش علمی است.

در فرایند نیازسنجی پژوهشی، پس از شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی، معمولاً تعداد پروژه‌هایی که شناسایی می‌شود به مراتب بیش از منابع و امکانات در دسترس، برای اجرای طرح‌های پژوهش آتی است؛ از این رو ناگزیر باید از بین طرح‌های مختلف دست به انتخاب زد و آن‌هایی را که بیشتر در جهت تحقق هدف‌های برنامه پژوهشی، اولویت و اهمیت دارند، انتخاب نمود. برای انجام این کار، معیارهایی لازم است تا به وسیله آن نقش و کمک بالقوه هر پروژه در دست‌یابی به هدف‌های برنامه پژوهشی اندازه‌گیری شود. همچنین باید از لحاظ روش‌شناختی، از روش معتبر و قابل اعتمادی برای رتبه‌بندی عناوین برحسب هر یک از معیارها استفاده کرد. مهم این است که عناوین منتخب، در راستای اهداف پژوهشی و مأموریت‌های تعیین‌شده بخش یا بخش فرعی مربوطه باشند.

با مطالعه سیره عملی دانشمندان مسلمان از جمله شیخ مفید^(۶)، سیدرضی^(۷)، سیدمرتضی^(۸) و شیخ طوسی^(۹) می‌توان دریافت که بزرگان اسلام نیز فعالیت‌های علمی خود را بر مبنای نوعی نیازسنجی و اولویت‌گذاری بنا کرده بودند و این واقعیت تا دوره معاصر قابل مشاهده است. فعالیت‌های پژوهشی-آموزشی علامه طباطبایی^(۱۰) مؤیدی بر این مدعاست؛ اما نیازسنجی پژوهشی به‌عنوان یک علم، قلمرویی بسیار جوان و در حال تحول است. این قلمروی علمی ریشه در نیازسنجی و مدیریت پژوهشی دارد و سابقه چندانی ندارد. با مروری مختصر بر سوابق مطالعات انجام‌گرفته درباره شناسایی اولویت‌یابی پژوهش‌ها در این زمینه، مشخص می‌شود که به‌رغم اهمیتی که اولویت‌یابی در تولید صحیح، نظام‌مند و تسریع علم دینی دارد، پژوهش‌ها و اقدامات انجام‌شده در این زمینه بسیار ناکافی است و به چند مورد، محدود می‌شود.

در داخل کشور تاکنون پژوهش‌های محدودی در این زمینه صورت گرفته است که به‌ندرت درصدد تبیین نظری موضوع و شرح متدولوژیک نیازسنجی پژوهشی برآمده‌اند و در سطح بین‌المللی نیز دستاوردهای بشری در این عرصه در حال تکامل و توسعه است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۴). از این‌رو در کشور، فعالیت‌ها و طرح‌های محدودی در این زمینه قابل ردیابی است. البته پژوهش‌ها و طرح‌های مربوط به «نیازسنجی آموزشی» در مقایسه با «نیازسنجی پژوهشی» بیشتر و گسترده‌ترند (پژوهش‌هایی مانند: فتحی و اجارگاه، گویا، آقازاده، ابوالقاسمی و کامکاری، ۱۳۸۱؛ سعیدی رضوانی و بیتقی، ۱۳۸۲؛ سعیدی رضوانی و آهنگیان، ۱۳۸۶؛ امینی

و شقاقی، صداقت، ۱۳۸۴؛ زارعیان جهرمی و احمدی، ۱۳۸۴؛ شهیدی، چنگیز، سلمانزاده و یوسفی، ۱۳۸۸؛ عمادزاده، بحرینی طوسی، یآوری و صدیق بهزادی، ۱۳۸۴؛ جعفری و یوسفی، ۱۳۸۳؛ شعبانی بهار، عرفان و بختیار، ۱۳۸۶). در زمینه نیازسنجی پژوهشی هم در حوزه‌هایی از جمله پزشکی و سلامت، کشاورزی و سایر حوزه‌ها، پژوهش‌های محدودی ملاحظه می‌شود (کریمی، دمار، قره‌باغیان، رهبری، وفاییان و میناب‌سالمی، ۱۳۸۴).

تنها اثر موجود اولویت‌یابی و نیازسنجی پژوهشی در حوزه دین با عنوان «اولویت‌های پژوهشی دستگاه‌های علمی-اجرایی در حوزه دین» در سال ۱۳۸۶ توسط معاونت پژوهش حوزه علمیه قم در محدوده مراکز و مؤسسات علمی-اجرایی در ۱۴ رشته انجام شد که یکی از رشته‌های آن روان‌شناسی و علوم تربیتی بوده است. اولویت‌های پژوهشی این دو رشته، تنها ۸۱ عنوان بدون تفکیک گرایش‌ها بود (معاونت پژوهش حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸). به تعبیر دیگر پیشینه پژوهشی در مورد شناسایی و اولویت‌گذاری پژوهشی روان‌شناسی اسلامی در گرایش‌های چهارده‌گانه روان‌شناسی، و در سطح ملی وجود ندارد و این تحقیق نخستین سند شناسایی و اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی است.

از این رو، هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی است تا با فراهم‌ساختن اطلاعات صحیح و کافی، گامی مؤثر در زمینه برنامه‌ریزی پژوهشی و انجام پژوهش‌های اولویت‌دار بردارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کیفی، و ترکیبی از روش پیمایشی و تکنیک دلفی است. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش شناسایی نیازها عبارت‌اند از: کلیه منابع اسنادی (نظیر مقاله، کتاب، پایان‌نامه و اسناد بالادستی کشور و حوزه علمیه)، منابع انسانی (متخصصان روان‌شناسی دینی، متخصصان رشته‌های مرتبط مثل جامعه‌شناسی و فلسفه و مدیران پژوهشی حوزه علمیه) و منابع سازمانی در عرصه روان‌شناسی دینی (مراکز مشاوره دینی و مرکز آمار و بررسی حوزه علمیه). جامعه آماری، برای اولویت‌یابی، ۳۵ نفر از کارشناسان و متخصصان روان‌شناسی اسلامی هستند که از گروه‌های ذی‌صلاح و گروه‌های دخیل در برنامه‌ریزی پژوهشی دینی تشکیل شده‌اند.

نمونه آماری در مرحله شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی، منابع اسنادی، شامل: ۵ مجله علمی پژوهشی خارجی، ۷ کتاب، ۲ دانشکده و انجمن در بخش مطالعات تطبیقی؛ و در بخش منابع علمی-پژوهشی داخلی و اسناد و مدارک علمی کشور نمونه آماری شامل: ۹ کتاب، ۱۴ مجله، ۵۰

پایان‌نامه، ۷ سند بالادستی و ۱۷ سند می‌شود؛ نمونه آماری در منابع انسانی و سازمانی شامل: ۱۴ مدیر پژوهشی حوزوی، ۲۶ استاد و عضو هیئت علمی حوزوی روان‌شناس، ۵۹ استاد و عضو هیئت علمی دانشگاهی روان‌شناس، ۲۳ استاد حوزوی غیر روان‌شناس با تحصیلات دانشگاهی، ۵ مرکز مشاوره حوزه و ۳ مرکز مربوط به اطلاعات و آمار طلاب، می‌شود. روش نمونه‌گیری ترکیبی از نمونه‌گیری هدف‌دار، در دسترس و روش متمرکز گروهی است.

نمونه آماری در مرحله اولویت‌یابی در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی، شامل ۳۵ نفر از متخصصان و کارشناسان می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدف‌دار و با توجه به تخصص هر یک از کارشناسان انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش، عبارت‌اند از:

۱. مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته: این ابزار در چند مرحله برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. مرحله اول: مصاحبه با افراد مربوطه برای شناسایی عناوین و نیازهای پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی؛ مرحله دوم: مصاحبه با متخصصان دین‌شناس روان‌شناس جهت تدوین ملاک‌های اولویت‌یابی؛ مرحله سوم: مصاحبه با ۹ نفر از متخصصان دین‌شناس روان‌شناس درباره روایی محتوایی پرسش‌نامه اولویت‌بندی؛ مرحله آخر: مصاحبه با اساتید روش تحقیق و روان‌سنجی درباره روایی صوری پرسش‌نامه‌ها. این مصاحبه‌ها نیمه‌سازمان‌یافته بود؛ به این صورت که مصاحبه در چارچوب پرسش‌نامه ۱۰ پرسشی صورت گرفت که قبل از آن توسط همان متخصصان پر شده بود، تا نظرات متخصص مصاحبه‌شونده، در همان موضوع‌ها، به صورت عمیق‌تر دریافت شود.
۲. پرسش‌نامه محقق‌ساخته: این پرسش‌نامه شامل ۳۱۱ عنوان و نیاز پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی است و هر نیاز پژوهشی، مشتمل بر ۸ ملاک اولویت‌بندی است که هرکدام از ملاک‌ها نیز برای تعیین میزان اهمیت، سه درجه دارند (کم، متوسط و زیاد). به‌منظور تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان روان‌شناسی اسلامی قرار گرفت و پس از دریافت نظرات مکتوب و مصاحبه حضوری با آنان، بازبینی و اصلاح شد.

مراحل شناسایی و اولویت‌بندی

شناسایی و تعیین اولویت در تحقیق حاضر مبتنی بر مراحل ذیل انجام شده است:

۱. تشکیل کارگروه متولی نیازسنجی پژوهشی؛ در گام اول، کارگروه متولی نیازسنجی پژوهشی، از مجریان طرح (حداقل ۲ نفر)، یک متخصص روان‌شناسی دینی، یک متخصص روشی در

نیازسنجی و یک تحلیل‌گر آماری جهت مدیریت مراحل گوناگون نیازسنجی و اولویت‌بندی تشکیل شد؛

۲. تعیین اهداف نیازسنجی پژوهشی؛ در گام دوم اهداف اصلی و فرعی طرح به‌منظور انسجام‌بخشی و جهت‌دهی پژوهش انتخاب شد؛

۳. گزینش رویکرد شناسایی نیازهای پژوهشی؛ تعیین رویکرد نقش‌بارزی در جهت‌گیری فرآیند نیازسنجی پژوهشی دارد. آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، استفاده ترکیبی از رویکردهای مختلف در فرآیند نیازسنجی پژوهشی به‌جای استفاده از یک رویکرد انحصاری و خاص است.^۱ رویکرد پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (استفاده هم‌زمان از دو یا چند رویکرد) است که شامل رویکرد آسیب‌شناختی،^۲ رویکرد موضوعی-رشته‌ای،^۳ و رویکرد تقاضامحور^۴؛

۴. شناسایی نیازهای پژوهشی و پالایش آن؛ برای دستیابی به نیازها و عنوان‌های پژوهشی از منابع مکتوب، منابع انسانی و منابع سازمانی استفاده شد (که هر یک از این منابع در بخش روش پژوهش آمده است)؛ پس از شناسایی عنوان‌های پژوهشی، محققان به‌منظور اطمینان از تناسب و تکراری نبودن عنوان‌ها، تمام آن‌ها را بررسی می‌کردند و پس از حصول اطمینان، گرایش مورد نظر به عنوان‌های پژوهشی اضافه می‌شد؛

۵. تشکیل کارگروه اولویت‌یابی؛ اولین گام در فرآیند اولویت‌یابی تشکیل گروهی بود که اعضای آن قادر باشند بخش مهمی از وقت خود را صرف این امر نمایند. اکثر اعضای این گروه یا خود جزء افراد مسئول در فرآیند برنامه‌ریزی پژوهشی بودند یا با افرادی که مسئول برنامه‌ریزی پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی بودند، ارتباط نزدیک داشتند تا از این رهگذر در فرآیند شناسایی و اولویت‌یابی دچار اشتباه در امر اولویت‌یابی و نیز مدل‌های موجود نشویم. در این کارگروه، غیر از افراد مسئول، یک صاحب‌نظر آماری و یک متخصص نیازسنج نیز حضور داشت؛

۶. گزینش یک روش اولویت‌بندی؛ مجموعه متنوعی از روش‌ها و ابزارهای اولویت‌بندی

۱. کوروش فتحی و اجازگاه و همکاران، طراحی مکانیزم اولویت‌یابی برای نظام آموزش و پرورش ایران، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰-۱۸۵.

2. Pathological Approach

3. Demand-Oriented-Approach

4. Substantive Approach

وجود دارند که در تحقیق حاضر، ترکیبی از «روش دلفی»^۱ و «چک لیست»^۲ استفاده شد که از مطلوب‌ترین روش‌ها برای یافتن اولویت‌هاست؛

۷. طراحی شاخص‌ها و ضرایب پیشنهادی و نامه‌رهنما توسط کارگروه علمی؛ شاخص‌های پیشنهادی، با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته با تعدادی از کارشناسان و نیز با مراجعه به متون علمی مرتبط به دست آمد؛

این شاخص‌های پیشنهادی عبارت بود از:

الف- کمک به تولید علم روان‌شناسی بر اساس فرهنگ اسلامی-ایرانی؛

ب- کمک به ارتقای سلامت روان جامعه؛

ج- کمک به حل مشکلات روان‌شناختی افراد جامعه و فراوانی نیاز؛

د- احتمال توفیق پژوهش؛

ه- میزان فوریت؛

و- میزان فایده در عرصه تبلیغ و اجرای احکام دین؛

ز- کمک به حل مسائل و مشکلات خانواده‌های دین‌دار؛

ضرایب پیشنهادی موارد بالا به ترتیب عبارت بود از: الف: ۳، ب: ۱، ج: ۲، د: ۱، ه: ۲، و: ۲،

ز: ۲.

۸. ارائه شاخص‌ها و ضرایب پیشنهادی به تعدادی از صاحب‌نظران: در این مرحله شاخص‌های پیشنهادی شورای علمی که از مصاحبه و منابع علمی موجود به دست آمده بود به ۷ تن از صاحب‌نظران و متخصصان روان‌شناسی و علوم حوزوی ارائه شد؛

۹. دریافت نظرات، ایده‌ها، نقدها و پیشنهادها از صاحب‌نظران در زمینه ضرایب و شاخص‌های پیشنهادی و جمع‌بندی دیدگاه‌ها توسط شورای علمی و ناظران؛

۱۰. طراحی نهایی و ارائه پرسش‌نامه اولویت‌بندی، شاخص‌ها و ضرایب پیشنهادی:

شاخص‌های نهایی اولویت‌گذاری پس از بحث و بررسی در کارگروه علمی با در نظر گرفتن تمام پیشنهادها از صاحب‌نظران این عرصه و حذف موارد تکراری و اصلاح عناوین پیشنهادی مجری در ۸ عنوان تدوین شد که در جدول ۱ همراه با ضرایب پیشنهادی آمده است؛ برخی از این شاخص‌ها، نظری (به‌ویژه توجه به تولید علم) و برخی دیگر، کاربردی بودند. از جهت گستردگی، برخی

1. Delphi

2. Checklists

شاخص‌های ناظر به نیاز متدین‌ها و خانواده‌ها، برخی ناظر به نیازهای عموم مردم و جامعه ایرانی و برخی دیگر ناظر به نیازهای جامعه جهانی به‌ویژه جهان اسلام بوده است.

۱۱. اجرای مرحله اولویت‌بندی پژوهشی؛ در این مرحله پرسش‌نامه‌های اولویت‌گذاری پژوهشی در قالب ۱۴ گرایش روان‌شناسی تدوین گردید. در این پرسش‌نامه‌ها فهرست نهایی نیازها و شاخص‌ها در یک جدول ۹ ستونی تهیه شد. ستون اول مربوط به عناوین نیازهای پژوهشی و ستون‌های بعدی اختصاص به شاخص‌های اولویت‌بندی داشت که هر یک از شاخص‌ها در سه درجه کم، متوسط و زیاد تقسیم‌بندی شد. پرسش‌نامه‌های هر گرایش برای حداقل ۳۵ نفر از متخصصین ارسال گردید و پس از پاسخگویی آنان، مرحله بعدی روش دلفی آغاز شد.

۱۲. محاسبه اولویت‌بندی؛ در این مرحله، پاسخ افراد تجزیه و تحلیل شد و اولویت‌های مهم تعیین شدند. در این مرحله میانگین اولویت‌ها به دست آمد؛ بدین گونه که با توجه به نمره‌هایی که افراد به هر کدام از گویه‌های هر عنوان دادند و با توجه به ضریبی که برای هر گویه در نظر گرفته شده بود، جمع نهایی نمره‌ها محاسبه شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS_15 و EXCEL میانگین نمرات نهایی کلیه شرکت‌کنندگان در خصوص هر عنوان به دست آمد و عناوینی که نمره‌های بالاتری داشتند، در اولویت قرار گرفتند. در محاسبه اولویت‌بندی چون توزیع نمرات اولویت‌بندی به صورت نرمال نبود از نمره میانه استفاده شد که برابر با ۷۵ بود. نمره میانه به اضافه و منهای انحراف معیار کل نمرات یعنی ۵/۹۸ شد. بالاتر از یک انحراف معیار از نمره میانه، اولویت الف؛ نمره میانه تا مثبت یک انحراف معیار، اولویت ب؛ نمره میانه تا منفی یک انحراف معیار، اولویت ج؛ و پایین‌تر از یک انحراف معیار از نمره میانه، اولویت د در نظر گرفته شده است به عبارتی ۶۹/۰۱ به پایین اولویت د، ۶۹/۰۲ تا ۷۵ اولویت ج، ۷۵/۰۱ تا ۸۰/۹۹ اولویت ب و بالاتر از ۸۰/۹۹ اولویت الف تلقی شده است.

یافته‌های پژوهش

در بخش شاخص‌های پیشنهادی برای اولویت‌یابی نیازها، شاخص‌های نهایی به ترتیبی که در جدول ذیل می‌بینید، به دست آمد؛ در واقع این شاخص‌ها به همراه ضرایب پیشنهادی از طرف شورای علمی پژوهش به ۷ نفر از کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی ارائه شد که پس از جمع‌بندی نظرهای کارشناسان، نتایج ذیل به دست آمد.

جدول ۱: شاخص‌های نهایی اولویت‌بندی و ضرایب آن‌ها، حاصل جمع‌بندی نظرات کارشناسان

ردیف	شاخص‌های کاربردی و نظری اولویت‌گذاری	ضریب
۱	زمینه تولید روان‌شناسی اسلامی	۲/۵
۲	میزان ضرورت و نیاز فوری جامعه	۲
۳	گسترده‌گی و فراوانی نیاز (کثرت ابتلا)	۱/۵
۴	کمک به حل مشکلات روان‌شناختی افراد و خانواده‌ها و حفظ و ارتقای سلامت روان آنان	۱/۵
۵	میزان فایده در عرصه تبلیغ و اجرای احکام دین	۱/۵
۶	کمک به رفع مشکلات و حل مسائل حوزه، طلاب و خانواده‌های آنان	۱/۵
۷	کمک به حل مشکلات روان‌شناختی جامعه جهانی به ویژه جهان اسلام	۱
۸	امکان تحقق پژوهش	۱

در بخش اولویت‌های پژوهشی پس از بررسی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و EXCEL اطلاعات تحلیل شد؛ یافته‌های به‌دست‌آمده، در جدول ذیل ارائه شده است. این جدول، مشتمل بر ۳۱۱ عنوان پژوهشی است که به ترتیب اولویت و بر اساس نمره به‌دست‌آمده، ارائه گردیده است. عناوین جدول از بالاترین نمره‌ای که در یک عنوان پژوهشی به‌دست‌آمده، تنظیم گردیده است و به ترتیب تا پایین‌ترین نمره ادامه یافته است. به عبارت دیگر عنوان پژوهشی اول «عوامل شکل‌گیری شخصیت از دیدگاه اسلام» از گرایش روان‌شناسی شخصیت، با نمره ۹۲/۸۵، بیشترین اولویت را دارد و عنوان پژوهشی سیصدویازدهم «نقش قومیت و نژاد در پیشرفت تحصیلی طلاب علوم دینی» از گرایش روان‌شناسی یادگیری، با نمره ۵۷/۷۹ کمترین اولویت پژوهشی را دارد.

جدول ۲: تمام عناوین پژوهشی برحسب اولویت

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱	روان‌شناسی شخصیت	الف	عوامل شکل‌گیری شخصیت از دیدگاه اسلام	۹۲/۸۵
۲	فلسفه روان‌شناسی	الف	اصول اخلاقی در روان‌شناسی و مشاوره با نگرش به منابع اسلامی	۸۷/۴
۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس خودشناسی بر اساس منابع اسلامی	۸۶/۸۸

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۴	روان‌شناسی سلامت	الف	معیارهای سلامت روان از دیدگاه قرآن و سنت	۸۶/۷۲
۵	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کاهش احترام به والدین و راهکارهای مقابله با آن، با تأکید بر منابع اسلامی	۸۶/۳۷
۶	روان‌شناسی اجتماعی	الف	سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۶/۱۹
۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ماهیت و علل پرخاشگری و راه‌های پیشگیری و کنترل آن در اسلام	۸۵/۹۷
۸	روان‌شناسی خانواده	الف	روش‌های حل تعارض زناشویی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۵/۶۹
۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	جزع و بی‌تابی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله	۸۵/۵۸
۱۰	روان‌شناسی خانواده	الف	طراحی الگوی ساختار قدرت در خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۵/۲۲
۱۱	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کم‌ارزش‌شدن نقش‌های مادری و خانه‌داری و راهکارهای مقابله با آن با رویکرد دینی	۸۵/۲۲
۱۲	روان‌شناسی خانواده	الف	عوامل مؤثر در ایجاد روحیه گذشت و فداکاری در زوجین و راهکارهای ایجاد آن بر اساس آموزه‌های اسلامی	۸۴/۸۵
۱۳	روان‌شناسی اخلاق	الف	آسیب‌شناسی رفتار اخلاقی از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۸۴/۸۴
۱۴	روان‌شناسی اخلاق	الف	ساخت بسته آموزشی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان بر اساس ملاک‌های اسلامی	۸۴/۶۵
۱۵	مشاوره و روان‌درمانی	الف	مبانی نظری درمانگری و مشاوره از دیدگاه اسلام	۸۴/۱۴

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۶	مشاوره و روان‌درمانی	الف	راهکارهای ارتقای ابراز وجود و اعتمادبه‌نفس از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۹۲
۱۷	روان‌شناسی سلامت	الف	تدوین مهارت مدیریت استرس بر اساس آموزه‌های دینی	۸۳/۷۲
۱۸	روان‌شناسی اجتماعی	الف	تحلیل روان‌شناختی مراسم شادی در قرآن و حدیث و آثار روان‌شناختی آن	۸۳/۵۲
۱۹	روان‌شناسی سلامت	الف	تأثیر روان‌شناختی آیین‌های سوگواری در اسلام	۸۳/۳۸
۲۰	انگیزش و هیجان	الف	ماهیت و راهکارهای ارتقای خویشتن‌داری جنسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۳۲
۲۱	روان‌شناسی سلامت	الف	تدوین مهارت مدیریت خودآگاهی بر اساس آموزه‌های دینی	۸۳/۳۰
۲۲	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ارتباط مؤثر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۱۸
۲۳	روان‌شناسی اخلاق	الف	خودمهارگری غریزه جنسی از منظر دین و روان‌شناسی	۸۳/۱۶
۲۴	روان‌شناسی خانواده	الف	ملاک‌های همسرگزینی مطلوب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۱۵
۲۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	معنای زندگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های معنایابی صحیح	۸۳/۱
۲۶	مشاوره و روان‌درمانی	الف	تهیه بسته درمان خشم بر اساس منابع دینی	۸۳/۰۸
۲۷	مشاوره و روان‌درمانی	الف	اصول و شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای مشاوره از منظر اسلام	۸۳/۰۶
۲۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس دروغ بر اساس منابع اسلامی	۸۲/۹
۲۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	دروغ از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۸۴
۳۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	عُجب و تکبر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۷۴

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۳۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	صبر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۶۹
۳۲	روان‌شناسی خانواده	الف	روش‌های ایجاد شادکامی در خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۵۹
۳۳	روان‌شناسی سلامت	الف	نقش اصلاح رذایل اخلاقی در سلامت روان با رویکرد دینی	۸۲/۴۵
۳۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	رضایت از زندگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۳۳
۳۵	روان‌شناسی اخلاق	الف	تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۳۲
۳۶	روان‌شناسی اجتماعی	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در عادی‌سازی روابط دختر و پسر و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۲/۱۹
۳۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	راهبردهای شکل‌گیری و تغییر نگرش از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱۷
۳۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	صداقت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱۵
۳۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	حسد از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۲/۱
۴۰	روان‌شناسی اخلاق	الف	بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱
۴۱	روان‌شناسی خانواده	الف	فرا تحلیل عوامل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و راهکارهای مقابله با آن با رویکرد دینی	۸۱/۹۶
۴۲	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ارائه مدل اشتغال زنان با رویکرد اسلامی و روان‌شناختی	۸۱/۹۳
۴۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	شادکامی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۹۲
۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس صبر بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۸۱

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۴۵	روان‌شناسی سلامت	الف	تهیه بسته آموزشی مدیریت استرس‌های اقتصادی با استفاده از منابع اسلامی	۸۱/۷۸
۴۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	نام‌میدی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۱/۷۷
۴۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	تدوین سبک زندگی اسلامی با توجه به مراحل رشد کودکان	۸۱/۶۵
۴۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	نوع‌دوستی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۶۱
۴۹	روان‌شناسی سلامت	الف	مرزهای مفهومی اعتمادبه‌نفس، توکل و عزت‌نفس در نگرش دینی	۸۱/۵۲
۵۰	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در ایجاد اعتماد بین افراد خانواده و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۱/۴۸
۵۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	مهربانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۴۵
۵۲	روان‌شناسی رشد	الف	انواع بازی و تأثیر آن بر کودک از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۴۴
۵۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	غفلت، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۱/۴۲
۵۴	روان‌شناسی سلامت	الف	معنای زندگی از دیدگاه اسلام و ارتباط آن با سلامت روان	۸۱/۴۱
۵۵	روان‌شناسی رشد	الف	وراثت و محیط از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۳۸
۵۶	روان‌شناسی سلامت	الف	ارتباط اعتقاد به خدا، مسجدرفتن و نیایش با عزت‌نفس، بهزیستی روانی	۸۱/۳۴
۵۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس صداقت بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۳۳
۵۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس عجب و تکبر بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۲۹
۵۹	روان‌شناسی خانواده	الف	مؤلفه‌های ازدواج مطلوب از دیدگاه اسلام	۸۱/۲۸

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۶۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	خوش‌بینی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۱۸
۶۱	روان‌شناسی رشد	الف	ساخت بسته آموزش مناسک دینی (نماز، روزه، حجاب و...) به کودکان	۸۱/۱۲
۶۲	روان‌شناسی خانواده	الف	سلسله‌مراتب قدرت و نقش همسران در نظام خانواده از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۷
۶۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	خودشناسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۶
۶۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	شادی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۳
۶۵	روان‌شناسی خانواده	الف	فرا تحلیل عوامل روان‌شناختی افزایش طلاق و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۱
۶۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	مقایسه مبانی نظری روان‌شناسی مثبت‌گرا با روان‌شناسی اسلامی	۸۰/۹۷
۶۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس شادی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۸۸
۶۸	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کمک به هممنوع و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۰/۸۵
۶۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس نوع‌دوستی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۸۵
۷۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	امید از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۰/۸۱
۷۱	انگیزش و هیجان	ب	راهبردهای مهار و تنظیم هیجان از نگاه آموزه‌های اسلامی (ارائه الگوی خودمهارگری اسلامی)	۸۰/۸
۷۲	روان‌شناسی سلامت	ب	بخشایش به‌عنوان مقابله مذهبی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۷۲
۷۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس شادکامی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۷

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۷۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس امید و خوش‌بینی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۴
۷۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	عفو و گذشت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۰/۶۴
۷۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حسد بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۴
۷۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس مهربانی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۱
۷۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس جهل بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۵۲
۷۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس معنای زندگی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۵۲
۸۰	روان‌شناسی سلامت	ب	ساخت مقیاس مقابله دینی از دیدگاه اسلام	۸۰/۴۸
۸۱	فلسفه روان‌شناسی	ب	طراحی الگوی راهبردی برای تأسیس روان‌شناسی اسلامی	۸۰/۴
۸۲	روان‌شناسی رشد	ب	روان‌شناسی نوجوان از منظر اسلام	۸۰/۳۸
۸۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس رضایت از زندگی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۳۶
۸۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس غضب بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۳۲
۸۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس غفلت بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۱۳
۸۶	آسیب‌شناسی روانی	ب	ماهیت و علل وسواس از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۱۱
۸۷	مشاوره و روان‌درمانی	ب	پروتکل درمانی بخشایش‌گری با نگرش به منابع اسلامی	۸۰/۰۸
۸۸	مشاوره و روان‌درمانی	ب	مبانی نظری و اصول درمان‌شناختی - رفتاری از دیدگاه اسلام	۸۰/۰۶

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۸۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	جهل از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۰۳
۹۰	روان‌شناسی خانواده	ب	توانمندسازی همسران در مشکلات زناتشویی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۰۳
۹۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس قدردانی بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۹۷
۹۲	روان‌شناسی رشد	ب	تهیه بسته آموزش مفهوم خدا به کودکان	۷۹/۹۲
۹۳	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر باورها و انگیزه‌های دینی در درمان دروغ‌گویی	۷۹/۹۲
۹۴	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیه بسته درمان تکبر بر اساس منابع دینی	۷۹/۸۴
۹۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	الگوپذیری در نوجوانان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۸۳
۹۶	آسیب‌شناسی روانی	ب	آسیب‌شناسی روانی در قرآن و حدیث	۷۹/۸۱
۹۷	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ویژگی‌های کودک از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۷۹/۷۳
۹۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حرص و طمع بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۶۸
۹۹	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی نگرش جوانان به ازدواج موقت و روابط دوستی دختر و پسر در دوران ماقبل ازدواج با رویکرد دینی	۷۹/۶۲
۱۰۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	حرص و طمع از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۹/۶۱
۱۰۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	مقایسه تطبیقی مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌گرا با مفاهیم اخلاق اسلامی	۷۹/۵۸
۱۰۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس امید بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۵۶
۱۰۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس ناامیدی بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۵۲

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۰۴	روان‌شناسی یادگیری	ب	نقش تقویت و تنبیه در یادگیری، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۵۲
۱۰۵	آسیب‌شناسی روانی	ب	خودارضایی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن	۷۹/۴۴
۱۰۶	انگیزش و هیجان	ب	ارائه سبک‌های مختلف خودمهارگری بر اساس انگیزش‌های متنوع خودمهارگری اسلامی	۷۹/۳۳
۱۰۷	روان‌شناسی خانواده	ب	طلاق بجا و نابجا، آسیب‌ها و راهکارهای روان‌شناختی کاهش طلاق از منظر اسلام	۷۹/۳۳
۱۰۸	روان‌شناسی خانواده	ب	مدیریت روان‌شناختی طلاق از دیدگاه اسلام	۷۹/۳
۱۰۹	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی تأثیر روان‌شناختی اذکار دینی در فرایند درمان	۷۹/۲۵
۱۱۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	خرد و عقلانیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۲۴
۱۱۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	ساخت پرسش‌نامه و مصاحبه ارزیابی شخصیت بر اساس نظریه شخصیت اسلامی	۷۹/۱۹
۱۱۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	نقش باورهای دینی در تسهیل فرایند مشاوره و درمان	۷۹/۱۷
۱۱۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	تعصب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۱۳
۱۱۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس تعصب بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۱
۱۱۵	روان‌شناسی سلامت	ب	نقش زهد در سلامت روان	۷۹/۰۷
۱۱۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	کینه‌توزی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن	۷۹/۰۶
۱۱۷	مشاوره و روان‌درمانی	ب	فنون و روش‌های درمان و مشاوره از دیدگاه اسلام	۷۹/۰۳

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۱۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس خودنظم‌بخشی بر اساس منابع اسلامی	۷۹
۱۱۹	روان‌شناسی رشد	ب	هویت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۸۵
۱۲۰	روان‌شناسی شخصیت	ب	الگوی شخصیت بهنجار و نابهنجار از دیدگاه اسلام	۷۸/۷۶
۱۲۱	آسیب‌شناسی روانی	ب	بررسی تطبیقی ملاک‌های هنجاری و نابهنجاری از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام و ساخت مقیاس آن	۷۸/۷۶
۱۲۲	روان‌شناسی سلامت	ب	راه‌های پیشگیری از ایجاد نیازهای غیرواقعی اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی	۷۸/۷۴
۱۲۳	آسیب‌شناسی روانی	ب	احساس گناه و کمال‌گرایی از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۷۲
۱۲۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	قدردانی، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۵۶
۱۲۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ارتباط کلامی و غیرکلامی در قرآن و حدیث	۷۸/۵۵
۱۲۶	روان‌شناسی اجتماعی	ب	مقایسه سبک زندگی طلبگی با سبک زندگی اسلامی	۷۸/۵۴
۱۲۷	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی تأثیر آموزه‌های اخلاق اسلامی بر تعهد زناشویی و رضایت جنسی	۷۸/۵۲
۱۲۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس بخل بر اساس منابع اسلامی	۷۸/۴۲
۱۲۹	روان‌شناسی خانواده	ب	عوامل استحکام خانواده با بهره‌گیری از آموزه‌های دین و روان‌شناسی	۷۸/۳۱
۱۳۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی تأثیر آموزه‌های دینی در درمان تعصب	۷۸/۳
۱۳۱	روان‌شناسی اجتماعی	ب	عزت‌نفس از دیدگاه قرآن و حدیث با رویکرد روان‌شناختی و ساخت مقیاس آن	۷۸/۲۴

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۳۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	خودنظم‌بخشی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۲۳
۱۳۳	روان‌شناسی خانواده	ب	ازدواج موقت: محدوده‌ها، آسیب‌ها و راهکارها از منظر روان‌شناسی و دین	۷۸/۱۱
۱۳۴	روان‌شناسی رشد	ب	ساخت مقیاس سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام	۷۸/۰۸
۱۳۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	همدلی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸
۱۳۶	مشاوره و روان‌درمانی	ب	کاربرد مفاهیم دینی در درمان رذایل اخلاقی	۷۸
۱۳۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	عفت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی (تحلیل مفهومی، علت‌شناسی، آثار و فرایند تحول)	۷۷/۹۷
۱۳۸	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیه بسته درمان بخل بر اساس منابع دینی	۷۷/۹۷
۱۳۹	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی شیوه‌های شکل‌گیری و تقویت نگرش، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۷/۷۶
۱۴۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس جزع و بی‌تابی بر اساس منابع اسلامی	۷۷/۷۴
۱۴۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	مراحل تحول شخصیت از دیدگاه اسلام	۷۷/۷۲
۱۴۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی ویژگی‌های مشاور و درمانگر در منابع اسلامی	۷۷/۷۲
۱۴۳	روان‌شناسی رشد	ب	ساخت مقیاس رشد دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی	۷۷/۶۹
۱۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس کینه‌توزی بر اساس منابع اسلامی	۷۷/۶۸
۱۴۵	روان‌شناسی اخلاق	ب	تحلیل مفاهیم روان‌شناختی اخلاق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۷/۵۵

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۴۶	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی انسان‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۷/۵۲
۱۴۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی جایگاه اختیار در ساختار روانی انسان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۷/۴۵
۱۴۸	انگیزش و هیجان	ب	محبت از دیدگاه قرآن	۷۷/۳۷
۱۴۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	حسرت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۷۷/۳۲
۱۵۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر مداخله دینی در درمان کینه‌توزی	۷۷/۳۲
۱۵۱	روان‌شناسی اخلاق	ب	سیر تحول استدلال اخلاقی در کودکان با نگرش به منابع دینی	۷۷/۲۶
۱۵۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	مقایسه روان‌درمانگری بدون توصیه به دعا، با روان‌درمانگری همراه با توصیه به دعا در بهبود مراجعان	۷۷/۲۵
۱۵۳	روان‌شناسی اجتماعی	ب	راهکارهای روان‌شناختی ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری با تأکید بر منابع اسلامی	۷۷/۲۴
۱۵۴	روان‌شناسی اجتماعی	ب	جهت‌گیری کار و تلاش از دیدگاه قرآن و حدیث با نگاه روان‌شناختی	۷۷/۲۳
۱۵۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	غضب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۷/۱۶
۱۵۶	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ابعاد رشد جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی در پیری از دیدگاه قرآن و سنت	۷۷/۱۵
۱۵۷	روان‌شناسی خانواده	ب	الگوی مطلوب اشتغال زنان برحسب سطح تحصیلات، نوع اشتغال (دولتی یا آزاد، رسمی، پیمانی، قراردادی)، میزان درآمد و شأن اجتماعی با تأکید بر منابع اسلامی	۷۷/۰۴
۱۵۸	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی معرفت‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۶/۹۷

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۵۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حسرت بر اساس منابع اسلامی	۷۶/۹۷
۱۶۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر باورها و انگیزه‌های دینی در درمان حرص و طمع	۷۶/۸۹
۱۶۱	روان‌شناسی اجتماعی	ب	روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در حفظ محیط‌زیست با استفاده از منابع اسلامی	۷۶/۸۱
۱۶۲	روان‌شناسی رشد	ب	مبانی نظری رشد دینی از دیدگاه اسلام و مقایسه آن با نظریه‌های روان‌شناختی رشد دینی	۷۶/۸۱
۱۶۳	روان‌شناسی رشد	ب	مفهوم‌شناسی انواع هوش (هیجانی، اجتماعی، معنوی، عقلانی، اخلاقی و عاطفی) و ارائه نظر اسلام	۷۶/۸۱
۱۶۴	روان‌شناسی شخصیت	ب	مفروضه‌های اساسی اسلام درباره شخصیت انسان	۷۶/۷۶
۱۶۵	روان‌شناسی شخصیت	ب	بررسی تیپ‌های شخصیتی در منابع اسلامی و ساخت مقیاس آن	۷۶/۷۲
۱۶۶	فلسفه روان‌شناسی	ب	تحلیل روان‌شناختی چگونگی تعامل روان و رفتار از دیدگاه دینی	۷۶/۶۷
۱۶۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	مفاهیم روان‌شناسی اسلامی (فرهنگ لغت روان‌شناسی اسلامی)	۷۶/۶۵
۱۶۸	روان‌شناسی شخصیت	ب	ساخت مقیاس انسان کامل با رویکرد اسلامی	۷۶/۶۲
۱۶۹	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی تطبیقی مبانی نظری سبک فرزندپروری والدین از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۶/۶۲
۱۷۰	روان‌شناسی اجتماعی	ب	عوامل درونی، بیرونی و تعاملی جاذبه متقابل از دیدگاه اسلام	۷۶/۵۹
۱۷۱	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی فلسفی روان‌شناسی از دیدگاه قرآن و سنت	۷۶/۵۸

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۷۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	بخل از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۶/۵۸
۱۷۳	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ویژگی‌های مبلغ موفق از دیدگاه اسلام با تأکید بر ویژگی‌های بومی - جمعیت‌شناختی	۷۶/۵۷
۱۷۴	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی حجیت یافته‌های روان‌شناختی در استنباط احکام شرعی	۷۶/۵۳
۱۷۵	روان‌شناسی سلامت	ب	ارتباط انواع نیایش‌های آیینی، شفاعت‌آمیز و حاجت‌مندانه با بهزیستی روانی با رویکرد دینی	۷۶/۴۲
۱۷۶	روان‌شناسی اخلاق	ب	کارکردهای روان‌شناختی اخلاقی بودن از منظر دین و روان‌شناسی	۷۶/۳۵
۱۷۷	روان‌شناسی اجتماعی	ب	راهکارهای شناختی، عاطفی و رفتاری مقابله با پیش‌داوری از دیدگاه اسلام	۷۶/۳۱
۱۷۸	روان‌شناسی اخلاق	ب	انواع شخصیت اخلاقی از منظر دین و روان‌شناسی	۷۶/۲۴
۱۷۹	انگیزش و هیجان	ب	هیجان‌های مقدس از دیدگاه قرآن	۷۶/۱۳
۱۸۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	انصاف از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۶/۰۶
۱۸۱	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیه بسته درمان ناامیدی بر اساس منابع دینی	۷۶/۰۵
۱۸۲	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی تطبیقی مفهوم فطرت از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام	۷۵/۹۴
۱۸۳	روان‌شناسی اخلاق	ب	مبانی روان‌شناختی اخلاق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۵/۹۴
۱۸۴	انگیزش و هیجان	ب	مؤلفه‌های هوش هیجانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۹۳
۱۸۵	آسیب‌شناسی روانی	ب	مسئله‌شناسی احکام شرعی افراد مبتلا به اختلالات روانی	۷۵/۹۲

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۸۶	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ویژگی‌های دوران بزرگسالی از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۷۵/۸۴
۱۸۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	ارزیابی رویکردهای موجود در روان‌شناسی معاصر با نگرش به آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی-اسلامی	۷۵/۷۷
۱۸۸	فلسفه روان‌شناسی	ب	تبیین روان‌شناختی مفاهیم انسان‌شناسی در منابع اسلامی	۷۵/۷۱
۱۸۹	فلسفه روان‌شناسی	ب	قوای نفس از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۶۵
۱۹۰	روان‌شناسی اجتماعی	ب	تبلیغات و جنگ روانی دشمن در قرآن و حدیث	۷۵/۶۱
۱۹۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	تحلیل عوامل و صفات شخصیت از دیدگاه اسلام	۷۵/۵۹
۱۹۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس تواضع بر اساس منابع اسلامی	۷۵/۵۸
۱۹۳	روان‌شناسی اخلاق	ب	مبانی نظری روش پژوهش در سنجش رفتارهای اخلاقی بر اساس آموزه‌های دین و روان‌شناسی	۷۵/۵۶
۱۹۴	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ساخت مقیاس خودشناسی اسلامی و تهیه بسته آموزشی آن	۷۵/۵۲
۱۹۵	روش تحقیق	ب	روش‌های پژوهش در روان‌شناسی اسلامی	۷۵/۵۲
۱۹۶	روان‌شناسی اخلاق	ب	استدلال اخلاقی از منظر دین و روان‌شناسی	۷۵/۴۵
۱۹۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس انصاف بر اساس منابع اسلامی	۷۵/۲۶
۱۹۸	روان‌شناسی خانواده	ب	چالش‌های مشاوره خانواده و خانواده‌درمانی با رویکرد دینی	۷۵/۲۱
۱۹۹	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی تطبیقی خودشناسی از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۹

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۰۰	انگیزش و هیجان	ب	هیجان‌های خودآگاه از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۷
۲۰۱	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی ویژگی‌های اخلاقی خانواده‌های طلاق در مقایسه با خانواده‌های دارای رضایت زناشویی بر اساس آموزه اخلاقی اسلام	۷۵/۱۵
۲۰۲	روان‌شناسی خانواده	ب	آسیب‌شناسی روابط خویشاوندی همسران از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۲
۲۰۳	روان‌شناسی شخصیت	ب	تأثیر هیجانات مقدس در رشد شخصیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱
۲۰۴	روان‌شناسی یادگیری	ج	ماهیت آموزش و یادگیری از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵
۲۰۵	فلسفه روان‌شناسی	ج	رابطه تن و روان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۹۳
۲۰۶	انگیزش و هیجان	ج	انگیزش جنسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۸
۲۰۷	روان‌شناسی سلامت	ج	ارتباط معنویت ایمان‌مدار و معنویت غیرایمان‌مدار با مقابله با بحران‌ها و گرفتاری‌های روزمره	۷۴/۷۹
۲۰۸	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی تطبیقی مفهوم روان در روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر	۷۴/۷۷
۲۰۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	اسناد: ماهیت و علل درک رفتار خود و دیگران از منظر قرآن و حدیث	۷۴/۶۲
۲۱۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	تعریف عملیاتی فطرت و امکان سنجش آن	۷۴/۶
۲۱۱	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی مسائل و موضوعات روان‌شناختی مورد اتفاق روان‌شناسان و کاربرد آن در تدوین روان‌شناسی اسلامی	۷۴/۵۷
۲۱۲	انگیزش و هیجان	ج	نقش هدف‌گذاری دینی در انگیزش انسان از دیدگاه اسلام	۷۴/۵

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۱۳	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی لازم مسئولین جامعه اسلامی و ساخت تست آن	۷۴/۴۳
۲۱۴	روان‌شناسی شخصیت	ج	نقش نظام ارزشی در شکل‌گیری شخصیت با نگرش به منابع اسلامی	۷۴/۴۲
۲۱۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	تواضع از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۳۹
۲۱۶	انگیزش و هیجان	ج	هیجان‌ها، انواع آن و کارکردهای آن از دیدگاه قرآن	۷۴/۳۷
۲۱۷	روان‌شناسی اجتماعی	ج	رابطه بین عزت‌نفس و رفتارهای جامعه‌پسند از دیدگاه اسلامی	۷۴/۳۳
۲۱۸	مشاوره و روان‌درمانی	ج	تأثیر آموزه‌های دینی در کاهش جهل و نادانی	۷۴/۳
۲۱۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	خلاقیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۱۸
۲۲۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی مقایسه‌ای مفهوم نیت با سایر مفاهیم روان‌شناختی هم‌تراز آن	۷۴/۱
۲۲۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس خلاقیت بر اساس منابع اسلامی	۷۴
۲۲۲	فلسفه روان‌شناسی	ج	مبانی معنی‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۳/۹۳
۲۲۳	روان‌شناسی رشد	ج	مراحل رشد اخلاقی انسان از دیدگاه اسلام و مقایسه با مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گ	۷۳/۸۸
۲۲۴	روان‌شناسی سلامت	ج	آثار مقابله‌ای شکل‌های مختلف نیایش از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۳/۸۶
۲۲۵	روان‌شناسی شخصیت	ب	واجبات دینی و تأثیر آن بر رشد شخصیت	۷۳/۸۳
۲۲۶	روان‌شناسی اخلاق	ج	احساس گناه و شرم از منظر دین و روان‌شناسی	۷۳/۶۵
۲۲۷	روان‌شناسی اجتماعی	ب	گروه‌های تکفیری (داعش) و تصورات قالبی درباره مسلمانان	۷۳/۵۷

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۲۸	روان‌شناسی اجتماعی	ج	تحلیل روان‌شناختی مراسم سوگواری و عزاداری در قرآن و حدیث و آثار روان‌شناختی آن	۷۳/۳۸
۲۲۹	فراروان‌شناسی	ج	ماهیت تجربه دینی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۳/۳۴
۲۳۰	روان‌شناسی شخصیت	ج	صفت شخصیتی سخت‌رویی ویژگی‌های آن از دیدگاه اسلام	۷۳/۳۱
۲۳۱	روان‌شناسی اجتماعی	ج	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در میل به مشارکت اجتماعی جوانان و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۷۳/۲۲
۲۳۲	روان‌شناسی اجتماعی	ج	تیپ‌های شخصیتی مخاطبین و سبک‌های تبلیغی دینی مؤثر	۷۳/۲۱
۲۳۳	مشاوره و روان‌درمانی	ج	بررسی فرایند مشاوره و درمان از دیدگاه اسلام	۷۳/۰۴
۲۳۴	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی طلبه‌های موفق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۲/۸۸
۲۳۵	روش تحقیق	ج	آسیب‌شناسی سنجش دین‌داری	۷۲/۸۵
۲۳۶	روان‌شناسی سلامت	ج	ارتباط تصویر ذهنی روان‌شناسی مثبت‌گرا و منفی از خود با تصویر ذهنی از خدا: تفاوت جنسی	۷۲/۶۶
۲۳۷	روان‌شناسی رشد	ج	رابطه میزان توکل به خدا با عزت‌نفس	۷۲/۴۲
۲۳۸	روش تحقیق	ج	نقش مفهوم‌شناسی دینی در ساخت مقیاس	۷۲/۴
۲۳۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	هم‌نوایی و مقاومت (فردی و گروهی) در قرآن و حدیث با رویکرد روان‌شناختی	۷۲/۳۷
۲۴۰	روان‌شناسی اجتماعی	ج	عوامل درونی و بیرونی مؤثر در شکل‌گیری و تقویت رفتار یاری‌رسان از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناختی	۷۲/۳۴

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۴۱	فلسفه روان‌شناسی	ج	مروری بر تاریخچه و نظریه‌های موجود در روان‌شناسی اسلامی	۷۲/۳۳
۲۴۲	فلسفه روان‌شناسی	ج	تعریف، مؤلفه‌ها، مراتب، انواع و کاربردهای هشیاری از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۲/۳
۲۴۳	روان‌شناسی رشد	ج	بررسی تطبیقی مفهوم مرگ و نقش آن در بهبود عملکرد در زندگی از دیدگاه قرآن و سنت	۷۲/۲۷
۲۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس احتیاط و دوراندیشی بر اساس منابع اسلامی	۷۲/۱
۲۴۵	روان‌شناسی یادگیری	ج	طراحی الگوی مدیریت دینی - روان‌شناختی مراکز آموزشی	۷۲/۰۷
۲۴۶	روان‌شناسی رشد	ج	اثر باورهای منطقی - غیرمنطقی والدین بر سبک‌های تربیتی اسلامی	۷۲/۰۴
۲۴۷	روان‌شناسی اخلاق	ج	نقش نیت در رفتارهای اخلاقی	۷۲
۲۴۸	فلسفه روان‌شناسی	ج	شناسایی نقاط اشتراک و افتراق پیش‌فرض‌های فلسفی روان‌شناسی با پیش‌فرض‌های دینی	۷۱/۸۱
۲۴۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	احتیاط و دوراندیشی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۸۱
۲۵۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	مبانی منطقی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۱/۸
۲۵۱	روان‌شناسی اجتماعی	ج	صفات رهبر و شیوه‌های رهبری از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناختی	۷۱/۷۶
۲۵۲	روان‌شناسی یادگیری	ج	اهداف یادگیری و آموزش در اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۷۶
۲۵۳	روان‌شناسی شخصیت	ج	بررسی مفهوم عقل و قلب و نقش آن در ساختار شخصیت	۷۱/۶۲

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۵۴	انگیزش و هیجان	ج	طبقه‌بندی نیازهای اجتماعی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۴۳
۲۵۵	روان‌شناسی اجتماعی	ج	مفهوم‌شناسی، مصادیق و ارتباط پیش‌دآوری با مؤلفه‌های شخصیت از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۴۲
۲۵۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس عفو و گذشت بر اساس منابع اسلامی	۷۱/۴۰
۲۵۷	روان‌شناسی اجتماعی	ج	علل و پیامدهای همکاری یا تعارض گروهی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناسی	۷۱/۳۷
۲۵۸	روان‌شناسی سلامت	ج	مقابله‌های دینی مفید، مضر و بی‌حاصل از دیدگاه اسلام	۷۱/۱۷
۲۵۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	بررسی علل روانی - اجتماعی کناره‌گیری از نهادهای دینی	۷۰/۹۳
۲۶۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	درآمدی بر کاربرد مباحث اصول فقه در تأسیس روان‌شناسی اسلامی	۷۰/۸۷
۲۶۱	مشاوره و روان‌درمانی	ج	بررسی تطبیقی درمان فراشناختی، درمان شناختی-رفتاری و درمان یکپارچه توحیدی	۷۰/۸۶
۲۶۲	روان‌شناسی اخلاق	ج	مقایسه تطبیقی نیت در آموزه‌های دینی و انگیزه اخلاقی در روان‌شناسی	۷۰/۸۱
۲۶۳	روان‌شناسی رشد	ج	بررسی تأثیر مناسک حج بر دلبستگی و حرمت خود	۷۰/۷۷
۲۶۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس غرقگی (شیفتگی) ^۱ بر اساس منابع اسلامی	۷۰/۵۳
۲۶۵	روان‌شناسی اجتماعی	ج	عوامل شکل‌گیری برداشت اولیه و مدیریت آن از منظر قرآن و حدیث	۷۰/۵۲
۲۶۶	روان‌شناسی شخصیت	ج	ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام و بررسی تطبیقی آن با دیدگاه فروید	۷۰/۵۲

1. flow

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۶۷	روان‌شناسی سلامت	ج	بررسی رضایت از زندگی با رویکرد دینی در دین‌داران و همسران آنان	۷۰/۴۱
۲۶۸	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران سیاسی بر اساس دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۰/۳۸
۲۶۹	فراروان‌شناسی	ج	مدل کلی اسلام درباره مکاشفات با رویکرد روان‌شناختی	۷۰/۳۴
۲۷۰	روان‌شناسی اجتماعی	ج	شیوه‌های روان‌شناختی جذب جوانان به تحصیل در حوزه علمیه	۷۰/۳۲
۲۷۱	روان‌شناسی سلامت	ج	جایگاه تسلط و معنا در مقابله‌های دینی از دیدگاه اسلام	۷۰/۲۸
۲۷۲	روان‌شناسی رشد	ج	رابطه رشد مفاهیم اخلاقی و دینی با رشد شناختی	۷۰/۲۷
۲۷۳	فراروان‌شناسی	ج	ساخت مقیاس اندازه‌گیری تجربه عرفانی از دیدگاه اسلام	۷۰/۲۵
۲۷۴	روش تحقیق	ج	روش‌شناسی کشف مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی	۷۰/۱۹
۲۷۵	روان‌شناسی شخصیت	ج	بررسی تطبیقی شخصیت از دیدگاه اسلام و نظریه شخصیت یونگ	۷۰/۱۴
۲۷۶	روان‌شناسی رشد	ج	سیر تحول مفهوم مرگ و قیامت در کودکان و ساخت بسته آموزشی آن	۷۰/۰۴
۲۷۷	انگیزش و هیجان	ج	انگیزش ناهشیار از دیدگاه اسلام	۷۰/۰۳
۲۷۸	روان‌شناسی سلامت	ج	رابطه سفرهای تبلیغ کوتاه‌مدت و بلندمدت روحانیون بدون خانواده با سلامت روان طلاب و خانواده‌های آنان	۶۹/۹۳
۲۷۹	روش تحقیق	ج	نقد روش پژوهش تجربی در روان‌شناسی و موارد استفاده روان‌شناسان از روش غیرتجربی (کاستی‌های روش تجربی)	۶۹/۸۵
۲۸۰	روش تحقیق	ج	سنجش دین‌داری؛ محدودیت‌ها و موانع	۶۹/۷۸

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۸۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	غرقگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۹/۷
۲۸۲	مشاوره و روان‌درمانی	ج	اثر بخشی درمان شناختی-رفتاری با رویکرد دینی در مقایسه با درمان شناختی رفتاری در مبتلایان به پارانوید	۶۹/۶۱
۲۸۳	روان‌شناسی خانواده	ج	مقایسه میزان کارآمدی خانواده‌های روستایی و شهری بر اساس پرسش‌نامه خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام	۶۹/۱۵
۲۸۴	فراروان‌شناسی	ج	ماهیت و انواع تجربه‌های دم‌مرگ از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۹/۱۳
۲۸۵	فراروان‌شناسی	ج	فرایند پدیده‌های فراروان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۶۹/۱۳
۲۸۶	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی امام جماعت موفق	۶۹/۱
۲۸۷	روش تحقیق	ج	مبانی دین‌شناختی ساخت مقیاس‌های دین‌داری	۶۹/۰۴
۲۸۸	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره در رویکردهای فمینیستی با رویکرد اسلامی	۶۸/۵۷
۲۸۹	روان‌شناسی سلامت	د	رابطه کیفیت زندگی با سبک‌های مختلف نیاپس	۶۸/۱۷
۲۹۰	روان‌شناسی اجتماعی	د	منابع بالقوه خطا در نگرش‌های دینی و شناخت اجتماعی	۶۸
۲۹۱	روان‌شناسی خانواده	د	بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد تسهیل‌گر ازدواج با رویکرد دینی	۶۷/۹۶
۲۹۲	روان‌شناسی اجتماعی	د	بررسی سبک‌ها و مؤلفه‌های روان‌شناختی مبلغان مشهور گذشته	۶۷/۶۹
۲۹۳	روان‌شناسی یادگیری	د	ساخت تست غربالگری گزینش طلاب در ویژگی‌های شخصیتی، هوشی و آسیب‌شناسی روانی	۶۷/۵۶

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۹۴	روان‌شناسی یادگیری	د	بررسی سطح انگیزشی طلاب در علم‌آموزی و مقایسه آن با اصناف دیگر	۶۷/۴۸
۲۹۵	روان‌شناسی رشد	د	شناسایی عوامل روان‌شناختی مؤثر در سلامت روان سالمندان از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۶۷/۴۸
۲۹۶	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره انسان‌گرایی / وجودی با رویکرد اسلامی	۶۷/۳۲
۲۹۷	روان‌شناسی اجتماعی	د	ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران سیاسی مسلمان	۶۷/۳۱
۲۹۸	فراروان‌شناسی	د	نظریه‌های مکاتب روان‌شناسی و اسلام راجع به تجربه عرفانی	۶۷/۱۳
۲۹۹	روان‌شناسی اجتماعی	د	بررسی علل روان‌شناختی تبس موقت طلاب به لباس روحانیت و پیش‌بینی روند آن	۶۷/۰۷
۳۰۰	روان‌شناسی یادگیری	د	بررسی نقاط قوت و ضعف نظام‌های تشویقی در نظام آموزشی حوزه علمیه	۶۶/۸۳
۳۰۱	روان‌شناسی اجتماعی	د	انواع تبدیل و علل از منظر اسلام و روان‌شناسی	۶۶/۸۱
۳۰۲	فراروان‌شناسی	د	علوم غریبه از دیدگاه اسلام و فراروان‌شناسی	۶۶/۵۳
۳۰۳	فراروان‌شناسی	د	بررسی و تبیین رؤیت حضرت (عج) در سه قلمروی فراطبیعی، ذهنی گرایانه و عصب‌فیزیولوژیکی	۶۶/۴۱
۳۰۴	روان‌شناسی اجتماعی	د	ماهیت، زمینه‌ها و عوامل روان‌شناختی تمایل به جهاد و آثار آن در اسلام	۶۶/۳۷
۳۰۵	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره در روانکاوی با رویکرد اسلامی	۶۵/۷۳
۳۰۶	روان‌شناسی اجتماعی	د	رهبری زنان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۵/۲۱

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۳۰۷	فراروان‌شناسی	د	بررسی تطبیقی مقیاس اندازه‌گیری عرفان «هود» با مقیاس تجربه عرفانی از دیدگاه اسلام	۶۴/۷۱
۳۰۸	فراروان‌شناسی	د	ماهیت، انواع دورآگاهی و دورجنبانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۳/۴۱
۳۰۹	فراروان‌شناسی	د	استفاده از یافته‌های روان‌شناسی تجربه دینی در ارزش استنادی تجربه دینی	۶۳/۳۴
۳۱۰	روش تحقیق	د	روش سازه‌گرایی اجتماعی در بررسی پدیده‌های دینی	۵۸/۳۵
۳۱۱	روان‌شناسی یادگیری	د	نقش قومیت و نژاد در پیشرفت تحصیلی طلاب علوم دینی	۵۷/۷۹

آنچه در جدول بالا آمده است، تفصیلی از اولویت‌های پژوهشی به‌دست‌آمده در عرصه روان‌شناسی اسلامی است. یافته‌های به‌دست‌آمده، به‌طور خلاصه نیز در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳: اولویت‌های پژوهشی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی به تفکیک در ۴ بخش

ردیف	گرایش روان‌شناسی	تعداد نیاز به‌دست‌آمده در روان‌شناسی اسلامی برحسب اولویت				تعداد نیاز گرایش نسبت به کل	درصد هر گرایش
		اولویت الف	اولویت ب	اولویت ج	اولویت د		
۱	اجتماعی	۸	۱۷	۱۸	۸	۱۶/۳۹	۵۱
۲	شخصیت	۱	۹	۵	-	۴/۸۲	۱۵
۳	سلامت	۷	۵	۷	۳	۷/۰۷	۲۲
۴	روش تحقیق و روان‌سنجی	-	۱	۵	۲	۲/۵۷	۸
۵	خانواده	۱۱	۱۱	۲	۱	۸/۰۳	۲۵
۶	مشاوره و روان‌درمانی	۴	۱۵	۴	۳	۸/۳۶	۲۶

ردیف	گرایش روان‌شناسی	تعداد نیاز به دست‌آمده در روان‌شناسی اسلامی برحسب اولویت				تعداد نیاز	درصد هر گرایش نسبت به کل
		اولویت الف	اولویت ب	اولویت ج	اولویت د		
۷	مثبت	۲۱	۳۹	۸	-	۶۸	۲۱/۸۶
۸	آسیب‌شناسی روانی	-	۶	-	-	۶	۱/۹۹
۹	اخلاق	۲	۷	۳	-	۱۲	۳/۸۵
۱۰	انگیزش و هیجان	۲	۶	۵	-	۱۳	۴/۱۸
۱۱	فلسفه روان‌شناسی	۱	۱۲	۱۱	-	۲۴	۷/۷۱
۱۲	رشد	۳	۱۱	۷	۱	۲۲	۷/۰۷
۱۳	یادگیری	-	۱	۳	۴	۸	۲/۵۷
۱۴	فراروان‌شناسی	-	-	۵	۵	۱۰	۳/۲۱
جمع	۱۴	۶۰ (۱۹/۲۹)	۱۴۰ (۴۵/۰۱)	۸۳ (۲۶/۶۸)	۲۸ (۹/۰۰)	۳۱۱	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

نیازسنجی، مرحله‌ای بسیار مهم و اثرگذار در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی است که ذهن پژوهشگران و متولیان امر پژوهش را به خود معطوف می‌سازد. در هر برنامه پژوهشی، باید به این پرسش پاسخ داد که نیازهای پژوهشی در عرصه یک دانش چیست و در چه موضوعاتی باید پژوهش شود؟ بنابراین، چنانچه نیازهای پژوهشی بر اساس فرایند علمی و معتبر شناسایی نشود و پژوهش‌ها با نیازهای واقعی ارتباطی منطقی نیابد، گسستی عمیق و اساسی بین نتایج پژوهش و نیازهای جامعه و بهره‌وران علم نمایان خواهد شد. اما در اکثر موارد، رویه حاکم بر تدوین متون و انتشار فراخوان‌های پژوهشی، برنامه‌ریزی منسجم ندارد و غالباً منجر به پژوهش‌های بی‌ارتباط به هم، غیر مؤثر و ناکارآمد می‌شود (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به بررسی‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته، مشخص شد، فعالیت علمی و روشمندی در خصوص نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی وجود ندارد. بنابراین یک نوع خلأ پژوهشی احساس

می‌شد تا از این طریق پژوهش‌های این حوزه سازمان‌دهی شوند و از موازی‌کاری، پراکنده‌کاری و صرف منابع پژوهشی در حوزه‌های فاقد اولویت جلوگیری به عمل آید. پژوهش حاضر نخستین اولویت‌یابی پژوهشی در حوزه روان‌شناسی اسلامی است و می‌تواند به پژوهش‌های آتی در این زمینه کمک شایانی کند. یکی از مزیت‌های تحقیق حاضر، استفاده از منابع متعدد (اشاره‌شده در بخش روش تحقیق)، برای شناسایی نیازهای پژوهشی است. همچنین در روش اولویت‌یابی از دوروش «دلفی» و «چک‌لیست‌ها» استفاده گردید. از مزیت‌های این دوروش می‌توان به استفاده از افراد با دانش، مهارت کافی و دارای مسئولیت پژوهشی در روش دلفی، و برقراری ارتباط و تعامل با گروه هدف (پژوهشگران و متخصصان) در روش چک‌لیست اشاره کرد؛ به‌طور کلی فرایند مشارکت افراد و گروه‌های مختلف با دانش تخصصی باعث غنی‌شدن الگوی شناسایی و اولویت‌یابی نیازهای پژوهشی، به‌وجودآمدن بینش پژوهش، ایجاد احساس مالکیت و تعهد در انجام طرح‌های پژوهشی و تخصیص بهینه منابع مالی به آن‌ها می‌شود (کیسی، ۲۰۰۱).

از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، دست‌یابی به ۳۱۱ عنوان پژوهشی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی است. نتایج نشان داد که بیشترین اولویت در نیازهای شناسایی‌شده در گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا و روان‌شناسی اجتماعی به ترتیب با اختصاص ۲۱/۸۶، ۱۶/۳۵ درصد از کل نیازهاست. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در کل بیشتر نیازهای شناسایی‌شده، در گستره روان‌شناسی مثبت قرار دارند. این امر نشان‌دهنده اهمیت این گرایش در دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت جامعه اسلامی و نیز ارتباط تنگاتنگ روان‌شناسی مثبت با اسلام است. از سوی دیگر، دستیابی به اهداف و آرمان‌های حکومت و جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی اقتضا می‌کند که به مباحث گوناگون روان‌شناسی مثبت همچون شادمانی، امید، خوش‌بینی، رضایت، بخشش، مراقبه و به‌طور کلی به تغییرات مثبت در جامعه و بهره‌مندی از نیرومندی‌ها و فرصت‌ها توجه ویژه‌ای شود (شهیدی، ۱۳۸۸). با توجه به نکات فوق، چرایی شناسایی بیشترین حیطه نیاز پژوهشی در قلمروی روان‌شناسی مثبت، بر ما آشکار می‌شود. از سوی دیگر، مهم‌ترین قلمرویی که آموزه‌های دینی را به روان‌شناسی مربوط می‌کند، اخلاق است و روان‌شناسی مثبت‌گرا، گرایشی از روان‌شناسی است که می‌کوشد فضایل بنیادین اخلاقی را در قالب اصطلاحات روان‌شناسی بگنجاند (پترسون^۱ و سیلیگمن، ۲۰۰۴) و نیز بر اساس آمار انجمن روان‌شناسی آمریکا و نیز خلاصه آمار آموزشی

1. Peterson.
2. Seligman.

سالانه آمریکا (سیندر^۱ و دایلو،^۲ ۲۰۱۰)، روان‌شناسی اجتماعی، پرطرفدارترین گرایش پژوهشی - آموزشی در میان گرایش‌های روان‌شناسی است. حدود ۲۵ درصد از پژوهش‌های روان‌شناختی، به حیطه روان‌شناسی اجتماعی اختصاص دارد. این آمار، گستردگی، اهمیت و نیاز به پژوهش در روان‌شناسی اجتماعی را می‌رساند (وین،^۳ ۲۰۰۲). از طرفی کمترین نیازهای شناسایی شده متعلق به گرایش‌های آسیب‌شناسی روانی، روش پژوهش و روان‌سنجی به ترتیب با اختصاص ۱/۹۹ و ۲/۵۷ درصد از کل نیازهاست. تعداد کم نیازهای پژوهشی در گرایش آسیب‌شناسی روانی به علت توجه ویژه متخصصان روان‌شناسی اسلامی به روان‌شناسی مثبت و هم‌خوانی آن با موضوعات و مباحث دینی در روان‌شناسی اسلامی است که در پی توجه علم روان‌شناسی معاصر به موضوعات مثبت مانند شادی، سلامت ذهن، عواطف مثبت، معنویت و فضایل اخلاقی به جای تمرکز بر آسیب‌شناسی روانی به وجود آمده است. اما در گرایش روش پژوهش و روان‌سنجی، تعداد نیازهای به دست آمده با توجه به نقش تعیین‌کننده این گرایش‌ها در جهت‌دهی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و تأثیر آن‌ها در تولید علم و نظریه‌پردازی محدود است که پیشنهاد می‌شود در نیازسنجی‌های آینده به این مسئله توجه بیشتری شود. البته نکته درخور توجه این است که بخش قابل توجهی از نیازهای پژوهشی شناسایی شده مرتبط با این گرایش که به موضوع ساخت مقیاس در موضوعات مختلف روان‌شناسی با رویکرد اسلامی مربوط می‌شود، در گرایش‌های دیگر گنجانده شد و این یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش نیازهای پژوهشی در این گرایش است.

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش اولویت‌یابی نشان داد که ۱۹/۲۹ درصد از نیازهای پژوهشی به اولویت «الف»، ۴۵/۰۱ درصد از نیازهای پژوهشی به اولویت «ب»، ۶۸/۲۶ درصد از نیازهای پژوهشی به اولویت «ج» و ۹ درصد از نیازهای پژوهشی به اولویت «د»، اختصاص دارند. تحلیل‌های بیشتر نشان داد که نیازهای شناسایی شده در گرایش روان‌شناسی مثبت با ۳۵ درصد اولویت «الف»، بیشترین اولویت «الف» در بین گرایش‌ها را دارد. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت گرایش روان‌شناسی مثبت و نقش بسزای این گرایش در تحول دینی جامعه است. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر به محققین، دانشجویان و دیگر افراد علاقه‌مند، در انتخاب موضوع پژوهش و برقراری ارتباط با این موضوعات کمک می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها پس از

1. Synder.

2. Dillow.

3. Wayne.

اجرای شناسایی نیازهای پژوهشی و اولویت‌یابی آن‌ها، پژوهشگر یا سازمان می‌تواند مبنای علمی و منطقی معینی را برای فعالیت پژوهشی خود فراهم نماید.

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود. ۱۳۸۵. «مناسبت‌های دین و روان‌شناسی». فصلنامه پژوهش و حوزه ویژه دین و روان‌شناسی. سال هفتم: ش ۱.
۲. ارفع بلوچی، فاطمه؛ کارشکی، حسین؛ آهنگیان، محمدرضا. ۱۳۹۰. «ضرورت نیازسنجی پژوهشی در پژوهش‌های سازمانی ارائه شده در دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری». پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت ۱۰-۱.
۳. امینی، ابوالقاسم؛ شقاقی، عبدالرضا؛ صداقت، کامران. ۱۳۸۴. «معرفی یک الگوی نیازسنجی جامع و کاربرد آن در آموزش مداوم پزشکی». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*.
۴. جعفری فریبا؛ یوسفی، علیرضا. ۱۳۸۳. «نظرات مدیران و کارشناسان آموزش مداوم کشور در خصوص ویژگی‌های الگوی کارآمد نیازسنجی پزشکان، داروسازان و دندان‌پزشکان». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. شماره ۲۲.
۵. رحیمی‌نژاد، عباس؛ عاشقی، حسن؛ مهاجر، یحیی؛ بیگی، طاهره. ۱۳۸۸. *اجرای مدل تعیین اولویت‌های پژوهشی در سازمان آموزش و پرورش*.
۶. زارعیان جهرمی آرمین، احمدی فضل. ۱۳۸۴. «نیازسنجی یادگیری در دوره کارشناسی پرستاری، یک مطالعه کیفی». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. شمار ۱۵.
۷. سعیدی رضوانی، محمود؛ آهنگیان، نرگس. ۱۳۸۶. «مقایسه نظری و تجربی (علمی) رویکردهای کل‌نگر و جز‌نگر نیازسنجی آموزشی (در مورد شرکت برق منطقه خراسان)». *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی* ش ۱ (پیاپی ۱۵)
۸. شهیدی، شهریار. ۱۳۸۸. «روان‌شناسی مثبت‌نگر؛ طبقه‌بندی توانمندی‌های انسان و نقش آن در سلامت روان». همایش ملی معناداری زندگی دانشگاه اصفهان.
۹. شهیدی، شهلا؛ چنگیز، طاهره؛ سلمان‌زاده، حسین؛ یوسفی علیرضا. ۱۳۸۸. «مؤلفه‌های مؤثر در نیازسنجی برنامه‌های آموزشی مداوم، ارائه راهنمای کاربردی برای انتخاب و به‌کارگیری الگوها و فنون نیازسنجی». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. زمستان ۸۸.
۱۰. عمادزاده علی؛ بحرینی طوسی، سیدمحمدحسین؛ یاوری، صدیق بهزادی، شکرانه. ۱۳۸۴. «نظرات مدیران و اعضا هیئت علمی در زمینه نیازسنجی آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد». *مجله آموزش در علوم پزشکی*. ش ۱۴ ویژه نامه هفتمین همایش کشوری آموزش پزشکی.
۱۱. غروی، سید محمد و مسعود آذربایجانی. ۱۳۸۵. «مناسبات روان‌شناسی و علوم انسانی». *نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری*. ش ۲۵، ۲۱۲-۱۸۵.
۱۲. فتحی و اجارگاه، کوروش. ۱۳۸۹. «الگوی پیشنهادی اولویت‌یابی پژوهشی برای حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی». ارائه شده به معاونت پژوهش حوزه علمیه قم. منتشر نشده.
۱۳. فتحی و اجارگاه، کوروش. ۱۳۸۵. *نیازسنجی پژوهشی مسئله‌یابی پژوهشی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی*. تهران. نشر آبیژ.
۱۴. فتحی و اجارگاه، کوروش. ۱۳۸۷. *نیازسنجی پژوهشی مسئله‌یابی پژوهشی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی*. تهران. نشر آبیژ.
۱۵. کریمی غریب؛ دمازی، بهزاد؛ قره‌باغان، احمد؛ رهبری، مریم؛ وفاییان، ویدا؛ میناب، سالمی الهام. تابستان ۱۳۸۴. «نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در مرکز پژوهش‌های سازمان انتقال خون ایران»، خون.
۱۶. معاونت پژوهش حوزه علمیه قم. ۱۳۸۸. *اولویت‌های پژوهشی دستگاه‌های علمی-اجرایی در حوزه دین-سال ۱۳۸۶*، قم. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

17. Belzen, J.A. (2010). *Towards cultural psychology of religion*. London, New York: Springer.
18. Calsyn RJ, Winerter JP. (1999). *Understanding and controlling response bias in*

need assessment studies. *Eva Rev* 23(4): 399-417.

19. Hefferon, K. & I. Boniwell, I. (2011). *Positive psychology: Theory, Research & Applications*. Berkshire: Open University Press.
20. Kissi, A. (2001). *Use of Constraint Trees in Research Planning in Planning Agricultural Research: A Sourcebook*. Wallingford: CAB International. Pp 50- 65.
21. Peterson, C., & Seligman, M. E.P. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Washington, DC: American Psychological Association.
22. Reviere, R., Berkowitz, S., Carter, C., & Ferguson, C. (1996). *Needs Assessment: A Creative and Practical Guide for Social Scientists*. New York: Taylor & Francis Ltd.
23. Synder, T, D & Dillow, S, A (2010); *Digest Of Education Statistics 2009 NCES (2010). National Center for Education Statistics, Institute of Education Sciences, U.S. Department of Education*. Washington, DC.
24. Wayne, W. (2002). *Psychology themes and variations*. Wadsworth Publishing.
25. Wulff, D. M. (2002). *Psychology of religion: An overview*. In D. Jonet-Pace & W. B. Parsons (Eds.). *Religion and Psychology: Mapping the Terrain*. New York: Routledge.